

دل آفرین

محمد حسین
رحیمیان



تحقیقی کوتاہ پیرامون ارتباط متقابل علیہ السلام
حضرت زهراء علیہا السلام و حضرت مهدی

دلیل آفتاب

تحقیقی کوتاه پیرامون ارتباط متقابل میان حضرت زهرا علیها السلام

و فرزندش حضرت مهدی علیه السلام

نگارش

محمد حسین رحیمیان

چاپ اول / تابستان ۱۳۸۱ / تیراژ ۳۰۰۰



دلیل آفتاب

محمد حسین رحیمیان

انتشارات دلیل ما

چاپ نگارش

چاپ دوم : ۳۰۰۰ نسخه

بهار ۱۳۸۲

قیمت ۹۵۰ تومان

شابک: ISBN ۹۶۴-۷۵۲۸-۹۵-۷

آدرس: قم، خیابان معلم، معلم ۲۹، پلاک ۴۴۸

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸-۷۷۳۳۴۱۳

صندوق پستی ۱۱۵۳-۳۷۱۳۵

مرکز پخش: تهران، میدان ۱۵ خرداد، کتابفروشی مسجد ارک

تلفن ۳۹۲۷۴۱۲



انتشارات دلیل ما

رحیمیان، محمد حسین، ۱۳۴۵ -

دلیل آفتاب: تحقیقی کوتاه پیرامون ارتباط متقابل میان حضرت زهرا علیها السلام و فرزندش

حضرت مهدی علیه السلام / نگارش محمد حسین رحیمیان. - قم: دلیل ما، ۱۳۸۲.

۲۰۷ ص.

ISBN 964 - 7528 - 95 - 7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص ۲۰۵-۲۰۷

چاپ دوم: ۱۳۸۲.

۱. فاطمه زهرا علیها السلام، ۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام

دوازدهم، ۲۵۵ ق. - الف. عنوان.

۲۹۷/۹۷۳

BP ۲۷/۲/۳۴ د ۸

۱۷۰۶۲ - ۸۱ م

کتابخانه ملی ایران

تقدیم به :

تنها یادگار فاطمه زهرا علیها السلام؛

حضرت مهدی ارواحنا فداه

که با تأسی به مادر مهربانش

در انتظار دولت الزهراء علیها السلام است؛

و منتظرانی که با همه وجودشان

برای شکوفایی آن روز

شکوهمند در تلاشند.

محمد حسین

از فرمایشات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

... وفي ابنة رسول الله ﷺ لي أسوة حسنة؛^(۱)
... برای من از دختر رسول خدا ﷺ الگو
وأسوة نیکویی است.

من که شد آئینه حق روی من

عرشیان محو خصال و خوی من

من که الگوی دو عالم گشته‌ام

مادرم زهرا علیها السلام بود الگوی من

۱ - بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۸۰.

فهرست موضوعات

پیشگفتار ۹

بخش ۱

پرتوی از کوثر ولایت

سرّ هستی ۱۵

روزنه‌ای به آفتاب ۱۹

برترین الگو ۲۳

بخش ۲

کوثر ولایت و ارمغان رحمت

کوثر ولایت و توجه به نور ۲۹

کوثر ولایت و آفرینش نور ۳۶

ارمغان رحمت و عرشیان ۵۱

۶..... دلیل آفتاب

ارمغان رحمت و پاکیزگان ۵۵

ارمغان رحمت و بهشتیان ۶۳

ارمغان رحمت و ضیافت آسمانی ۷۰

زهرة زهرا عليها السلام و گل نرجس عليها السلام ۷۶

بخش ۳

ارمغان رحمت در حدیث کوثر

ارمغان رحمت در حدیث لوح ۹۳

هدایتگران نور در حدیث نور ۱۰۶

بخش ۴

ارمغان رحمت در اوج غربت

کوثر ولایت و مژده مبارک ۱۱۳

مژده نور در اوج تنهایی ۱۱۸

سخن از یار در محفل انس ۱۲۹

گریه فراق و دلداری کوثر ۱۴۰

شادی در حزن ۱۴۳

بخش ۵

ارمغان رحمت و انتقام کوثر ولایت

- نیرنگ ستمگران ۱۵۳
- فرجام دشمنان ۱۵۶
- نخستین پرونده ۱۶۰
- فرجام سخت ۱۶۳
- کوثر ولایت و ناله‌های آتشین ۱۷۲
- کوثر ولایت در آتش ۱۷۴
- ارمغان رحمت و نفاق ستیزی ۱۷۸
- ارمغان رحمت و فرجام شجره خبیثه ۱۸۰

بخش ۶

کوثر ولایت الگوی منتظران

- فاطمه زهرا علیها السلام؛ الگوی امام زمان علیه السلام ۱۸۵
- کوثر ولایت و برترین سرمشق ۱۸۶
- ۱ - آشنایی با امام زمان علیه السلام و شناخت آن بزرگوار ۱۸۹
- ۲ - انتظار فرج و ظهور امام زمان علیه السلام ۱۹۰

۸..... دلیل آفتاب

۳ - دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام ۱۹۱

فهرست‌ها..... ۱۹۵

فهرست آیات ۱۹۷

فهرست روایات ۱۹۹

منابع و مأخذ..... ۲۰۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

... به راستی انتظار سخت است، آن هم در سخت‌ترین دوران؛ دوران تاریک غیبت، دورانی که دزدان راه، از کمی یاران باوفا و صدها نابسامانی دیگر سوء استفاده نموده و همه هستی انسان‌ها را به تاراج می‌برند.

آیا نباید در فکر یک راهنما بود؟

آیا نباید برای رهایی از این همه سختی‌ها و ناملایمات اندیشید؟

آیا نباید به جهت نیامدن آن مصلح جهانی دل واپس شد؟

آیا نباید چشم به راه تابش آن آفتاب هستی شد؟

آری، منتظر می‌اندیشد و برای رسیدن به محبوبش در تلاش و تکاپو است، او علت تأخیر ظهور نور را جویا می‌شود، تاریخ را بررسی می‌کند، گذشته را با دقت و تأمل می‌نگرد تا علل طولانی شدن ظهور نور را بدست آورد و آن‌ها را یکی پس از دیگری از میان بردارد.

او در راه کمال انسانی حرکت می‌کند و می‌خواهد به زودی با ظهور این نور الهی، جهان پس از آن که در منجلاب ظلم و ستم، فساد و شهوت افتاده و در تاریکی جهل و نافرمانی فرو رفته به رهبری آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی علیه السلام به جهانی سبز و خرم، پر از عدل و داد و قسط تبدیل گردیده و با علم و دانش و مهر و محبت روشن و آباد گردد.

در این راستا به گفتارهای نورانی معصومین علیهم السلام تأمل دیگری نمودم، سخنی از مولایم امام زمان علیه السلام توجهم را به خود جلب نمود، آنجا که می‌فرماید:

وفي ابنة رسول الله صلى الله عليه وآله لي أسوة حسنة. (۱)

برای من از دختر رسول خدا صلى الله عليه وآله الگو و اسوه نیکویی است.

الگو برداری منجی عالم بشریت و ارمغان مهر و محبت از کوثر ولایت، فاطمه زهرا علیها السلام شایان دقت و توجه بود، گویی رمزی میان این دو بزرگوار است، او که محور آفرینش بنام وی رقم خورده و امّ ابیها لقب گرفته و حبیبه خداست و فرزندش حضرت مهدی علیه السلام در آخر زمان برآورنده آمال و آرزوهای انبیا و اولیای الهی است.

... بیشتر تأمل کردم، توّسل به ساحت قدسی هر دو بزرگوار نمودم، روزنه‌ای روشن در دلم پیدا شد که بتوانم این ارتباط متقابل

مهر و محبت میان مادر و فرزند را بیشتر مطالعه کنم و اُفق‌های تازه‌ای پیدا نمایم.

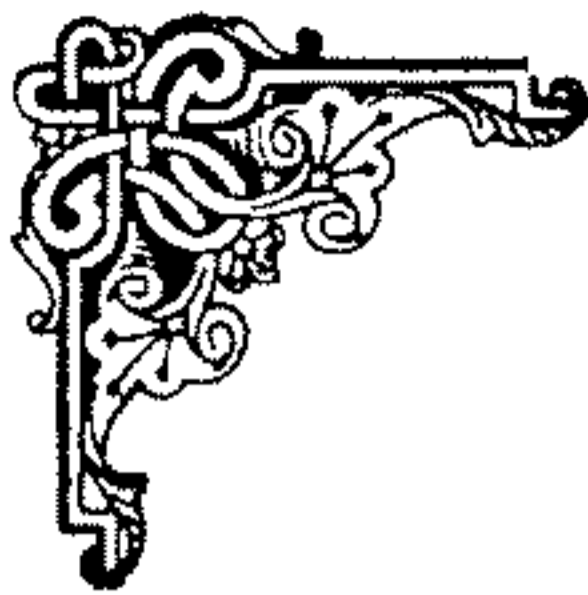
رهنمونم شدند، راهم دادند و در کنار کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام مورد لطف و عنایت قرار گرفته و مجموعه‌ای به زیور قلم آراسته گردید تا راه گشای منتظران دولت الزهرا یوسف زهرا حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرد.

اینک هدیه‌ای را که با عنایت شما فراهم گردیده به عنوان پیشکش ظهور مبارکتان به پیشگاه با عظمت شما تقدیم می‌دارم و امیدوارم با پذیرای شما بتوانم غبار غمی را از اندوه هزار ساله شما برداشته و به زودی با ظهور شکوهمند شما شاهد التیام دردهای مادرتان حضرت زهرا علیها السلام باشیم. إن شاء الله.

قم، حرم کریمه اهل بیت علیهم السلام

ایام فاطمیّه علیها السلام ۱۴۲۳

محمد حسین رحیمیان



بخش ۱

پورتوی از کونکو و لایت

سز هستی
روزنه‌ای به آفتاب
برترین الگو



سرّ هستی

... چگونه می‌توان راهی به سوی او یافت؟! او در اوج کمال خویش، نشانه‌ای از قدرت بی‌نهایت آفریدگار جهانیان است. او فاطمه علیها السلام است...

آنگاه که فرشته‌ی امین از پرتو وجود انوار خمسه طیبه جویا می‌شود، خدای متعال او را محور آفرینش قرار داده و می‌فرماید:

... هُمْ فَاطِمَةٌ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا... (۱)

... آنان فاطمه و پدر بزرگوار او، همسر او و فرزندان او هستند...

آری، فاطمه زهرا علیها السلام محور آفرینش است، شخصیتی که بشر عادی از شناخت او ناتوان است. پدر بزرگوارش اشرف انبیا، پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در وصف دخت والامقام خویش چنین می‌فرماید:

إِبْنَتِي فَاطِمَةَ حَوْرَاءَ أَدَمِيَّةٍ. (۲)

دخترم فاطمه، حوریّه‌ای به صورت آدمیان است.

۱ - عوالم العلوم: ج ۱۱ ص ۹۳۳.

۲ - فاطمة الزهراء علیها السلام من المهد إلى اللحد: ص ۵.

شخصیتی که همتا و همسرش امیر عالم هستی امیر مؤمنان
علی علیه السلام بر او می نازد و در ضمن افتخارات خود می فرماید:

ولي الفخر بفاطم وأبيها ثم فخري برسول الله إذ زوّجنيها
من به فاطمه عليها السلام و پدرش مباحات می نمایم آنگاه به رسول
خدا صلى الله عليه وآله می بالم که فاطمه عليها السلام را به همسری من درآورد. (۱)

و در برابر معارضان، به افتخار همسری آن بانوی بزرگ
احتجاج کرده و می فرماید:

نشدتكم بالله هل فيكم أحد زوجته سيّدة نساء أهل الجنّة؛
غيري؟! (۲)

شما را به خدا سوگند می دهم! آیا در میان شما کسی غیر از من
هست که همسرش سرور بانوان بهشتی است؟

و در مورد دیگری می فرماید:

نشدتكم بالله هل فيكم أحد له زوجة مثل زوجتي فاطمة بنت
رسول الله صلى الله عليه وآله وبضعة منه وسيّدة نساء أهل الجنّة؛ غيري؟! (۳)
شما را به خدا سوگند می دهم! آیا در میان شما کسی جز من هست
که برای او همسری مانند همسر من، فاطمه عليها السلام دخت پیامبر
خدا صلى الله عليه وآله، پاره تن او و سرور بانوان بهشتی باشد؟!

۱ - فاطمة الزهراء عليها السلام بهجة قلب المصطفى صلى الله عليه وآله : ص ۱۱۹ .

۲ - بحار الأنوار: ج ۳۱ ص ۳۳۲ .

۳ - بحار الأنوار: ج ۳۱ ص ۳۱۷ .

شخصیت والا مقامی که وقتی پرتوی از جمال بی مثال خویش را به تصویر می کشد خطاب به همسر و همتای خویش امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

... اعلم! یا ابا الحسن! ان الله تعالى خلق نوري وكان يسبح الله
جلّ جلاله ...

... ای ابوالحسن! بدان که خداوند نور مرا آفرید و آن تسبیح گوی
خداوند بزرگ بود...

... وأنا من ذلك النور، أعلم ما كان وما يكون وما لم يكن...^(۱)
... من از آن نورم، آنچه را که بوده و آنچه هست و آنچه هنوز
نیامده می دانم...

بانوی بزرگی که جوهره آفرینش است و بشر از شناخت او
ناتوان که فرزندش امام صادق علیه السلام در شناخت آن بزرگ بانو
می فرماید:

وهي الصديقة الكبرى، وعلى معرفتها دارت القرون الأولى.^(۲)
او صدیقه کبری است و قرون نخستین بر محور شناخت او چرخیده
است.

۱ - بحار الأنوار: ج ۴۳ ص ۸ ح ۱۱.

۲ - بحار الأنوار: ج ۴۳ ص ۱۰۵ ح ۱۹، به نقل از امالی شیخ طوسی: ص ۶۶۸
ح ۱۳۹۹.

او شب قدری است که شناخت او مستلزم درک « لیلۃ القدر » است که :

خلقت هستی طفیل هست او

چرخ می چرخد به میل دست او

« لیلۃ القدر » است و مخفی قدر او

شرح‌ها دارد علوم صدر او

او نه تنها حجّت خدا بر انسان‌هاست؛ بلکه حجّت خدا بر پیشوایان و امامان معصوم علیهم‌السلام است. آنجا که امام حسن عسکری علیه‌السلام می فرماید:

نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَ فَاطِمَةُ علیها‌السلام حُجَّةٌ عَلَيْنَا. ^(۱)

ما حجّت خداوند بر آفریدگان و فاطمه علیها‌السلام حجّت خدا برماست.

وچه زیبا سروده:

آل یاسین بر خلائق حجّتند اما تویی

حجّت ذات خدا بر آل یاسین فاطمه

وسرانجام فرزندش حضرت مهدی علیه‌السلام که همینک نوری درخشان از زهره انوار حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام است، مادر والامقامش را الگو و اسوه خود انتخاب کرده و بر این امر فخر نموده و می فرماید:

۱ - عوالم العلوم: ج ۱۱ ص ۵، به نقل از تفسیر اُطیب البیان: ج ۱۳ ص ۲۳۵.

وفي ابنة رسول الله ﷺ لي أسوة حسنة. (۱)

برای من از دختر رسول خدا ﷺ، الگو و اسوه نیکویی است.

آری، او الگو است، الگوی همه انسان‌هایی که در مسیر قلّه کمال و اعتلای انسانی هستند، و بدون تردید با تأسی به شخصیت والای او هیچ‌گونه نیازی به اسوه و الگوی دیگری پیدا نخواهند کرد. روشن شد که شناخت او، جز از راهی که خودشان معرفی نمایند امکان‌پذیر نیست، آن هم در دنیای تاریک و ظلمانی که آفتاب امامت در پشت پرده غیبت بسر می‌برد. به راستی که بایستی خودشان عنایت فرموده و روزنه‌ای برای شناخت بکشایند.

روزنه‌ای به آفتاب

فاطمه زهرا عليها السلام حوریه‌ای بود که اندک زمانی با قدمش دنیای خاکی ما را روشن نمود و جهانی از اسرار از خود به ودیعت گذاشت.

برتر از افلاکیانی فاطمه

از چه بین خاکیانی فاطمه

آسمانی‌ها تو را شناختند

چون زمین را زادگاهت ساختند

از چه رو ای برتر از افلاکیان

سایه افکندی به فرق خاکیان؟

خانهٔ گِل جایگاه حور نیست

تیرگی را نسبتی با نور نیست

صفحات زندگی پر بار حبیبۀ خدا، فاطمة زهرا علیها السلام از حیطة علم و دانش بشریت بیرون است.

روزنهٔ روشنی که پدر بزرگوار او، یعنی آخرین سفیر الهی، پیامبر رحمت، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در آن دنیای تاریک جهل و نادانی گشود و آفتاب بی مثالی که بر جهانیان عرضه نمود تا حدودی اُفق تازه‌ای از انوار ملکوتی آن بانوی بزرگوار و پدر و همسر و فرزندانش بر بشریت عرضه شد.

ولی اسفا! که خفاشان و انسان‌های کور و نادان در مقابل پرتو تابش آن نور قرار گرفته و چنان ابر سیاهی در برابر آفتاب کشیدند که تا زمان ظهور آخرین نور امامت، فرزند حضرت زهرا علیها السلام جهان را در تاریکی فرو برده و دوران سخت و تاریک غیبت را بوجود آوردند.

اکنون که در دوران غیبت بسر می‌بریم، می‌خواهیم با آن شخصیت عظیم الهی آشنا شویم.

می‌خواهیم او را بشناسیم و به پرتوی از جمال الهی او پی ببریم و روزنه‌ای به سوی شناخت او باز کنیم.

شخصیتی که هر اندازه فهم بشر در شناخت حقایق جهان هستی و رازهای ناگشوده آن بیشتر گردد، بزرگواری‌ها، امتیازات و خصایص او بیشتر نمایان می‌گردد.

اندیشمندان، پژوهشگران و مهرورزان خاندان رسالت در طول قرون متمادی با تحقیق و کاوش، تنها گوشه‌هایی از زندگی آن بانوی بزرگ آفرینش، فاطمه زهرا علیها السلام را به تصویر کشیده و تا حدودی بشریت را با فضایل و مناقب آن حضرت آشنا نموده‌اند. راستی مگر می‌شود شخصیتی را که آسمان‌ها، زمین، عرش، کرسی، فرشته، جن و انس هستی خودشان را از او به عاریت گرفته‌اند به تصویر کشید؟

هرگز.

مگر آن که از خودش مدد خواست و به ذیل وجودش توسل جست و مهرش را در دل پرورید، تا مهر بی‌پایان او که چشمه‌ای از مهر بیکران خدای مهربان است بجوش آمده و اجازه سخن و قلم فرسایی در این وادی مهر و محبت دهد.

آری، او مادر خلقت و سرچشمه مهر و محبت است، کیست که به رحمت او متوسل شود و نا امید برگردد؟

آنچه در این وادی عاشقانه مهم است سخن از دل و مهر که راه باز است و هموار...

به راستی در برابر این همه عظمت، نعمت و ولایت چه کار کرده‌ایم؟

آیا برای شناسایی این نعمت بزرگ چه قدر گام برداشته‌ایم؟ آیا توانسته‌ایم حقی از حقوق او را ادا کنیم؟

این پرسش را از خود نمودم، با شرمندگی در برابر عظمتش سر به زیر انداخته و نفسم به شماره افتاد، برای رفع این کوتاهی، به ذیل عنایتش توسل جستیم، از لطف بی‌کران و مهر بی‌پایانش بارقه‌ی آمیدی در دلم جهید، جهشی در افق دیدم پیدا شد که یکبار دیگر بتوانم الگویی از آن مادر مهربان بگیرم، الگویی که سعادت و کمال همه‌ی انسان‌ها را در برگرفته و باعث اوج آنها به سوی کمال می‌گردد. اندیشیدم، صفحاتی از زندگی حضرتش را ورق زدم، به پرتو انوار سخنانش خیره شدم، در تاریخ سیر کردم، خودم را در زمان حضرتش احساس کردم، صدای مظلومیّتش را شنیدم، برای مظلومیّتش گریستم.

به سخنانش، رفتارش و آرمانش گوش جان سپردم، در آنها تأمل کرده و اندیشیدم، انبوهی از پرسش‌ها ذهنم را مشغول کرد.

مقام و منزلت او در پیشگاه خداوند متعال چقدر است؟

چرا پیامبر خدا ﷺ این همه بر او ارج می‌نهاد؟

چرا علی مرتضیٰ علیه السلام به او مباحثات می‌نمود؟

چرا همه‌ی پیامبران و اوصیای آنان، زانوی ادب در برابر او زده‌اند؟

چرا قرون گذشته بر محور شناخت او دور زده و همه‌ی پیامبران،

امامان و صالحان، خدا را به حق او قسم داده‌اند؟

آن سرّ پنهان ولایت و راز نهفته‌ای که در نزد اوست، چیست؟
چرا چنین شخصیتی مورد ستم قرار گرفت؟
چرا خانه‌اش مورد هجوم ستمگران واقع شد؟
چرا خانه‌اش را آتش زدند؟
چرا محسنش را شهید کردند؟
چرا حقش را غصب نمودند؟
چرا سفارشات پیامبر خدا ﷺ در مورد او انجام نشد؟
چرا حقّ خدا و رسول او در مورد او مراعات نگشت؟
چرا انتقام او این همه به تأخیر افتاد؟
چرا فرزندش، امام زمان علیه السلام او را اسوه و الگوی خود قرار داد؟
و هزاران چرای دیگر ...

برترین الگو

آری، او نمونه شخصیت آفرینش است، زندگی او، از محور وحی الهی رقم می‌خورد، رفتار او، کمال انسانی را در پی دارد، با دلی پر درد، با چشمانی اشکبار به مولای مهربانم عرض حال کردم، از او راه خواسته و او رهنمونم شد.
یکبار دیگر به صفحاتی از زندگی آن محور آفرینش نگریستم، پاسخ سؤالاتم را پیدا کردم، مهم‌ترین، حیاتی‌ترین و حساس‌ترین رفتارش را نشانم دادند، رفتاری که آن حضرت با اقدام آن،

دشمنان رسالت و امامت را مأیوس کرد و تا بلندی تاریخ، سدّ آهنین آن‌ها را شکست و مسیر رسالت و امامت را باز کرد.

او در فقدان رسول خدا ﷺ یک تنه در برابر انبوه دشمنان رسالت ایستاد و از امام زمانش دفاع کرد و با فدای جان خویش امام زمانش را به جهانیان معرفی نمود.

هیچ دانی دختر خیر البشر

از چه جای حیدر آمد پشت در

دید مولایش علی علیه السلام تنها شده

خانه‌اش محصور دشمن‌ها شده

گفت: باید پیش امواج خطر

یار، بهر یار خود گرده سپر

فاطمه علیها السلام تنها طرفدار علی است

در هجوم دشمنان یار علی علیه السلام است

او با این کار - که با الهام الهی انجام داد - بهترین الگو و سرمشق سعادت را برای بشریت به ارمغان آورد و راه کمال را به آنان نشان داد. و در یک گفتار، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در آن موقعیت حسّاس، مردم را متوجّه امام زمانشان کرد و این درس بزرگ را به همه قرون و آیندگان داد که ادامه رسالت، تنها با امامت است و اعلان نمود که روزی این ستم‌ها و این بی‌عدالتی‌ها به پایان خواهد رسید.

او به جهانیان درس امام‌شناسی داد و مسئولیت این امر خطیر و حسّاس را بر آنان گوشزد نمود.

او آنگاه که دشمنان خدا می‌خواستند رسالت و پیامبری پدر بزرگوارش را از حرکت باز دارند و آثار رسالت را از میان برداشته و دوباره، دوران جهل و نادانی جاهلیت را باز گردانند؛ خون خود و فرزند ششماهه خویش را بر پیکر نیمه جان رسالت تزریق کرد و امامت امام زمانش، همسر و همتای بزرگوارش امیر مؤمنان علی علیه السلام را به حرکت وا داشت و دشمنان خدا را مأیوس کرد...

آن بزرگ بانوی آفرینش، با این حرکت سازنده الهی خویش، انسان‌ها را در هر برهه و زمان، به امر خطیر امامت متوجه ساخت و در دوران غیبت گل‌واژه انتظار ظهور نور الهی را تفسیر کرد. او آوارگان در صحرای تیه غیبت را به سوی کعبه دل‌ها، امام زمان علیه السلام رهنمون شد.

فاطمه علیها السلام ما را هدایت می‌کند

رهبری سوی ولایت می‌کند

فاطمه علیها السلام دید از عدو آزارها

کشته شد در راه حیدر بارها

آنگاه که جبّاران و ستمگران، پرچم ظلم و ستم برافراشته و در مقابل وصی و جانشین پیامبر رحمت، امیر مؤمنان علی علیه السلام ایستاده و دستان او را - که دست رأفت و رحمت بر سر بندگان

الهی است - بستند و باب مدینه علم نبوی را خانه نشین کردند و بدین وسیله، بشریت را از فیض بزرگ - که سعادت و کمال انسانی در گرو همین امر است - محروم نموده، و دوران تاریک غیبت را بوجود آوردند؛ زهرای اطهر علیها السلام درس انتظار به بشریت آموخت و منتظران را متوجه وظایف مهم خویش در مقابل امام زمانشان ساخت.

اکنون این حساس‌ترین و حیاتی‌ترین موضوع را که دخت گرامی پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام با جانفشانی خود و فرزند ششماه‌اش حضرت محسن علیه السلام آن را احیا کرد از دید افق والای آن بانوی بانوان در مورد حضرت مهدی علیه السلام به تصویر می‌کشیم، تا با الهام از اعمال و رفتارهای نشأت گرفته از وحی آن بانو، در این امر خطیر تأملی دیگر داشته و گامی به سوی کمال برداشته و خود و جهانیان را متوجه مولا و امام زمانمان بنماییم.

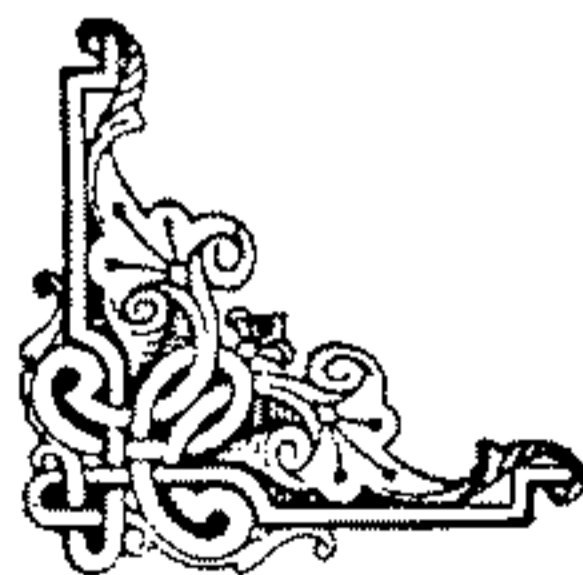
بدیهی است که ما در این مجموعه مواردی را ترسیم می‌نماییم که به طور صریح نام مبارک، یا یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام بکار رفته، و گرنه مواردی که با کنایه و اشاره و در ضمن گفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام مطرح شده بیش از آن است که در این مجموعه بگنجد.



بخش ۲

کوثر و ولایت و ارمغان رحمت

کوثر ولایت و توجه به نور
کوثر ولایت و آفرینش نور
ارمغان رحمت و عرشیان
ارمغان رحمت و پاکیزگان
ارمغان رحمت و بهشتیان
ارمغان رحمت و ضیافت آسمانی
زهرة زهرا علیها السلام و گل نرجس علیها السلام



کوثر ولایت و توجّه به نور

... غفلت و تغافل از دیرباز باعث محرومیت انسان از فیض الهی شده، انسانی که برای کمال آفریده شده آنگاه که دستخوش غفلت یا تغافل قرار می‌گیرد از شاه‌راه اصلی هدایت باز می‌ماند و سالیان سال، بلکه عمر خود را در بی‌راهه‌ها گام برمی‌دارد و از وصول به نهایت مقصود در می‌ماند.

آفریدگار انسان، پس از آفرینش او، دو حجّت و دلیل برای او قرار داد:

- ۱ - دلیل و حجّت باطنی که همان قدرت عقل و خرد اوست.
 - ۲ - دلیل و حجّت ظاهری که همان پیامبران و پیشوایان الهی‌اند که همچون نورافشانی درخشان، راهنمای انسان هستند.
- ولی انسان‌ها در اثر غفلت یا تغافل از فرمان این دو برهان سرپیچی نموده و در بی‌راهه‌ها سرگردان گشته‌اند و در اثر این کوتاهی از فیض عظمای الهی محروم مانده‌اند.

پیشوای دوازدهم، امام زمان علیه السلام در این زمینه می فرماید:

لَا لِأَمْرِهِ تَعْقُلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِاللِّغَةِ، فَمَا تَنْفَعُ
النُّذْرَ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ. (۱)

نه در مورد امر خداوند می اندیشید و نه از اولیای الهی می پذیرید.
این حکمتی است رسا. بنابراین، هشدارها به ترسانیدن مردمی که
پذیرای ایمان نیستند، سودی ندارد.

دو نکته مهمی را حجت عصر، امام زمان علیه السلام؛ وجود نازنینی که
همواره شاهد گمراهی و گرفتاری بشریت است، یادآور می شوند:

۱ - اندیشه در امر الهی.

۲ - پذیرش از اولیای او.

به راستی که پیشرفت انسان در این جهان، در گرو این دو امر
مهم و حیاتی است. از اهمیت این دو امر همین بس که هرگاه انسان
بتواند در امر الهی بیندیشد و خرد خویش را در آن بکاربرد آنگاه
با خرد و عقل از اولیای او بپذیرد همانا در راه راست هدایت قرار
گرفته و به سوی کمال حرکت خواهد کرد.

بنابراین، تفکر و اندیشه، انسان را وامی دارد تا در جهان هستی
در پی شناخت آفریدگار خویش باشد، آنگاه که او را شناخت گامی
برای شناخت پیامبر او بر می دارد و پس از شناخت او، به شناخت

۱ - بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۱ ح ۱.

امام زمان خویش می‌پردازد تا در مسیر کمال خویش از او پیروی نماید، و بدین وسیله این انسان آگاه است که در جستجوی طبیب دل‌ها، کعبهٔ آمال، امام زمان خویش است.

برای فهم این موضوع مهم پای درس محور آفرینش، اُمّ ابیها حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌نشینیم تا به سخنان حکیمانهٔ این بانوی بزرگ گوش جان سپرده و در دوران هجران امام زمانمان بکار ببندیم.

محمود بن لبید می‌گوید: آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت فرمود، حضرت فاطمه علیها السلام بر سر مزار شهیدان و از جمله حضرت حمزه می‌رفت و در آنجا می‌گریست.

روزی بر سر مزار حضرت حمزه رفته بودم، بانوی غمدیده حضرت زهرا علیها السلام را دیدم که آنجا نشسته و (برای فقدان پدر بزرگوار و مظلومیت همسرش و مصایبی که از اُمّت رسیده) گریه می‌کرد.

چیزی نگفتم تا این که آرام شد. جلو رفته سلام نمودم و عرضه داشتم: ای بانوی زنان جهان! به خدا سوگند! رگ‌های قلبم از گریهٔ شما پاره شد.

فرمود: ای ابو عمر! گریه، شایسته و سزاوار من است. من به مصیبت فقدان بهترین پدران - که رسول خدا صلی الله علیه و آله است - گرفتار شده‌ام. ای وای! که چقدر مشتاق دیدار رسول خدایم.

آنگاه این شعر را سرود:

إِذَا مَاتَ مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ وَذِكْرُ أَبِي مُدْمَاتٍ وَاللَّهِ أَكْثَرُ

هنگامی که کسی می‌میرد، از او کمتر یاد می‌شود؛ ولی به خدا سوگند! که یاد پدر من، از هنگام مرگش بیشتر شده است.

عرض کردم: بانوی من! پرسشی دارم که در سینه پنهان کرده مرا می‌آزارد.

فرمود: بپرس!

عرض کردم: آیا رسول خدا ﷺ پیش از وفاتش درباره امامت حضرت علی عليه السلام به طور صریح چیزی فرمودند؟
فرمود: خیلی شگفت‌انگیز است، آیا روز غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟!
عرض کردم: چرا، آن را در نظر دارم؛ ولی از آنچه که به طور پنهانی و سرّی به شما فرموده‌اند، به من خبر دهید!

فرمود: خدا را شاهد می‌گیرم که از پدرم رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

عَلِيٌّ خَيْرٌ مِنْ أُخْلَقُهُ فَيْكُمْ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَسِبْطَايَ
وَتَسَعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّةٌ أَبْرَارٌ، لئن أتبعتموهم
وجدتموهم هادين مهديين ولئن خالفتموهم ليكون الاختلاف
فيكم إلى يوم القيامة.

علی بهترین کسی است که در بین شما به جانشینی می‌گذارم. او پس از من، امام و خلیفه است، و دو نوه من و نه نفر از صلب حسین، امامان نیکوکارند. اگر از آنان پیروی نمایید آنان را راهنمایان هدایتگر، خواهید دید. و اگر با آنان مخالفت کنید تا روز قیامت در بین شما اختلاف خواهد بود.

عرض کردم: ای بانوی من! پس چرا علی علیه السلام نسبت به حق خود ساکت مانده، از آن دست برداشته است؟
فرمود: ای ابا عمر! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ، إِذْ يُؤْتَى وَلَا تَأْتِي.

امام چون کعبه است که به سوی او می‌روند و او [به سوی مردم] نمی‌رود.

[و یا حضرت علیه السلام فرمود: علی چون کعبه است ...]

آنگاه حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

به خدا سوگند! اگر می‌گذاشتند که حق بر محور خود بچرخد، و آن را برای اهلش باقی می‌گذاشتند، و از خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیروی می‌کردند، هیچ‌گاه دو نفر درباره خدا با یکدیگر مخالفت نمی‌نمودند، و آیندگان از گذشتگان آن را به ارث می‌بردند، و گذشتگان برای آیندگان خود می‌گذاشتند، تا این که قائم ما - عجل الله تعالی فرجه - که نهمین فرزند حسین است، به پا خیزد.

اما اینان، آن کسی را که خداوند کنار دانسته، مقدم داشته؛ و آن کسی را که خداوند پیشوا قرار داده، کنار زدند، و همین که پیامبر خدا ﷺ را در قبر گذارده و جسم شریفش را به خاک سپردند، هوی و هوس را برگزیده، و به آرا و افکار خود عمل کردند.

نفرین بر آنان! آیا این سخن را از خداوند نشنیدند که فرمود:

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ (۱).

«و پروردگار تو آنچه را که می‌خواهد، می‌آفریند و برمی‌گزیند، و گزینش و اختیاری برای آنان نیست.»

آری، شنیدند، ولی آنان مصداق این آیه شریفه بودند که خداوند فرمود:

﴿فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾؛ (۲)

« [آیا در زمین سیر نکردند و نگشتند، بلکه دل‌هایشان در مقابل عقل، سر تعظیم فرود آورد، و یا گوش‌هایشان شنوایی پیدا کند] که اینان را چشم سر، گرچه کور نیست، اما چشم باطن و دیده دل‌هایی که درون سینه‌ها می‌باشد، نابیناست.»

هیئات که آن‌ها از حقیقت خیلی دور هستند! آن‌ها آرزوهای دنیوی خود را گسترش داده، مرگ و قیامت خود را فراموش

۱ - سوره قصص: آیه ۶۸.

۲ - سوره حج: آیه ۴۶.

کرده‌اند، مرگ و نابودی بر آن‌ها و کارهای گمراهشان باد!
خداوندا! از فرومایگی پس از سرافرازی، و نقصان پس از کمال به
تو پناه می‌برم. (۱)

چه سخنان زیبایی، چه استدلال محکم و متینی؟! چرا چنین
نباشد، او حبیبۀ خدا و پرورش یافته دامن رسول خدا ﷺ است.
در آن شرایط حسّاسی که منافقان سقیفه‌ساز، با ستم و طغیان
خلافت همسرش را ربوده بودند، هنوز آن در نیم سوخته گواه
ستم‌های آنان بود، هنوز آثار جنایات آنان در جسم شقایق گونه او
هویدا بود و با آن همه درد و رنج، واپسین لحظات زندگی خویش
را بسر می‌برد، چگونه آن بانوی بزرگوار از امام زمانش دفاع
می‌نماید و با سخنان پدر بزرگوارش فضایل و مقام جانشینی رسول
خدا ﷺ را بیان کرده و با آیات الهی پرده از جنایات منافقان برمی‌دارد؟!
فاطمه زهرا علیها السلام در آن شرایط حسّاس به نقش مهمّ امام زمان علیه السلام
و قیام آن حضرت اشاره می‌فرماید.

اگر با تأمل به این سخنان گوش فرا دهیم خواهیم فهمید که
بهترین و مهمترین جهتی که آن بانوی بزرگوار در این گفت و گو
برای جامعه بشریت یادآور می‌شود این که: امام زمان بسان کعبه
است، که بشریت برای نیل به کمالات انسانی و درک فضایل روحانی

۱ - بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۳۵۳ ح ۲۲، فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل
پیامبر صلی الله علیه و آله ص ۴۰۴ - ۴۰۶، با اندکی تصرّف.

بایستی متوجه او شده و به سوی او رو آورند، و پروانه وار به دور وجودش طواف نمایند تا در پرتو وجود نورانی آن حضرت به درجات والای کمال انسانی دست یابند.

اکنون که خداوند متعال در این دوران هجران برای ما توفیق داده و در مکتب حضرت زهرا علیها السلام قرار گرفته‌ایم، با الهام و سرمشق از زندگی و سخنان سراسر حکمت آن بانوی بزرگوار، کاوشی در فضایل و مناقب حضرت مهدی علیه السلام می‌نماییم.

پر واضح است، نظر به اهمیتی که این موضوع دارد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام و پیشوایان معصومین علیهم السلام در حسّاس‌ترین موارد، آن حضرت را یاد نموده‌اند و مردم را به سوی آن حضرت متوجه ساخته و درسی بزرگ به انسان‌ها آموخته‌اند.

کوثر ولایت و آفرینش نور

... هنوز جهان هستی لباس آفرینش نپوشیده بود، هنوز خبری از زمین و زمان نبود، نه فلکی، نه افلاکی نه ستاره‌ای و نه آسمانی ...

... ولی انوار حجّت‌های الهی با دست قدرت حضرت حق، لباس آفرینش پوشید و برای آفرینش موجودات دیگر معنا بخشید ...

برای آگاهی از این منظره شگفت‌انگیز آفرینش چهارده نور پاک

به همراه حضرت سلمان رضی الله عنه به حضور با صفای پیامبر گرامی اسلام مشرف می شویم تا به رازی از رازهای الهی پی ببریم.
سلمان فارسی می گوید:

حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم همین که چشمش به من افتاد، فرمود: خداوند هیچ پیامبر و یا رسولی را نفرستاد مگر این که برای او دوازده نقیب و مهتر قرار داد.

عرض کردم: من این مطلب را در تورات و انجیل نیز دیده‌ام.
فرمود: سلمان! آیا نقیبان دوازده گانه مرا که برای امامت و رهبری پس از من برگزیده شده‌اند، می شناسی؟
عرض کردم: خدا و پیامبرش بهتر می دانند.
فرمود:

یا سلمان! خلقنی الله من صفاء نوره، فدعانی فأطعته، وخلق من نوری علیاً، فدعاه إلى طاعته فأطاعه، وخلق من نوری نور علی رضی الله عنه فاطمة، فدعاهما فأطاعته، وخلق منی ومن علی ومن فاطمة الحسن والحسين، فدعاهما فأطاعاه.
فسمانا الله عزوجل بخمسة أسماء من أسمائه، فالله المحمود وأنا محمد، والله العلي وهذا علي، والله الفاطر وهذه فاطمة، والله [ذو] الإحسان وهذا الحسن، والله المحسن وهذا الحسين.

ثم خلق من نور الحسين تسعة أئمة، فدعاهم فأطاعوه قبل أن

يَخْلُقُ اللهُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، أَوْ أَرْضاً مَدْحِيَّةً، أَوْ هَوَاءً، أَوْ مَاءً، أَوْ
مَلَكاً، أَوْ بَشَرًا، وَكُنَّا بَعْلَمَهُ أَنْوَارًا نَسْبِّحُهُ وَنَسْمَعُ لَهُ وَنَطِيعُ.

یا سلمان! خداوند مرا از صفای نور خود آفرید، آنگاه دعوتم کرد و
من اطاعت نمودم. از نور من علی عليه السلام را آفرید، او را دعوت به
اطاعت خود نمود و پذیرفت.

از نور من و علی، فاطمه را آفرید، او را نیز دعوت کرد و اطاعت
نمود.

از نور من، علی و فاطمه، حسن و حسین را آفرید و آن دو را
خواند، هر دو اجابت کردند.

آنگاه ما را به پنج اسم از اسم‌های خود نامید:

خداوند محمود است و من محمد؛

خداوند علی است و این هم علی؛

خداوند فاطر است و این فاطمه؛

خداوند صاحب احسان است و این حسن؛

خداوند محسن است و این حسین.

آنگاه از نور حسین نه نفر امام آفرید، آن‌ها را دعوت کرد و همه

پذیرفتند، اینان پیش از آن که آسمان افراشته و زمین گسترده یا

هوا و یا آب و فرشته یا بشری را بیافریند بودند. ما در علم خدا

انواری بودیم که او را تسبیح می‌کردیم و شنوا بودیم و اطاعت

می‌نمودیم.

عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت، کسانی که
آنها را بشناسند، چه امتیازی دارند؟
فرمود:

یا سلمان! من عرفهم حقّ معرفتهم، واقتدی بهم، فوالی
ولیّهم، وتبرّأ من عدوّهم فهو والله! منّا، یرد حیث یرد، ویسکن
حیث نسکن.

ای سلمان! هر کس آنها را به حقیقت معرفت بشناسد، از آنان
پیروی نماید و دوست دار دوست آنان و دشمن دشمنشان باشد به
خدا سوگند! او از ماست و به هر جا که وارد شویم وارد خواهد شد
و هر جا منزل بگیریم او نیز منزل خواهد گرفت.

عرض کردم: آیا ممکن است به آنان ایمان داشته باشیم بدون
این که آنان و نام و نژادشان را بشناسیم؟
فرمود: نه.

عرض کردم: ای رسول خدا! پس من آنها را چگونه بشناسم؟
فرمود:

قد عرفت إلیّ الحسین.

ثمّ سیّد العابدین علیّ بن الحسین؛

ثمّ ابنه محمّد بن علیّ، باقر علم الأوّلین والآخرین من النبیّین

والمرسلین؛

ثمّ ابنه جعفر بن محمّد، لسان الله الصادق؛

ثمّ موسى بن جعفر، الكاظم غيظه صبراً في الله؛

ثمّ عليّ بن موسى، الرضا لأمر الله؛

ثمّ محمّد بن عليّ الجواد، المختار من خلق الله؛

ثمّ عليّ بن محمّد، الهادي إلى الله؛

ثمّ الحسن بن عليّ، الصامت الأمين العسكري؛

ثمّ ابنه الحجّة بن الحسن، المهدي الناطق، القائم بأمر الله.

تا حسين عليه السلام را شناخته‌ای.

پس از او، زین العابدین علی بن الحسین.

پس از او، پسرش محمّد بن علی باقر و شکافنده علم پیشینیان و

دیگران از پیامبران و مرسلین.

پس از او، جعفر بن محمّد، زبان راستین خدا.

پس از او، موسی بن جعفر، که فرو برنده خشم خود در راه خدا

است.

پس از او، علی بن موسی الرضا، که راضی به امر خدا است.

پس از او، محمّد بن علی جواد، که برگزیده از خلق خدا است.

پس از او، علی بن محمّد، راهنما و هادی به سوی خدا است.

پس از او، حسن بن علی، که ساکت (در راه خدا) امین عسکری

است.

پس از او فرزندش حجّة بن الحسن المهدي، (زبان) گویای (الهی)

و قیام‌کننده به امر خدا است.

سلمان گوید: من دیگر چیزی نگفتم.

آنگاه عرض کردم: ای رسول خدا! دعا بفرمایید من آنها را درک کنم.
فرمود:

یا سلمان! إِنَّكَ مَدْرِكُهُمْ وَأَمْثَالُكَ وَمَنْ تَوَلَّاهُمْ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ.
ای سلمان! تو آنها را درک خواهی کرد و کسانی که همانند تو باشند و هرکس آنها را به حقیقت معرفت دوست بدارد (درک خواهند کرد).

سلمان گوید: من خدا را بر این نعمت بسیار سپاسگزاری کردم.
آنگاه عرض کردم: آیا عمر من آنقدر خواهد شد که آنان را درک کنم؟

فرمود: یا سلمان! این آیه را بخوان:

﴿ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا * ﴿١﴾

« پس آنگاه که وعده تحقق نخستین آن دو فرا رسد، بندگان از خود را که سخت توانا و نیرومند هستند به سوی شما برمی‌انگیزیم

تا در میان شما به جستجو درآیند، و این وعده خداوند تحقق پذیر است. آنگاه دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری نموده و نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم.»

سلمان گوید:

فاشئتد بکائی وشوقی، فقلت: یا رسول الله! بعهد منک؟
از شوق سخت گریستم و گفتم: ای رسول خدا! آیا تضمینی
می‌فرمایید که من آنها را درک کنم؟

فرمود:

إي والذي أرسل محمدًا! أنه بعهد مني وعليّ وفاطمة والحسن
والحسين وتسعة أئمة عليهم السلام وكلّ من هو منّا ومظلوم فينا.
إي والله، يا سلمان! ثمّ ليحضرنّ إبليس وجنوده وكلّ من
محض الإيمان محضاً ومحض الكفر محضاً حتّى يؤخذ
بالقصاص والأوثار والتراث، ولا يظلم ربك أحداً، ونحن تأويل
هذه الآية: ﴿ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِنُّ لَهُمْ
فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا
يَحْذَرُونَ ﴾ (۱).

آری، سوگند به آن خدایی که محمد را به رسالت برانگیخت! این تعهد را من، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه نفر از امامان از فرزند حسین تضمین می‌کنیم و هر کس از ما محسوب شود و درباره ما، به او ستم روا گردد (باز خواهد گشت).

آری، به خدا سوگند! ای سلمان! شیطان و سپاهش خواهند آمد و هر کس ایمان خالص داشته و هر کس دارای کفر صرف بوده باز خواهد گشت، تا این انتقام گرفته شده و کیفر جنایات داده شود. و میراث‌ها برمی‌گردد، و هرگز پروردگار تو به احدی ستم روا نمی‌دارد، و تاویل این آیه ما هستیم که:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي
الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا
يَحْذَرُونَ﴾ (۱)

«و ما خواستیم بر آن کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منت نهاده و آنان را پیشوایان مردم قرار داده و وارثان زمین کنیم. و در زمین توانایی و قدرتشان داده و به فرعون و هامان و لشکریانشان که از جانب آنان (بنی اسرائیل) بیم داشتند، نشان‌دهیم.»

سلمان رضی الله عنه گوید: وقتی چنین سخنانی را از آن حضرت شنیدم از جای حرکت کرده و از محضرش مرخص شدم، دیگر باکی نداشتم که چه وقت خواهم مرد و یا مرگ، کی به سراغم خواهد آمد. (۱)

به راستی که در جای جای این حدیث نورانی دریایی از معارف اهل بیت علیهم السلام است، درس‌های ژرف امام‌شناسی که بکار بستن آن‌ها موجب هدایت انسان به کمالات والا خواهد شد.

تأمل و اندیشه در مطالب نورانی این حدیث، در دوران تاریک غیبت، روزنه‌ای روشن به سوی آخرین حجّت خدا، حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و انسان را به رسیدن به دوران ظهور شکوهمند آن حضرت به تلاش و تکاپو خواهد انداخت.

آری، ظهور حضرت مهدی علیه السلام که وعده تخلف ناپذیر الهی است، وعده‌ای که همه پیامبران، اُمّت‌های خویش را به آن متوجه نموده و نوید داده‌اند. اینک در آخر زمان، جوامع بشری چشم به راه عدالت گستر جهان، امام زمان علیه السلام دوخته‌اند و برای فرارسیدن آن دوران باشکوه لحظه شماری می‌نمایند.

در سخن دیگری، پیشوای ششم، امام صادق علیه السلام آفرینش آن انوار را چنین توصیف می‌نماید:

۱ - بحار الأنوار: ج ۲۵ ص ۶ و ۷؛ ج ۵۳ ص ۱۴۲ ح ۱۶۲.

مفضل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نَوْراً قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ
بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ، فَهِيَ أَرْوَاحُنَا.

خداوند چهارده هزار سال پیش از آن که مخلوقی بیافریند چهارده
نور آفرید که آنها ارواح ما هستند.

عرض شد: ای فرزند رسول خدا! آن چهارده نور کیانند؟

فرمود:

محمّد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والائمة من ولد
الحسين، آخرهم القائم الذي يقوم بعد غيبته، فيقتل الدجال
ويطهر الأرض من كل جور وظلم.^(۱)

محمّد، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه امام از فرزندان
حسین علیه السلام، آخرین آنان، همان امام قائمی است که پس از
غیبتش قیام می کند و دجال را می کشد و زمین را از هرگونه
بی دادگری و ستمگری پاک می نماید.

آنچه در این روایت نورانی جالب توجه است این که: پس از
معرفی حضرت مهدی علیه السلام به برخی از ویژگی های آن حضرت
اشاره می نماید.

۱- بحار الأنوار: ج ۱۵ ص ۲۳ ح ۴۰؛ وج ۲۵ ص ۱۵ ح ۲۹؛ وج ۵۱
ص ۱۴۴.

قیام امام زمان علیه السلام پس از دوران غیبت، دورانی که همه شیاطین انس و جن دست به دست هم داده و در برابر آخرین حجّت خدا علیه السلام صف آرایی کرده و بشریّت را به چنگال شوم خود گرفتار نموده است. به همین جهت، حجّت خدا علیه السلام برای حفظ جان خویش و مصالح دیگری - که از اسرار الهی است - بایستی مدّتی در خفا و پنهانی زندگی نماید تا آن هنگام که خدای مهربان به او اذن ظهور و قیام دهد.

نکته دیگر، قتل دجال است، همو که مردمان ضعیف را با حيله گری و فریبکاری به بیراهه کشیده و نابود می کند. آنگاه که آن شخصیت الهی با تمام توان خدایی قیام می کند به عمر دجال پایان می دهد.

نکته سوّم، پاکسازی کره زمین از هر گونه بی دادگری و ستمگری است، زمینی که روزی سبز و خرّم بود و هیچ گونه ستمی در آن نشده بود؛ ولی آنگاه که قابیل با کشتن برادر خویش هابیل، نخستین ظلم و جنایت را در آن تخم افشانی کرد و از آن به بعد، انواع، ستم ها، بی عدالتی ها، جنایات، فساد و فحشا زمین را پر کرد تا جایی که حجّت خدا علیه السلام از شرّ ستمگران و اشرار، در پشت پرده غیبت قرار گرفت، اینک اوست که باید این زمین آلوده را از هر پلیدی و ستم پاک نماید.

با دعا برای فرارسیدن آن روز با شکوه، به سخن نورانی دیگری

گوش جان می سپاریم.

پیشوای پنجم، امام باقر علیه السلام ضمن توصیف نقش پیشوایان معصوم علیهم السلام، آفرینش آن انوار الهی را چنین ترسیم می نماید:
جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نَوْرًا مِنْ نَوْرِ عَظْمَتِهِ قَبْلَ خَلْقِ آدَمَ
بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ، فَهِيَ أَرْوَاحُنَا.

به راستی که خداوند متعال چهارده هزار سال پیش از آفرینش آدم علیه السلام، چهارده نور، از نور عظمت خویش آفرید، که آنان ارواح ما هستند.

عرض شد: ای فرزند رسول خدا! آن‌ها را نام ببرید، آن چهارده نور کیانند؟
فرمود:

مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ (وَتَسْعَةٌ مِنْ وَلَدِ
الْحُسَيْنِ) وَتَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ.

محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، (ونه امام از فرزندان امام حسین علیه السلام) که نهمین آن‌ها قائم ایشان است.

آنگاه امام باقر علیه السلام یک یک آن بزرگواران را با اسامی شان نام برده و سخن زیبای خود را چنین ادامه داد:

نحن والله؛ الأوصياء الخلفاء من بعد رسول الله ﷺ، ونحن
 المثاني التي أعطها الله نبينا، ونحن شجرة النبوة ومنبت
 الرحمة ومعدن الحكمة ومصابيح العلم وموضع الرسالة
 ومختلف الملائكة، وموضع سر الله، ووديعة الله جل اسمه في
 عباده، وحرَم الله الأكبر، وعهده المسؤول عنه.

فمن وفى بعهدنا فقد وفى بعهد الله، ومن خفّره فقد خفّر ذمّة الله
 وعهده. عرفنا من عرفنا، وجهلنا من جهلنا، نحن الأسماء
 الحسنى التي لا يقبل الله من العباد عملاً إلا بمعرفتنا.

ونحن والله، الكلمات التي تلقّاها آدم من ربه فتاب عليه، إن
 الله تعالى خلقنا فأحسن خلقنا، وصوّرنا فأحسن صورنا، وجعلنا
 عينه عنه على عباده، ولسانه الناطق في خلقه، ويده
 المبسوطة عليهم بالرفقة والرحمة، ووجهه الذي يؤتى منه،
 وبابه الذي يدلّ عليه، وخزان علمه، وتراجمه وحيه، وأعلام
 دينه، والعروة الوثقى، والدليل الواضح لمن اهتدى.

وبنا اثمرت الأشجار، وأيعنت الثمار، وجرت الأنهار، ونزل
 الغيث من السماء، ونبت عشب الأرض، وعبادتنا عبد الله،
 ولو لانا ما عرف الله.

وأيم الله؛ لو لا وصية سبقت وعهد أخذ علينا لقلت قولاً يعجب
 منه - أو يذهل منه - الأولون والآخرون.

به خدا سوگند! ما اوصیا و جانشینان بعد از پیامبریم، ما همان
مثانی هستیم که خداوند به پیامبر عنایت فرمود.

ما درخت نبوت، زادگاه رحمت، معدن حکمت، چراغ های
دانش، پایگاه رسالت، و محل آمد و شد فرشتگان، رازدار خدا و
امانت او در میان بندگانش هستیم، ما حرم بزرگ خدا و پیمان
بازخواست شدنی او هستیم.

هر کس به عهد و پیمان ما وفا نماید در واقع به عهد خدا وفا نموده
و هر کس آن را سبک شمارد، عهد و پیمان خدا را سبک شمرده است.
هر کس ما را بشناسد شناخته و هر که جاهل به ما باشد در جهل
فرو رفته است.

ما آن اسمای حسنا هستیم که خداوند عملی را از بندگان نخواهد
پذیرفت مگر با معرفت ما.

به خدا سوگند! ما همان کلماتی هستیم که آدم از خدا فرا گرفت و
بعد توبه اش پذیرفته شد. خداوند ما را به نیکوترین وجه و صورت
آفرید و ما را نگهبان بندگان خود و زبان گویای خویش در میان
مردم و دست گشاده اش به رأفت و رحمت و وجهی که از آن جانب
باید به سوی او رفت و دری که راهنمای به سوی اوست، و
گنجینه های دانش، ترجمان وحی، نمایندگان دین، دستاویز محکم
و دلیل آشکار برای هدایت جویان، قرار داد.

به وسیلهٔ ما درختان میوه می‌دهد، میوه‌ها می‌رسد، نهرها جاری می‌گردد، باران از آسمان می‌بارد و گیاه در زمین می‌روید.
با عبادت و پرستش ما، خدا پرستش شد، اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی‌شد.

به خدا سوگند! اگر سفارس پیشین نبود و پیمان از ما نگرفته بودند سخنی را می‌گفتم که موجب شگفتی - یا فراموشی - گذشتگان و آیندگان می‌شد.^(۱)

همان گونه که روشن است شناخت و معرفت، نقش مهمی در زندگی جوامع بشری دارد. کوتاهی در این امر مهم، باعث هلاکت انسان‌ها شده و آن‌ها را به ورطهٔ سقوط می‌کشاند. به همین جهت امامان و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در موارد بسیاری مردم را با مقام و منزلت خود آشنا نموده و امتیازات ائمه علیهم‌السلام را بازگو فرموده‌اند تا شناخت و معرفت مردم بیشتر شده و با معرفت و شناخت، در راه آنان گام برداشته و بدین وسیله به کمال تعالی انسانی برسند.

متأسفانه به خاطر عدم شناخت صحیح مردم از آن بزرگواران در طول تاریخ، بشریت دستخوش حيله‌ها و تزویرهای طاغوت‌ها گشته و از راه اصلی بازمانده‌اند، ولیکن آنگاه که خداوند اذن ظهور آخرین هدایتگر راستین، حضرت مهدی علیه‌السلام را صادر نماید، آن

حضرت خودش را معرفی می‌کند و همهٔ جهانیان - جز اندکی از ستمگران و عنودان - از آن حضرت پیروی کرده و جهان را به جهانی تکامل یافته و روشن تبدیل می‌نمایند.

اینک، به فضیلت و برتری دیگری از مولا یمان امام زمان علیه السلام گوش جان می‌سپاریم.

ارمغان رحمت و عرشیان

آگاهی از مقامات و فضایل برجستهٔ امام زمان علیه السلام هر منتظری را وادار به انتظار دوران شکوهمند ظهور آن حضرت می‌نماید، آنچه امروزه موجب محرومیت بشریت از فیض حضور آن مولای مهربان شده عدم شناخت صحیح او، از مقام و منزلت آن حجّت الهی است.

برای آشنایی بیشتر با یکی دیگر از هزاران فضایل مولا یمان امام زمان علیه السلام با هم به گفتاری دلنشین از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توجه می‌نماییم. ابا سلمی گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود:

سمعت ليلة أُسري بي إلى السماء قال العزيز جل ثناؤه: ﴿

الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ﴾ (۱).

قلت: ﴿ وَالْمُؤْمِنُونَ ﴾ ؟

۱ - سورهٔ بقره: آیهٔ ۲۸۵.

قال : صدقت يا محمد ! من خلّفت لأمتك ؟

قلت : خيرها .

قال : عليّ بن أبي طالب ؟

قلت : نعم ؛ يا ربّ !

قال : يا محمد ! إنني أطلعت إلى الأرض أطلاعة فاخترتك منها ، فشقت لك إسماً من أسمائي ، فلا أذكر في موضع إلا وذكرت معي ، فأنا المحمود وأنت محمد .

ثمّ أطلعت فاخترت منها عليّاً ، وشقت له إسماً من أسمائي ، فأنا الأعلى وهو عليّ .

يا محمد ! إنني خلقتك وخلقت عليّاً وفاطمة والحسن والحسين من شبح نور من نوري ، وعرضت ولايتكم على أهل السماوات والأرضين ، فمن قبلها كان عندي من المؤمنين ، ومن جحدها كان عندي من الكافرين .

يا محمد ! لو أنّ عبداً من عبادي عبدني حتّى ينقطع ويصير مثل الشنّ البالي ثمّ أتاني جاحداً لولايتكم ما غفرت له حتّى يسقرّ بولايتكم .

يا محمد ! أتحبّ أن تراهم ؟

قلت : نعم ، يا ربّ !

فقال : التفت عن يمين العرش .

فالتفت ، فإذا أنا بعليّ وفاطمة والحسن والحسين وعليّ

ومحمّد وجعفر وموسى وعلیّ ومحمّد وعلیّ والحسن علیهما السلام،
والمهدیّ علیهما السلام فی ضحاح من نور قیام، یصلّون
والمهدیّ علیهما السلام فی وسطهم، کأنه کوکب درّیّ.

فقال: یا محمّد! هؤلاء الحجج، وهذا الثائر من عترتك.

یا محمّد! وعزّتی وجلالی؛ إنّه الحجّة الواجبة لأولیائی
والمنتقم من أعدائی. (۱)

شب معراج خداوند به من وحی کرد: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ
إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾ « پیامبر بدانچه بر او نازل شده ایمان آورده
است ».

عرض کردم: پروردگارا! مؤمنان نیز ایمان آورده‌اند.

فرمود: راست می‌گویی یا محمّد! چه کسی را در میان اُمت خود،
جانشین قراردادی؟

گفتم: بهترین آنها را.

فرمود: علی بن ابی طالب را؟

عرض کردم: آری.

فرمود: یا محمّد! من توجّهی بر زمین کردم و از میان جهانیان تو را
برگزیدم و برای تو، یک اسم از نام‌های خود جدا کردم، هیچ‌جا
یادی از من نمی‌شود مگر این که تو با من یاد خواهی شد، من

۱ - بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۱۹۹ ح ۱۶۷؛ وج ۳۶ ص ۲۶۱ ح ۸۲، عوالم
العلوم: ج ۱۱ ص ۱۳ ح ۱.

محمودم و تو محمّد .

باز برای مرتبهٔ دوّم بر زمین توجّه کردم ، علی را انتخاب نمودم و برای او نامی از اسم‌های خود جدا کردم ، من اعلی هستم و او علی . یا محمّد ! من ، تو ، علی ، فاطمه ، حسن ، حسین و امامان از فرزندان حسین را از شبح نوری از نور خودم آفریدم و ولایت شما را بر اهل آسمان‌ها و اهل زمین‌ها عرضه کردم ، هر کس پذیرفت در نزد من از مؤمنان است و هر کس آن را انکار کرد نزد من از کافران است . ای محمّد ! اگر بنده‌ای از بندگانم چنان مرا عبادت کند که همچون مَشکی خشک گردد بعد با انکار ولایت شما نزد من آید هرگز او را نمی‌آمرزم مگر این که به ولایت شما اقرار نماید .

ای محمّد ! می‌خواهی آن‌ها را تماشا کنی ؟

عرض کردم آری : پروردگار من !

فرمود : به سمت راست عرش نگاه کن .

وقتی نگاه کردم ، علی ، فاطمه ، حسن ، حسین ، علی بن الحسین ، محمّد بن علی ، جعفر بن محمّد ، موسی بن جعفر ، علی بن موسی ، محمّد بن علی ، علی بن محمّد ، حسن بن علی و مهدی علیه السلام را در هاله‌ای از نور دیدم که ایستاده‌اند و نماز می‌خوانند ، در وسط آن‌ها مهدی علیه السلام همچون ستاره‌ای درخشان ، می‌درخشد .

فرمود : ای محمّد ! اینان حجت‌های منند ، و این انتقام گیرندهٔ

عترت توست .

یا محمد! به عزّت و جلالم سوگند! او حجّت لازم برای اولیای من است و اوست انتقام گیرنده از دشمنانم.

شگفتا که بیان و قلم از توصیف آخرین حجّت خدا حضرت مهدی علیه السلام ناتوان است و زبان یارای مدح او را ندارد؛ جایی که آفریدگارش، به تمجید او می پردازد و بدین گونه زیبا در آن عالم ملکوت او را با سوگندهای مهم معرفی می نماید.

راستی نباید اعتراف کنیم که در مورد شناسایی او به جهانیان کوتاهی کرده ایم؟ اگر در طول تاریخ، پیروان اهل بیت علیهم السلام آن گونه که خداوند یکتا و معصومین علیهم السلام او را معرفی کرده بودند به جهانیان می رساندند یقیناً غیبت او چنان به درازا نمی کشید و بشریت از وجود او محروم نمی ماند.

بیاییم شناخت خودمان را در مورد شخصیت آن مظهر الهی افزایش داده و با معرفی آن حضرت به جهانیان کوتاهی گذشته را جبران نموده و به وعده تخلف ناپذیر الهی تحقق بخشیده و به درک حضور حضرتش نایل گردیم.

اکنون به فضیلت دیگری از آن مولای مهربان توجه نموده و دل زنگار گرفته خودمان را صفا می دهیم.

ارمغان رحمت و پاکیزگان

فضایل و مناقب بیکران خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دل هر

انسانِ آگاهی را به سوی خود جلب می‌نماید، چرا که آنان انسان‌های ممتازی هستند که حضرت احدیّت برای هدایت بندگان برگزیده و از هر پلیدی ظاهری و باطنی پاکشان نموده است.

برجسته‌ترین فضیلتی که دوست و دشمن برای اهل بیت علیهم‌السلام نقل کرده‌اند؛ نزول آیه تطهیر در شأن آنهاست، کتاب‌های تفسیر و تاریخ، احادیث و عقاید مشحون از روایات مربوط به آیه تطهیر است.

آنچه در دوران غیبت، قلب رنجور هر منتظر ظهور امام زمان علیه‌السلام را التیام می‌دهد تابش نام با صفای حضرت مهدی علیه‌السلام در احادیث نورانی آیه تطهیر است، برای تنویر دل‌های منتظران دولت الزهراء علیها‌السلام به روایاتی چند در این زمینه اشاره می‌نماییم:

جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگوار پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گوید:

كنت عند النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم في بيت أم سلمة، فأنزل الله هذه الآية:
 ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
 وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾ (۱)

فدعا النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بالحسن والحسين وفاطمة علیها‌السلام وأجلسهم بين يديه، ودعا علياً علیه‌السلام فأجلسه خلف ظهره وقال: اللهم هؤلاء

أهل بيتي فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً.

قالت أمّ سلمة : وأنا معهم يا رسول الله ؟

قال : أنت على خير .

فقلت : يا رسول الله ! لقد أكرم الله هذه العترة الطاهرة والذرية

المباركة بذهاب الرجس عنهم ؟

قال : يا جابر ! لأنّهم عترتي من لحمي ودمي ، فأخي سيّد

الأوصياء ، وابنای خیر الأسباط ، وابنتي سيّدة النسوان ، ومنا

المهديّ .

قلت : يا رسول الله ! ومن المهديّ ؟

قال : تسعة من صلب الحسين عليه السلام أئمة أبرار والتاسع قائمهم ،

يملاً الأرض قسطاً وعدلاً ، يقاتل على التأويل كما قاتلت على

التنزيل .^(۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خانه امّ سلمه بود ، من نیز در محضر حضرتش

حضور داشتم که خداوند متعال این آیه شریفه را نازل فرمود :

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾^(۲) ؛

« خداوند چنین اراده فرموده که هر پلیدی و آلودگی را از شما اهل

بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند . »

۱ - بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۳۰۸ ح ۱۴۷ .

۲ - سورة احزاب : آیه ۳۳ .

در این هنگام پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام و حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام را خواست و در پیش روی خود نشاند و علی عَلَيْهِ السَّلَام را خواست و پشت سر خودش نشاند آنگاه فرمود:

خداوندا! اینان خاندان من هستند، هرگونه رجس و پلیدی را از آنان بزدای و آنان را پاک و پاکیزه گردان.

اُم سلمه گفت: ای رسول خدا! من نیز با آنان هستم؟

فرمود: عاقبت تو به خیر خواهد بود.

جابر گوید: من عرض کردم: ای رسول خدا! به راستی که خداوند این خاندان پاک و این فرزندان مبارک را با زدودن هرگونه پلیدی گرامی داشت؟

فرمود: ای جابر! به خاطر آن که آنان خاندان من هستند، آنان از گوشت و خون من هستند، برادرم (علی عَلَيْهِ السَّلَام) سرور اوصیا و دو فرزندم (حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام) بهترین نوادگان پیامبران و دخترم (فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام) بانوی بانوان است، و مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیز از ما خاندان است.

عرض کردم: ای رسول خدا! مهدی عَلَيْهِ السَّلَام کیست؟

فرمود: از نسل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نه امام نیکوکار خواهد آمد که نهمین آنان قائم آنها است، او کسی است که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، او بر تأویل قرآن جنگ خواهد کرد، چنانچه من بر تنزیل آن جنگیدم.

اگر امروز کسی درباره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام سؤال کند و در مورد

آن حضرت و خصوصیات و ویژگی‌های او اطلاعاتی بدست آورد جای شگفتی نیست؛ چرا که زمان، زمان اوست و جهان به تدبیر او اداره می‌شود.

آنچه موجب شگفتی است و اهمیت شناخت او را می‌رساند؛ پرسش جابر، صحابی بزرگوار پیامبر خدا ﷺ است که در زمان رسول خدا ﷺ می‌خواهد با آن حضرت آشنا شده و می‌پرسد: ای رسول خدا! مهدی ﷺ کیست؟

رسول خدا ﷺ در آن شرایط حسّاس به دو ویژگی مهم و برجسته آن وجود نازنین اشاره کرده و می‌فرماید:

«او کسی است که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد».

حضرت در بیان ویژگی مهم دیگر، مقایسه‌ای میان خود و امام زمان ﷺ نموده و می‌فرماید:

«او بر تاویل قرآن جنگ خواهد کرد چنانچه من بر تنزیل آن جنگیدم».

و بدین وسیله، حسّاس بودن زمان حضرت مهدی ﷺ را یادآور می‌شود که در آن زمان، فرهنگ قالبی «قرآن برای ما بس است»^(۱)

۱ - اشاره به سخن عمر بن الخطاب که آن هنگام که رسول خدا ﷺ در آخرین لحظات زندگی خویش کاغذ و قلم خواسته و فرمود: «دوات و کاغذی بیاورید تا برای شما چیزی بنویسم که پس از من گمراه نشوید...» او فریاد زد: همانا درد بر پیامبر غلبه کرده و کتاب خدا برای ما بس است!! رجوع شود به: بحار الأنوار: ۳۰/۵۲۹ - ۵۳۶.

بر جامعه حاکم است و پیروان سقیفه سازان در برابر او، قرآن برفراز نی می‌زنند و در برابر او صف‌آرایی می‌کنند.

و لیکن لشکر همیشه پیروز آن حضرت، از آن جهت که در کنار قرآن ناطق، حضرت مهدی علیه السلام هستند بر همه آنان پیروز شده و جهان را برای همیشه از شر ستمگران منافق آسوده خواهند کرد.

همچنان که گفتیم، راویان زیادی به نقل این روایت دلنشین پرداخته‌اند، از جمله آن‌ها سعید بن مالک است.

وی آنگاه که روایت شأن نزول آیه تطهیر را نقل می‌کند می‌گوید:
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ضمن سخنی فرمود:

... ولقد نبأني اللطيف الخبير أنه يخرج من صلب الحسين
تسعة من الأئمة معصومون مطهرون، ومنهم مهدي هذه الأمة
الذي يقوم بالدين في آخر الزمان كما قمت به في أوله... (۱)

... خداوند لطیف و خبیر به من خبر داد که از نسل امام حسین علیه السلام نه امام معصوم و پاک متولد خواهد شد، از جمله آنان مهدی این امت است، کسی که برای احیای دین الهی در آخر زمان قیام می‌کند، چنان که من برای آن، در نخستین زمان برخاستم.

آری، با انسان آگاه و اندیشمندی راز دل گفتیم که او منتظر است، منتظر مصلحی شایسته که برآورنده آمال و آرزوهای همه

۱ - الكوثر في أحوال فاطمة عليها السلام بنت النبي الأطهر صلی الله علیه و آله: ج ۲ ص ۲۴۹.

پیامبران و اوصیای الهی است؛ ولی هر چه در مورد مولای خود می شنود دلش صفا پیدا کرده و نورانی می گردد.

این بار نیز پیامبر رحمت ﷺ آن ارمغان عدالت را با خود مقایسه می کند و می فرماید:

« همان گونه که من در ابتدای زمان برای احیای دین الهی در آن عصر جاهلیت پیا خاستم، او نیز در آخر زمان برای چنین امری قیام خواهد کرد.»

با کمی تأمل و اندیشه متوجه می شویم که آخر زمان نیز از نظر فرهنگ دست کمی از زمان جاهلیت نیست، در آخر زمان نیز همان جوّ جاهلیت حاکم است، با این تفاوت که آخر زمان، دوران جاهلیت پیشرفته است، و به خاطر پیشرفت مادی که انسانها در آن زمان بدست آورده اند عجب، غرور و خودخواهی سراسر زندگی توده های انبوه مردم را فرا گرفته و به کلی آفریدگار خویش و حجّت او را فراموش نموده و در دریای پر تلاطم جهان مادی فرو رفته اند. از سوی دیگر، خداوند مهربان همان گونه که با فرستادن پیامبر رحمت ﷺ جاهلان آن عصر را نجات داد، در این دوران نیز، با اذن ظهور آخرین حجّت خویش، انسانهای این دوران را نیز بدست با کفایت ارمغان رحمت حضرت مهدی علیه السلام از منجلاب گرفتاریها و فسادها رها خواهد ساخت.

پیشوای هشتم، امام رؤوف حضرت رضا علیه السلام که در موارد

گوناگون، یاران باوفای خویش را متوجه حضرت مهدی علیه السلام می ساخت در ضمن توصیفی از آن حضرت، چنین می فرماید:

المهدي أعلم الناس وأحلم الناس وأتقى الناس وأسخى الناس
وأشجع الناس ويولد مختوناً وطاهراً مطهراً. (۱)

مهدی علیه السلام دانشمندترین، بردبارترین، باتقواترین، سخاوتمندترین
و شجاع ترین مردم است، او مختون و پاک و پاکیزه متولد می شود.

آری، حجت خدا بایستی حجت الهی را معرفی نماید تا مردم او
را بشناسند و از او اطاعت کنند؛ چرا که هر انسانی برای سیر کمال
خود باید آفریدگار خود را بشناسد و پس از شناخت او گام به
سوی شناخت پیامبر او بر می دارد و شناخت پیامبر مستلزم
شناخت امام زمان علیه السلام است.

در دعای معروف زمان غیبت چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ.
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ
حُجَّتَكَ.

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ
دِينِي. (۲)

۱ - الكوثر في أحوال فاطمة عليها السلام بنت النبي الأطهر صلوات الله عليه : ج ۲ ص ۳۳۴.

۲ - كمال الدين : ج ۲ ص ۳۲۲.

خداوندا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من
نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت.

خداوندا! پیامبرت را به من بشناسان؛ زیرا اگر پیامبرت را به من
معرفی ننمایی حجّت تو را نخواهم شناخت.

خداوندا! حجّت خویش را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجّت
خودت را به من نشناسانی، از دینم منحرف خواهم گشت.

پیامبر خدا ﷺ در یک کلام زیبا به اهمّیت حیاتی شناخت امام
زمان ﷺ اشاره کرده و می‌فرماید:

من مات ولم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهليّة. (۱)

کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ دوران جاهلیت
مرده است.

در این راستا، برای رسیدن به کمال واقعی، همه اندیشه
و خردمان را با درخواست از لطف خدای مهربان برای شناخت امام
زمان ﷺ بکار برده و به فضیلت دیگری از آن حضرت دل می‌سپاریم.

ارمغان رحمت و بهشتیان

قلم و بیان از ترسیم اوصاف و کمالات والای انوار درخشان
خاندان نبوت عاجز و ناتوان است، چرا که آنان انوار خدا و مظهر

۱ - بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۳۳۱ ح ۳۱۷.

صفات الهی هستند، جز آن که خودشان روزنه‌ای باز کرده و گوشه‌ای از کمالات والای خویش را برای هدایت بشریت بازگو کنند. پیامبر خدا ﷺ در یک سخن زیبا، سروران بهشتی را چنین شناسایی می‌فرماید:

نحن بنو عبدالمطلب، سادة أهل الجنة: رسول الله وحمزة سيّد الشهداء وجعفر ذوالجناحين وعلي وفاطمة والحسن والحسين والمهدي عليه السلام. (۱)

ما فرزندان عبدالمطلب: رسول خدا، حمزه سیدالشهدا، جعفر طیار، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی علیه السلام سروران اهل بهشت هستیم.

نکته لطیفی که در این گفتار دلنشین، دل هر منتظر امام زمان علیه السلام را از عشق مولایش پر می‌کند؛ همگامی آن حضرت در مقامات والای مادرش زهرا علیها السلام است. او می‌داند که مولایش طاووس اهل بهشت است و بهشت و بهشتیان به او مباحثات می‌کنند، که به راستی: «آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری».

آنچه در این میان بیشتر جلب توجه می‌کند این که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خاندان پاک آن حضرت علیهم السلام در موارد حساس نام والای حضرت مهدی علیه السلام را با عظمت یاد نموده‌اند، و سخنان آنان در این

رابطه چنان تکان دهنده است که انسان را به شگفتی وامی دارد. جالبتر این که، آن بزرگواران در برابر دشمنانشان هم با یاد عظمت و بزرگی حضرت مهدی علیه السلام به گفت و گو می پرداختند و به وجود آن حضرت افتخار می نمودند.

در این زمینه سلمان رضی الله عنه، یار باوفای اهل بیت علیهم السلام داستان جالبی نقل می کند که با منتظرِ عاشق به پای سخنان او می نشینیم.

سلمان رضی الله عنه گوید: (منافقان) قریش برای خود برنامه ویژه ای داشتند که هرگاه در مجالسشان می نشستند و مردی از اهل بیت علیهم السلام را می دیدند سخن خود را قطع می کردند. روزی کنار هم نشسته بودند، یکی از آنان (برای تحقیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) گفت: مثل محمد در میان خاندانش مانند درخت خرمایی است که در زیاله دانی رویده باشد!!!

این خبر به سمع مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید، دریای غیرت آن حضرت به جوش و خروش آمده و خشمگین شد، به سوی منبر رفت و بر فراز آن نشست تا مردم جمع شدند، آنگاه برخاست و حمد و ثنای الهی بجا آورد و فرمود: ای مردم! من کیستم؟ گفتند: تو پیامبر خدایی.

فرمود: من پیامبر خدایم، و من محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم هستم.

پیامبر خدا ﷺ همچنان نسب خود را ذکر کرد تا به «نزار» رسید.
 آنگاه جد بزرگوار مولایمان امام زمان علیه السلام سخن خود را چنین
 ادامه داده و فرمود:

ألا وإني وأهل بيتي كنا نوراً نسعى بين يدي الله قبل أن يخلق
 الله آدم بألفي عام، فكان ذلك النور إذا سبح سبحت الملائكة
 لتسبيحه، فلما خلق آدم وضع ذلك النور في صلبه، ثم أهبط
 إلى الأرض في صلب آدم، ثم حمّله في السفينة في صلب
 نوح، ثم قذفه في النار في صلب إبراهيم، ثم لم يزل ينقلنا في
 أكارم الأصلاب حتى أخرجنا من أفضل المعادن محتدأً، وأكرم
 المغارس منبتاً، بين الآباء والأمّهات لم يلتق أحد منهم على
 سفاح قطّ.

ألا! ونحن بنو عبدالمطلب سادة أهل الجنة: أنا وعليّ وجعفر
 وحمزة والحسن والحسين وفاطمة والمهديّ.

ألا! وإنّ الله نظر إلى أهل الأرض نظرة فاختار منها رجلين:
 أحدهما أنا فبعثني رسولاً، والآخر عليّ بن أبي طالب، وأوحى
 إليّ أن أتّخذه أخاً وخليلاً ووزيراً ووصياً وخليفة.

ألا! وإنّه وليّ كلّ مؤمن بعدي، من والاه والاه الله، ومن عاداه
 عاداه الله، لا يحبّه إلا مؤمن، ولا يبغضه إلا كافر، هو زرّ
 الأرض بعدي وسكنها، وهو كلمة الله التقوى، وعروة الله
 الوثقى.

أتریدون أن تطفئوا نور الله بأفواهكم، والله متمّ نوره ولو كره الكافرون؟!!

ألا وإنّ الله نظر نظرة ثانية فاختار بعدنا إثني عشر وصيّاً من أهل بيتي، فجعلهم خيار أمتي واحداً بعد واحد مثل النجوم في السماء، كلما غاب نجم طلع نجم، هم أئمة هداة مهتدون، لا يضرّهم كيد من كادهم، ولا خذلان من خذلهم.

هم حجج الله في أرضه، وشهداؤه على خلقه، خزّان علمه، وتراجمه وحيه، ومعادن حكمته، من أطاعهم أطاع الله، ومن عصاهم عصى الله.

هم مع القرآن، والقرآن معهم، لا يفارقونه حتّى يردوا عليّ الحوض، فليبلغ الشاهد الغائب، اللهمّ اشهد، اللهمّ اشهد، ثلاث مرّات. (۱)

آگاه باشید! که من و خاندانم نوری بودیم که در پیشگاه خداوند - دو هزار سال پیش از آن که آدم آفریده شود - حضور داشتیم. و چنین بود که وقتی آن نور تسبیح می‌گفت، فرشتگان به تسبیح او، تسبیح می‌گفتند.

هنگامی که خداوند آدم را آفرید، آن نور را در صلب او قرار داد، سپس آن را در صلب آدم به زمین فرستاد، آنگاه آن را در

۱ - بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۱۴۸ - ۱۵۰ ح ۱۴۲، کتاب سلیم بن قیس: ج ۲ ص ۸۵۶ ح ۴۵.

صلب نوح در کشتی حمل نمود، سپس آن را در صلب ابراهیم به آتش پرتاب کرد.

خداوند ما را همچنان در گرمی‌ترین صلب‌ها منتقل می‌کرد تا آن که ما را از برترین و اصیل‌ترین معادن و با کرامت‌ترین مکان‌ها از نظر رشد، از بین پدران و مادران خارج ساخت به گونه‌ای که هیچ کدام از آن‌ها هرگز به صورت زنا با یکدیگر ارتباط نداشتند.

آگاه باشید! که ما فرزندان عبدالمطلب سادات و سروران اهل بهشت هستیم: من، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه و مهدی.

آگاه باشید! که خداوند توجهی به اهل زمین نمود و از بین آنان دو نفر را برگزید: یکی من که به عنوان پیامبر مبعوثم کرد، و دیگری علی بن ابی طالب و به من وحی فرمود که او را برادر، دوست، وزیر، وصی و جانشینم قرار دهم.

آگاه باشید! که او ولی و صاحب اختیار هر مؤمنی پس از من است. هر کس او را دوست بدارد خدا او را دوست می‌دارد، و هر کس با او دشمنی کند خدا با او دشمنی می‌نماید، او را جز مؤمن دوست نمی‌دارد و جز کافر با او دشمنی نمی‌ورزد.

او پس از من قوام زمین و موجب آرامش آن است، او کلمه تقوای خداوند و دستگیره محکم اوست.

آیا می‌خواهید نور خدا را با دهان‌هایتان خاموش کنید در حالی که

خداوند نور خود را به کمال می‌رساند گر چه کافران را خوش نیاید؟!

آگاه باشید! که خداوند نظر دومی (به اهل زمین) نمود و پس از این گزینش، دوازده وصی از خاندانم برگزید، و آنان را برگزیدگان اُمّت قرار داد، آنان یکی پس از دیگری همانند ستارگان در آسمان هستند که هر ستاره‌ای غروب نماید ستاره دیگری طلوع می‌کند. آنان امامان و پیشوایان هدایتگر هدایت شده‌اند که هرگز حيله و کید کسانی که بر آنان حيله کنند، و خواری کسانی که ایشان را خوار نمایند به آنان ضرر نخواهد زد.

آنان حجت‌های خداوند در زمینش، شاهدان و گواهان او بر خلقش، خزانه داران دانشش، بیان‌کنندگان وحیش و معدن‌های حکمتش هستند.

هر کس از آنان اطاعت و پیروی نماید در واقع، خدا را اطاعت کرده و هر کس از آنان سرپیچی کند در واقع خدا را معصیت کرده است. آنان با قرآن، و قرآن با آنان است. هرگز از قرآن جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

پس (آنچه گفتم) شاهدان به غایبان برسانند. پروردگارا! شاهد باش، پروردگارا! شاهد باش، و این را سه مرتبه فرمود.

فرازهای حسّاس این خطابه شیوا که از لبان مبارک پیامبر خدا ﷺ - که جز به وحی الهی سخن نمی‌گوید - جاری شده چنان صریح است که هیچ نیازی به توضیح ندارد، سخنان ژرفی که با

اندک اندیشه، انسان را با فضایل اهل بیت علیهم السلام آشنا ساخته و به سوی کمال به حرکت وامی دارد.

آری، پیشوایان معصوم علیهم السلام، برگزیدگان خدا و حجّت‌های او بر بشریت هستند، ستارگانی که برای هدایت و راهنمایی انسان در آسمان امامت طلوع کردند؛ ولی متأسفانه جامعه انسانی به جهت عدم شناخت واقعی آنان، قدر و منزلت آن‌ها را ندانستند که بدینسان خداوند حکیم و مهربان آخرین حجّت خویش را در پشت پرده غیبت قرار داد و جوامع بشری از فیض حضور او به طور مستقیم، محروم ماند، تا آنگاه که به خود آیند و نبود او را - که هستی انسان‌ها از اوست - احساس نموده و از خداوند متعال ظهورش را بخواهند.

هم اکنون با آرزوی ظهور امام زمان علیه السلام به فضیلت دیگری از فضایل بی‌شمار آن حضرت می‌پردازیم.

ارمغان رحمت و ضیافت آسمانی

آنگاه که به امر خداوند متعال، حضرت زهرا علیها السلام به ازدواج تنها همتای خویش، امیرمؤمنان علی علیه السلام در آمد و این ازدواج مبارک سرگرفت؛ زندگی مشترک این انسان فرشته خوی آغاز شد. زندگی زیبایی که لحظه لحظه آن مملوّ از مهر و محبت بود و تا روز رستاخیز سرمشق و الگوی جوامع بشری است.

در این زندگی زیبا، شگفتی‌هایی دیده می‌شود که هر انسان آگاه را به سوی خود جلب می‌نماید. از طرفی، چون مولای ما، امام

زمان علیه السلام نیز یکی از بهترین ثمره‌های این زندگی پر بار است در مواقع حسّاس آن، نام و یاد او طراوت خاصی به این زندگی می‌دهد. اینک به همراه منتظر دوران ظهور شکوهمند امام زمان علیه السلام نگاهی به زندگی مشترک حبیبه خدا فاطمه زهرا علیها السلام و علی مرتضی علیه السلام می‌کنیم تا سرمشقی دیگر برای حرکت به سوی کمال ذخیره نماییم.

نجم گوید: امام باقر علیه السلام می‌فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام ضَمِنَتْ لِعَلِيِّ علیه السلام عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجِينَ وَالْخَبْزِ
وَقَمَّ الْبَيْتِ، وَضَمِنَ لَهَا عَلِيُّ علیه السلام مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ: نَقْلُ
الْحَطْبِ وَأَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ.

فَقَالَ لَهَا يَوْمًا: يَا فَاطِمَةُ! هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ؟

قَالَتْ: وَالَّذِي عَظُمَ حَقُّكَ! مَا كَانَ عِنْدَنَا مِنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ شَيْءٌ
نَقْرِيكَ بِهِ.

قال: أفلا أخبرتني؟

قالت: كان رسول الله صلى الله عليه وآله نهاني أن أسألك شيئاً، فقال: لا
تسألين ابن عمك شيئاً إن جاءك بشيء [عفو] وإلا فلا تسألينه.
قال: فخرج علیه السلام فلقني رجلاً فاستقرض منه ديناراً ثم أقبل به وقد
أمسى، فلقني مقداد بن الاسود، فقال للمقداد: ما أخرجك في
هذه الساعة؟

قال: الجوع والذي عظم حَقُّكَ يا أمير المؤمنين!

قال: قلت لأبي جعفر: ورسول الله ﷺ حيّ؟

قال: ورسول الله ﷺ حيّ.

قال: فهو أخرجني وقد استقرضت ديناراً وسأؤثرك به، فدفعه

إليه فأقبل فوجد رسول الله ﷺ جالساً وفاطمة عليها السلام تصلي

وبينهما شيء مغطى، فلما فرغت اجترت ذلك الشيء، فإذا

جفنة من خبز و لحم، قال: يا فاطمة! أنى لك هذا؟

قالت: هو من عند الله، إن الله يرزق من يشاء بغير حساب.

فقال له رسول الله ﷺ: ألا احديثك بمثلك ومثلها؟

قال: بلى.

قال: مثلك مثل زكريّا، إذ دخل على مريم المحراب، فوجد

عندها رزقاً، قال: يا مريم! أنى لك هذا؟ قالت: هو من عند الله

إن الله يرزق من يشاء بغير حساب.

فأكلوا منها شهراً، وهي الجفنة التي يأكل منها القائم عليه السلام وهي

عندنا. (۱)

حضرت فاطمة زهرا عليها السلام به علی مرتضی عليه السلام تعهد داد که همه

کارهای داخل خانه را از قبیل: خمیر کردن آرد، پختن نان،

نظافت منزل و غیره را انجام دهد و علی عليه السلام نیز متعهد شد که امور

خارج از خانه مانند: آوردن هیزم و تهیه طعام را انجام دهد.

۱- تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۱۷۱ ح ۴۱، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۱۹۷ ح ۴؛ و

ج ۴۳ ص ۳۱ ح ۳۸.

روزی علی علیه السلام به فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: ای فاطمه! آیا در خانه چیزی داری؟

فاطمه علیها السلام پاسخ داد: سوگند به آن خدایی که حقّ تو را بزرگ قرار داده! مدّت سه روز است که چیزی نداریم تا بتوانم آن را برایت بیاورم.

علی علیه السلام فرمود: چرا این امر را به من خبر ندادی؟

فاطمه علیها السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا نهی نموده از این که چیزی از تو بخواهم و فرموده: «اگر علی علیه السلام چیزی برای تو آورد بپذیر و در غیر این صورت، هرگز از او چیزی نخواه.»

امام باقر علیه السلام می فرماید: علی علیه السلام از خانه خارج شد، در بین راه فردی را ملاقات نموده و یک دینار از او قرض کرد تا طعامی برای خانه فراهم کند، آنگاه در حالی که شب فرا می رسید بازگشت، در بین راه با مقداد بن اسود رو به رو گردید، از او پرسید: برای چه در این ساعت از خانه خارج شده‌ای؟

مقداد پاسخ داد: ای امیرمؤمنان! به آن خدایی که حقّ تو را بزرگ شمرده! گرسنگی موجب خروج من از منزل شده است.

نجم، راوی حدیث گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا در آن موقع پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زنده بود؟

امام باقر علیه السلام فرمود: آری، زنده بود، آنگاه آن حضرت این داستان زیبا و شنیدنی را چنین ادامه داد:

علی علیه السلام به مقداد فرمود: من نیز به همین علت از خانه خارج شده‌ام و برای تهیه طعام یک دینار قرض کرده‌ام، اکنون ایشار کرده و آن را به تو می‌دهم.

آنگاه علی علیه السلام آن دینار را به مقداد داد و به طرف خانه خود بازگشت. هنگامی که وارد خانه شد، چشمش به جمال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منور گشت که نشسته و فاطمه زهرا علیها السلام مشغول نماز است و یک ظرف سرپوشیده نیز در میان ایشان قرار دارد.

فاطمه زهرا علیها السلام نمازش را تمام کرد، آن ظرف را جلو کشید وقتی نگاه کردند دیدند که کاسه‌ای پر از نان و گوشت است.

علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! این غذا از کجاست؟

فاطمه علیها السلام گفت: از طرف خدا آمده، همانا خداوند هر که را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رو به علی مرتضی علیه السلام کرد و فرمود: ای علی! آیا دوست داری برایت بگویم مثل تو و فاطمه چیست؟
علی علیه السلام عرضه داشت: آری.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تو مانند حضرت زکریا علیه السلام هستی، زیرا آن حضرت هم وقتی در مصالای مریم غذایی دید، از او پرسید: این غذا از کجاست؟

مریم در پاسخ او گفت: از طرف خدا آمده، همانا خداوند هر که را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود:

آن بزرگواران مدت یک ماه از آن غذا میل می فرمودند و تمام نمی شد و آن کاسه غذا، همان است که حضرت قائم علیه السلام نیز از آن خواهد خورد، و آن، هم اکنون نزد ماست.

آری، او امید و آرزوی مادرش حضرت زهرا علیها السلام است، مگر می شود چنین فرزند عزیز و چنین یوسف زیبایی در چنین ضیافت آسمانی شرکت نکند و از غذای بهشتی آن میل ننماید؟

هرگز، او در همه مواقع حساس حضور دارد و با این حضور، جهانیان را متوجه خود می سازد و به راستی، با این همه تأکیدی که پیشوایان معصوم علیهم السلام برای شناسایی آن وجود داشتند آیا توانسته ایم حقی از حقوق او را ادا کنیم؟

اسفا! که ای مولای مهربان! هنوز دلهای زنگار گرفته ما به آتش فراق تو نسوخته تا فریاد برآوریم:

ای محبوب من! ای مولای مهربان من! کاش می دانستم کی دلها به ظهور تو آرام قرار خواهد گرفت؟

(کاش می دانستم) در کدام سرزمین اقامت داری؟ و کدامین قسمت از خاک زمین سنگینی تو را حمل می کند؟ ...^(۱)

بار دیگر با امید رسیدن دوران ارمغان رحمت، حضرت

مهدی علیه السلام به جلوه‌ای از زندگی مادرش حضرت نرگس علیها السلام توجه می‌نماییم.

زهرة زهرا علیها السلام و گل نرجس علیها السلام

فضایل بی‌کران حضرت مهدی علیه السلام هر انسان آگاه و اندیشمند را به خود جلب می‌نماید، آنگاه که در این دوران تاریک، روزنه‌ای نورانی می‌بیند بی‌اختیار به دنبال آن نور در حرکت است تا به وصال برسد، و از آنجایی که خود آن حضرت، از اسرار الهی است فضایلش نیز اسراری است که از آن افراد راز دار و با معرفت خواهد شد.

اکنون یکی دیگر از فضایل حضرت مهدی علیه السلام را که مادرش حضرت زهرا علیها السلام در آن نقش زیبای سرور بانوان را دارد از نظر منتظران عزیز می‌گذرد.

یکی از فرزندان زادگان ابو ایوب انصاری، صحابی بزرگوار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بنام بشر بن سلیمان برده فروش است، وی از شیعیان امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام است، می‌گوید:

من در سامرا در همسایگی امام هادی علیه السلام زندگی می‌کردم، روزی کافور، غلام آن حضرت نزد من آمد و گفت: مولا یمان امام هادی علیه السلام تو را می‌خواند.

من نزد حضرت علیه السلام شرفیاب شدم، هنگامی که در مقابل ایشان

نشستم، فرمود: ای بشر! تو از فرزندان کسانی هستی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را یاری نمودند، این دوستی شما هرگز از بین نرفته و نسل به نسل به شما به ارث می رسد، شما همواره مورد اعتماد و اطمینان ما اهل بیت علیهم السلام هستید. اکنون تو را بر آگاهی از راز و سری مفتخر می سازم که به واسطه آن، از سایر شیعیان و دوست داران ما برتری و پیشی خواهی گرفت، که به تو دستور می دهم که کنیزی را خریداری کنی.

آنگاه امام هادی علیه السلام نامه ای زیبا و لطیف به خط و زبان رومی نوشت و با انگشتر مبارک خویش آن را مهر نمود، و کیسه زرد رنگی را بیرون آورد که در آن دو بیست و بیست سکه طلا بود.

سپس فرمود: این نامه را بگیر و به بغداد برو، بامدادان هنگام طلوع آفتاب، در فلان روز بر روی پل فرات حاضر شو. وقتی که قایق های فروشندگان اسیران به کنار تو رسیدند و کنیزان را در آنها دیدی، به زودی متوجه حضور گروهی از خریدارانی خواهی شد که آنان نمایندگان فرماندهان بنی عباس هستند، در میان آنها عده اندکی از جوانان عرب نیز به چشم می خورد.

در این هنگام، از دور شخصی به نام «عمر بن یزید» برده فروش را زیر نظر داشته باش، او از اول روز کنیزی را در معرض فروش خریداران نگه می دارد، کنیز دو قطعه حریر کهنه بر تن دارد، او از نگاه و دست درازی تماشاگران خودداری می کند و حاضر نیست

خود را در اختیار کسی که بخواهد به او دست بزند، قرار دهد.
 وقتی کنار او بروی صدای ناله او را - که به زبان رومی است - از
 پس نقاب نازکی می شنوی که می گوید: به فریادم برسید!
 می خواهند حرمتم را بشکنند و پرده حجابم را بدرند.

در این هنگام، یکی از خریداران حاضر خواهد شد تا با میل و
 رغبت، به خاطر عفت او، برای خریدن وی سیصد سکه طلا
 بپردازد؛ ولی آن کنیز به زبان عربی می گوید: اگر دارای مقام و زئی
 سلیمان بن داوود بوده و همانند ملک او را داشته باشی من تمایلی
 به تو ندارم، بیهوده مال خود را تلف نکن.

برده فروش خواهد گفت: چاره چیست؟ من ناچارم که تو را
 بفروشم.

آن کنیز پاسخ خواهد داد: چرا عجله می کنی؟ من باید
 خریداری را انتخاب کنم که دلم به او و وفا و امانت او آرام بگیرد!
 وقتی چنین دیدی نزد عمر بن یزید برده فروش برو و به او
 بگو: من نامه سربسته ای دارم که یکی از اشراف آن را به خط و زبان
 رومی نوشته و در آن، کرامت، وفا، شرافت و سخاوت خود را
 توصیف نموده است.

این نامه را به او بده تا در اخلاق نویسنده آن بیندیشد، اگر به او
 تمایلی یافت و تو راضی شدی من از جانب او وکیل هستم که این
 کنیز را از تو بخرم.

بشر گوید: من تمام فرمایشات امام هادی عليه السلام را اجرا نمودم. وقتی نامه را به آن کنیز دادم و خواند به شدت گریست، آنگاه رو به عمر بن یزید کرد و گفت: ای عمر بن یزید! مرا به صاحب این نامه بفروش.

او پس از سوگندهای سخت و بسیار، اضافه کرد: اگر مرا به او نفروشی خودم را خواهم کشت.

من در مورد قیمت کنیز با فروشنده گفت و گوی بسیاری کردم و سرانجام او به همان مبلغی که مولایم به من داده بود راضی شد، پولها را به او داده و کنیز را تحویل گرفتم، خیلی شاد و خندان بود، از آنجا به همراه کنیز به خانه کوچکی - که در بغداد برای اقامت تهیه کرده بودم - بازگشتم.

کنیز در مسیر راه، آرام و قرار نداشت، وقتی به منزل رسیدیم دیدم نامه را از گریبان خود بیرون آورد و آن را می بوسید و روی دیدگان و صورت خود می نهاد و بر تن خود می کشید.

با شگفتی به او گفتم: نامه ای را می بوسی که صاحبش را نمی شناسی؟

فرمود: ای بیچاره ای که شناخت و معرفت تو از مقام فرزندان پیامبران ضعیف است!

به سخنان من گوش فرا داده و دل به آن بسپار: من ملیکه، دختر یثوعا بن قیصر، پادشاه روم هستم، مادرم از نوادگان حواری و

جانشین مسیح علیه السلام، شمعون است. داستانی عجیب دارم که اکنون تو را از آن آگاه می‌سازم.

من سیزده سال بیشتر نداشتم که پدر بزرگم قیصر می‌خواست مرا به برادرزاده خود تزویج کند. برای برگزاری این مراسم، سیصد تن از فرزندان حواریان مسیح و رهبانان و بزرگان کلیسا، و هفتصد تن از اعیان و اشراف، و چهارهزار نفر از فرماندهان لشکری و بزرگان گروه‌های مختلف و امیران طوایف گوناگون را دعوت نمود، او از ملک خویش تختی را به انواع جواهرات تزیین نموده و بر روی چهل ستون در بهترین و بالاترین قسمت قصر خویش نصب کرد، صلیب‌های بسیاری از هر طرف بر پا داشتند.

مراسم آماده شده، داماد را بر تخت نشاندهند، کشیشان بزرگ مشغول اجرای مراسم شده و انجیل‌ها را گشودند، ناگاه صلیب‌ها از جایگاه‌های بلند خویش بر زمین فرو ریختند، پایه‌های تخت لرزیده و از تخت جدا شدند، داماد از بالای تخت بر زمین افتاد و بیهوش شد، رنگ از رخسار اسقف‌ها پرید، و بدنشان لرزید.

اسقف اعظم رو به پدر بزرگم کرد و گفت: پادشاهها! ما را از این کار معاف دار که این حوادث علامت از بین رفتن دین مسیح و مذهب آن پادشاه می‌باشد.

پدر بزرگم نیز این حادثه را به فال بد گرفت، در عین حال به اسقف‌ها گفت: ستون‌های تخت و صلیب‌ها را دوباره در

جایگاه‌های خویش نصب کنید، و برادر دیگر این فلک زده بخت برگشته را که همانند جدش بدبخت است، بیاورید که این دختر را به او تزویج کنم تا شاید نحوست برادر نخستین با سعادت برادر دیگر دفع شود.

مجدداً مراسم را برگزار کردند، دوباره همان رویداد نخست تکرار شد و مجلس بهم ریخت و مردم پراکنده شدند. پدر بزرگم نیز با حالتی بسیار اندوهگین برخاست و به حرم سرای خویش رفت، درها بسته و پرده‌ها افکنده شد.

آن روز سپری شد و شب فرا رسید، من آن شب در خواب حضرت مسیح عليه السلام، شمعون و گروهی از حواریان را دیدم که در قصر جدم گرد آمده بودند، آنان منبری از نور که بلندای آن به آسمان می‌رسید در همان جایی که پدر بزرگم در آن، تخت بزرگ خویش را نصب کرده بود، نصب نمودند.

مجلس آماده شده، ناگاه پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، و داماد و جانشین او، علی مرتضی عليه السلام با گروهی از فرزندان او وارد شدند، حضرت مسیح عليه السلام به پیشواز آنان رفته و با آنها معانقه نمودند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله رو به حضرت مسیح عليه السلام کرد و فرمود: ای روح الله! من برای این پسر، به خواستگاری ملیکه از شمعون جانشین تو آمده‌ام.

آنگاه با دست مبارکش به سوی ابا محمد حسن بن علی علیه السلام ،
پسر صاحب این نامه ، اشاره کرد .
حضرت مسیح علیه السلام نگاهی به شمعون کرد و فرمود : شرف و
سعادت به تو روی آورده ، خاندان خود را به خاندان آل محمد علیهم السلام
پیوند ده .

شمعون عرض کرد : آری ، پذیرفتم .
در این موقع ، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر فراز منبر رفت و مرا به
فرزندش تزویج نمود و حضرت مسیح علیه السلام و فرزندان پیامبر
اسلام صلی الله علیه و آله و حواریان را شاهد گرفت .

من از خواب بیدار شدم ، از ترس ، این خواب را به پدر و پدر
بزرگم بازگو نکردم ، چون امکان داشت مرا بکشند ، به همین جهت
آن را پنهان نموده و به ایشان آشکار نکردم .
از طرفی ، مهر و محبت حسن بن علی علیه السلام در دلم جای گرفت ،
میل به خوردن و آشامیدن نداشتم ، و به شدت ضعیف ، لاغر و
بیمار گشتم .

پدر بزرگم برای مداوای من اقدام نمود ، پزشکی باقی نماند که
از شهرهای روم به بالینم حاضر نکرده و داروی مرا از او نپرسیده
باشد .

وقتی از مداوای من ناامید شد رو به من کرد و گفت : نور
چشمم ! عزیزم ! آیا در این دنیا آرزویی داری تا پیش از مرگت آن را

برآورم؟

گفتم: پدر جان! همه درهای امید به روی من بسته شده، فقط از تو می‌خواهم از رنج اسیران مسلمانی که در زندان تو هستند کم کن، و آنها را به عنوان صدقه از بند جدا کرده و آزاد نما، شاید حضرت مسیح و مادر او حضرت مریم مرا شفا عنایت کنند.

پدر بزرگم خواسته مرا برآورد، من به ظاهر کمی اظهار بهبودی کردم، اندکی غذا خوردم، او نیز وقتی اثری دید خوشحال شده و در رعایت حال اسیران بیشتر کوشید.

چهارده شب گذشت، برای دوّمین بار در خواب دیدم سرور بانوان جهان، حضرت فاطمه زهرا عليها السلام به همراه حضرت مریم عليها السلام و هزار فرشته بهشتی برای دیدن من آمدند.

حضرت مریم عليها السلام به من فرمود: او سرور بانوان جهان و مادر شوهر تو - حسن بن علی عليه السلام - است.

من دامن مبارک آن حضرت را گرفته، گریه کردم و به حضرتش از این که حسن بن علی عليه السلام به دیدار من نمی‌آید، شکوه نمودم.

حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: تا تو مشرک و در دین نصاری هستی، فرزندم به دیدار تو نخواهد آمد، این خواهرم حضرت مریم عليها السلام است و از دین تو بی‌زاری می‌جوید، اگر می‌خواهی رضای خدا و حضرت مسیح عليه السلام و مریم عليها السلام را به دست آوری و ابا محمد حسن بن علی عليه السلام به دیدار تو بیاید، بگو: «أشهد أن لا إله

إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ أَبِي مُحَمَّدٍ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ» .

من به یگانگی خدا و رسالت محمد مصطفی ﷺ گواهی دادم. در این هنگام، آن بانوی بزرگوار سرور بانوان جهان مرا در آغوش کشیده و احساس خوشی به من دست داد.

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: اکنون منتظر دیدار حسن بن علی علیه السلام باش، من او را به نزد تو خواهم فرستاد.

از خواب بیدار شدم، با خیال راحت منتظر دیدار حسن بن علی علیه السلام شدم.

روز سپری شد، شب فرا رسید، آن شب امام عسکری علیه السلام را در خواب دیدم و به او گفتم: ای حبیب من! بر من ستم روا داشتی بعد از آن که نخست دل مرا به مهر و محبت خود گرفتار ساختی آنگاه به جدایی دچارم نمودی؟!!

فرمود: آنچه دیدار مرا به تأخیر انداخت شرک تو بود، اکنون که مسلمان شده‌ای هر شب در خواب به دیدار تو خواهم آمد، تا وقتی که به صورت آشکار به یکدیگر پیوندیم.

از آن شب تا کنون هر شب او را در خواب می‌بینم.

بشر بن سلیمان گوید: وقتی آن بانو، قصه خود را تعریف کرد،

از او پرسیدم: چطور شد که در میان اسیران افتادی؟!!

فرمود: شبی حسن بن علی علیه السلام به من فرمود: فلان روز پدر

بزرگت برای نبرد با مسلمانان سپاهی روانه خواهد نمود، و خود به دنبال آن‌ها خواهد رفت تو بایستی در شکل و لباس خدمه به صورت ناشناس به همراه گروهی از کنیزان از فلان راه خود را به آنان برسانی.

روز موعود فرار سید، طبق فرموده مولایم به صورت ناشناس از همان مسیر حرکت کردم و به پیشقراولان سپاه اسلام برخورد نمودیم همچنان که می بینی کار من به اینجا کشید، و کسی از آن‌ها نفهمید که من دختر پادشاه روم هستم، اکنون تو تنها کسی هستی که از راز من آگاهی.

سرانجام من اسیر شدم و در سهم غنیمت پیرمردی قرار گرفتم، او از اسمم پرسید، من از ابراز آن خود داری نموده و گفتم: نرجس هستم.

او گفت: این اسم غالباً از اسامی کنیزان است.

بشر بن سلیمان گوید: وقتی سرگذشت آن بانو به اینجا رسید عرض کردم: جای بسی شگفتی است که شما رومی هستید و به زبان عربی تکلم می‌نمایید!

فرمود: آری، پدر بزرگم در تربیت من تلاش فراوان می‌نمود و سعی داشت که من آداب بزرگان را بیاموزم؛ به همین جهت زنی را که آشنا به زبان عربی بود برای تعلیم من معین نمود، او هر بامداد و شامگاه نزد من می‌آمد و من از او زبان عربی می‌آموختم تا این که با

تمرین زیادی به خوبی آن را آموختم.

بشر گوید: آنگاه او را به سامرا منتقل نمودم، وقتی خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم حضرت رو به او کرد و فرمود: [ای ملیکه!] چگونه خداوند عزت اسلام، خواری نصرانیت و شرف محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را به تو نشان داد؟

عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! چگونه توصیف نمایم چیزی را که شما به آن از من آگاه ترید؟

امام علیه السلام فرمود: من می خواهم به شایستگی مقامت با تو رفتار کنم، یکی از این دو امر را انتخاب کن: آیا دوست داری ده هزار دینار به تو دهم؛ یا بشارت شرافت ابدی؟

عرض کرد: به من مژده فرزندی عنایت فرماید.

امام علیه السلام فرمود: به تو مژده فرزندی می دهم که شرق و غرب دنیا را تسخیر خواهد کرد و زمین را - آنگاه که از ظلم و جور انباشته شده - از عدل و داد پر خواهد نمود.

عرض کرد: از چه کسی این فرزند متولد خواهد شد؟

فرمود: از همان شخصی که پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در فلان شب و فلان ماه و فلان سال، در سرزمین روم تو را به عقد او در آورد. آن شب حضرت مسیح علیه السلام و وصی او شمعون، تو را به چه کسی تزویج نمودند؟

عرض کرد: به فرزند شما، ابا محمد حسن بن علی علیه السلام.

فرمود: آیا او را می شناسی؟

عرض کرد: از آن شبی که به دست سرور بانوان، فاطمه زهرا عليها السلام مسلمان شدم، شبی نبوده که او را ملاقات نکرده باشم.

سپس مولایمان امام هادی عليه السلام رو به خادم خود کرد و فرمود: ای کافور! به خواهرم حکیمه بگو نزد ما بیاید.

کافور پیام آن حضرت را به خواهر گرامش رساند، وقتی آن بانو به خدمت امام عليه السلام شرفیاب شد، حضرت فرمود: این همان زنی است که گفته بودم.

حکیمه خاتون به سوی او شتافت، او را در آغوش کشید و بسیار با او راز گفت.

آنگاه امام هادی عليه السلام فرمود: ای دختر رسول خدا! او را به خانه خود ببر و واجبات دینی و آداب آن را به او بیاموز که او همسر ابا محمد حسن عسکری و مادر قائم آل محمد عليه السلام است.^(۱)

و بدین وسیله در عالم معنا حضرت زهرا عليها السلام عروس خود را از یک نژاد بزرگ برمی گزیند تا از او فرزندی متولد شود که شرق و غرب جهان را از عدل و دادگری سبز و خرم نماید و مادرش به شرافت همیشگی نایل آید.

نکات زیادی از این داستان دلنشین قابل تأمل و اندیشه است که هر منتظر اندیشمند را با روزنه هایی از نور آشنا ساخته و برای رسیدن به کمال انسانی در راه فرزند آن مادر شریف قرار می دهد،

۱ - کمال الدین: ج ۲ ص ۳۸۴ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۶ ح ۱۲.

تا با اندیشه در دوران شکوهمند ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای رسیدن آن به تلاش و تکاپو بیفتد.

بدیهی است که خود این داستان و انتخاب چنین مادر شریف و بزرگواری اسراری دارد و جای هیچ‌گونه شگفتی نیست که مادر بزرگوار آن عدالت‌گستر جهان، از فرزندان شمعون وصی حضرت عیسی علیه السلام باشد، چرا که او خود مقتدا و پیشوای حضرت عیسی علیه السلام است.

در زیارت حضرتش می‌خوانیم:

السلام عليك يا إمام المسيح ^(۱).

سلام بر شما ای رهبر مسیح!

و شاید به میمنت و مبارکی همین ازدواج مبارک است آنگاه که بخواهد فرزندش ظهور نماید، بسیاری از جمعیت کره زمین که از آن مسیحیان است و آنان طبق پیشگویی‌های کتاب مقدس خویش منتظر بازگشت - یا ظهور - حضرت مسیح علیه السلام هستند، وقتی حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمده و به خدمت حضرت مهدی علیه السلام آید همه مسیحیان با دیدن این منظره به سپاه یوسف زهرا علیها السلام ملحق خواهند شد.

امیر مؤمنان، همسر و همتای سرور بانوان، علی علیه السلام در سخنی زیبا از این اسرار الهی چنین راز‌گشایی می‌فرماید:

۱ - المجموع الرائق: ج ۱ ص ۴۵۲، به نقل از صحیفه مهدیه: ص ۸۶.

آنگاه مهدی عليه السلام به بیت المقدس باز می‌گردد و چند روزی با مردم نماز می‌خواند، روز جمعه فرا می‌رسد و نماز برپا می‌گردد. در این هنگام، عیسی بن مریم عليه السلام از آسمان فرود می‌آید... او مردی زیبا، خوش اندام و شبیه‌ترین مردم به حضرت ابراهیم عليه السلام است، به سوی مهدی عليه السلام می‌آید و با او مصافحه می‌کند و به او نوید پیروزی می‌دهد.

آن وقت حضرت مهدی عليه السلام به او می‌فرماید: ای روح الله! جلو بایست و با مردم نماز بخوان.

حضرت عیسی عليه السلام می‌گوید: ای فرزند پیامبر! نماز برای تو برپا شده است.

در این هنگام، حضرت عیسی عليه السلام اذان می‌گوید و پشت سر حضرت مهدی عليه السلام نماز می‌خواند. (۱)

البته این داستان اسرار دیگری نیز دارد که إن شاء الله در زمان ظهور فرزندش بیشتر آشکار خواهد شد.

اینک به امید فرارسیدن آن روزگار شکوهمند به بخش دیگری از فضایل حضرت مهدی عليه السلام که برگرفته از کلام کوثر ولایت، مادر امامت، حضرت زهرا عليها السلام است، می‌پردازیم.

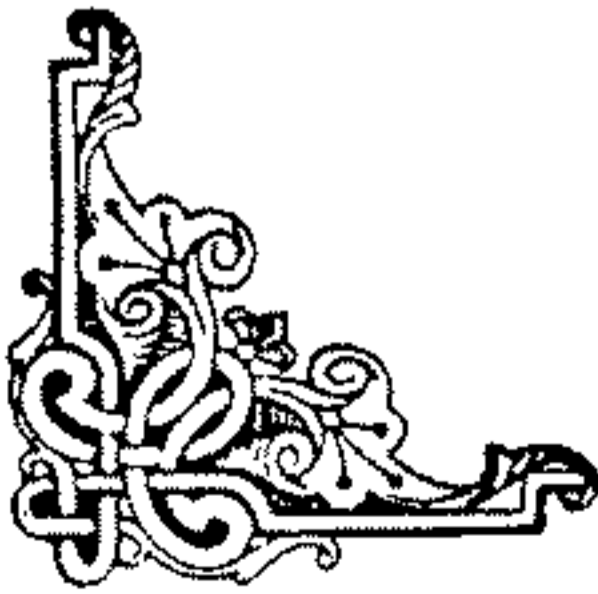
۱ - الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۰۳، به نقل از جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور: ص ۱۹۴ و ۱۹۵.



بخش ۳

ارمغان رحمت در حدیث کوی نور

ارمغان رحمت در حدیث لوح
هدایتگران رحمت در حدیث نور



ارمغان رحمت در حدیث لوح

علم و دانش آنان از دانش بی انتها و بی کران الهی سرچشمه گرفته، آنان خزانه داران و حافظان دانش بی پایان الهی هستند. در این میان، آن حبیبۀ خدا نیز پا در این مسابقۀ الهی گذاشته و با فرشتگان الهی هم سخن گشته و پرده از اسرار الهی برداشته است. آنجا که خطاب به همسر و همتای یگانه خویش امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

... یا أبا الحسن! ... وأنا أعلم ما كان وما يكون وما لم يكن... (۱)

... ای ابو الحسن! ... من آنچه را که بوده و آنچه هست و آنچه هنوز نیامده، می دانم ...

او نه تنها حجّت خداست، بلکه حجّت امامان معصوم علیهم السلام نیز هست، چه زیبا سروده:

| | |
|--------------------------|---------------------------|
| ای محمد زنده از لبخند تو | ای فدای یازده فرزند تو |
| تو قیامت را قیامت می کنی | بر امامان هم امامت می کنی |

۱ - بحار الأنوار: ج ۴۳ ص ۸ ح ۱۱.

او محدّثه، صدّیقه، طاهره و راز دار اسرار الهی است، او دارای صحیفه و جامعه‌ای است که همینک در نزد فرزندش حضرت مهدی علیه السلام است.

لوحی که بنام آن بانوی بزرگوار است از جانب خداوند متعال به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هدیه شده، او نیز به دختر گرامش که حجّت خداست بخشیده است.

در این لوح آسمانی مطالب حیاتی بشریّت بیان شده و با بیانی ژرف از آخرین فرزندش حضرت مهدی علیه السلام و زمان او سخن به میان آمده است که اینک از نظر منتظران آن حضرت می‌گذرد.

پیشوای ششم، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

پدر بزرگوارم، امام باقر علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من با تو کاری دارم چه وقت مناسب است که تو را در مکان خلوتی ببینم و از تو پرسش نمایم؟
جابر گفت: هر وقت که می‌خواهید.

روزی در خلوت، امام باقر علیه السلام به او فرمود: ای جابر! درباره آن لوحی که در دست مادرم فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدی و آنچه که مادرم به تو خبر داده و در آن نوشته بود، به من خبر ده!
جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم، زمان زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. روزی به حضور حضرت زهرا علیها السلام شرفیاب شدم تا تولّد حسین علیه السلام را به آن حضرت تبریک و تهنیت گویم، وقتی وارد

شدم در دست آن بانوی بزرگوار لوحی سبز رنگ دیدم، چنین پنداشتم که زمرد است، با خطی سفید، مانند نور خورشید روی آن نوشته شده بود، عرض کردم: پدر و مادرم فدایت باد! ای دختر رسول خدا! این لوح چیست؟

فرمود: این لوحی است که خداوند متعال به پیامبرش هدیه کرده. در آن، نام پدر بزرگوار، نام همسر و فرزندان و جانشینان از فرزندانم نوشته شده که پدرم به خاطر خشنودی من، آن را به من بخشیده است.

جابر گوید: آنگاه آن بانوی عصمت، آن لوح را به من داد. من آن را خوانده از روی آن نسخه برداری کردم.

امام باقر علیه السلام فرمود: آیا می‌توانی آن نسخه را به من نشان دهی؟ گفت: آری.

امام باقر علیه السلام به همراه جابر به خانه‌اش رفت. جابر صحیفه‌ای از پوست را بیرون آورد، گفت: خدا را گواه می‌گیرم که به همین‌گونه در آن لوح نوشته شده، دیدم:

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا كتاب من الله العزيز الحكيم العليم، لمحمد نوره و سفيره و حجاب و دليله، نزل به الروح الامين من عند رب العالمين. عظم يا محمد! اسمائي، واشكر نعمائي، ولا تجحد آلائي. اني انا الله لا اله الا انا، قاصم الجبارين، ومذل الظالمين، وديان الدين.

إني أنا الله لا إله إلا أنا، فمن رجا غير فضلي، أو خاف غير عدلي عذّبه عذاباً لا أُعذّبه أحداً من العالمين، فأياي فاعبد وعلّي فتوكّل .

إني لم أبعث نبياً، فأكملت أيامه، وانقضت مدّته إلا جعلت له وصياً، وإني فضّلتك على الأنبياء، وفضّلت وصيّك على الأوصياء، وأكرمتك بشبليك بعده، وبسبّطيك حسن وحسين؛ فجعلت حسناً معدن علمي بعد انقضاء مدّة أبيه .

وجعلت حسيناً خازن وحيي، وأكرمته بالشهادة، وختمت له بالسعادة، فهو أفضل من استشهد، وأرفع الشهداء درجة، جعلت كلمتي التامة معه، والحجّة البالغة عنده، بعترته أثيب وأعاقب .

أولهم: عليّ سيّد العابدين وزين أولياء الماضين .

وابنه شبيه جدّه المحمود محمّد الباقر لعليّ، والمعدن لحكمي .

سيهلك المرتابون في جعفر، الرادّ عليه كالرادّ عليّ، حقّ القول منّي لأكرم من مثوى جعفر، ولأسرّته في أشياعه وأنصاره وأوليائه. انتجبت بعده موسى، وانتجبت بعده فتنة عمياء حندس، لأنّ خيط فرضي لا ينقطع، وحجّتي لا تخفى، وأنّ أوليائي لا يشقون؛ ألا ومن جحد واحداً منهم، فقد جحد نعمتي، ومن غير آية من كتابي، فقد افتري عليّ .

وويل للمفترين الجاحدين عند انقضاء مدّة عبدي موسى
وحبيبي وخيرتي .

إنّ المكذّب بالثامن مكذّب بكلّ أوليائي، وعليّ وليّي
وناصري، ومن أضع عليه أعباء النبوة، وأمنحه بالاضطلاع
بها، يقتله عفريت مستكبر، يدفن بالمدينة التي بناها العبد
الصالح إلى جنب شرّ خلقي .

حقّ القول منّي لأقرنّ عينه بمحمّد ابنه، وخليفته من بعده، فهو
وارث علمي، ومعدن حكمتي، وموضع سرّي، وحجّتي على
خلقي، جعلت الجنة مثواه، وشفّعتة في سبعين ألفاً من أهل بيته
كلّهم قد استوجبوا النار .

واختم بالسعادة لابنه عليّ وليّي وناصري، والشاهد في خلقي
وأمني عليّ وحبي .

أخرج منه الداعي إلى سبيلي، والخازن لعلمي الحسن .
ثمّ أكمل ذلك بابنه رحمة للعالمين، عليه كمال موسى، وبهاء
عيسى، وصبر أيّوب، سيدلّ أوليائي في زمانه، ويستهادون
رؤوسهم كما تتهادى رؤوس الترك والديلم، فيقتلون ويحرقون
ويكونون خائفين مرعوبين وجلين، تصبغ الأرض بدمائهم،
ويفشو الويل والرنين في نساءهم .

أولئك أوليائي حقّاً، بهم أَدفع كلّ فتنة عمياء حندس، وبهم
أُكشف الزلازل، وأدفع الآصار والأغلال، أولئك عليهم

صلوات من ربّهم ورحمة، وأولئك هم المهتدون.

قال عبدالرحمان بن سالم: قال أبو بصير: لو لم تسمع في دهرك
إلا هذا الحديث لكفاك، فصنه إلا عن أهله. (۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان.

این نوشته‌ای است از سوی خداوند عزیز، حکیم و دانا برای محمد،
نور، فرستاده، نماینده و راهنمای خویش که فرشته وحی آن را از
سوی پروردگار جهانیان آورده است.

ای محمد! نام‌های مرا بزرگ شمار، نعمت‌هایم را سپاس‌گزار و
الطاف و بخشش‌هایم را منکر مباش!

همانا من خدایم، هیچ معبودی جز من نیست، در هم شکننده
زورگویان، خوارکننده ستمکاران و پاداش‌دهنده روز جزایم.

همانا من خدایم، هیچ معبودی جز من نیست، هر کس بجز از
فضل من امیدوار باشد، یا از غیر عدالت من بهراسد او را چنان
عذاب کنم که هیچ یک از جهانیان را بدان گونه عذاب نکرده باشم؛

بنابر این، تنها مرا پرستش کن و فقط بر من توکل نما!

من هیچ پیامبری را بر نیانگیختم که دوران‌ش پایان یافته و مدت
مأموریتش سپری نشده باشد مگر این که برای او وصی و جانشینی

قرار دادم.

۱- کمال الدین: ج ۲ ص ۲۹۰ ح ۱، عیون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۱ ص ۳۴ ح
۲، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۱۹۵.

من تو را بر پیامبران برتری داده و وصی و جانشین تو را بر اوصیا و جانشینان برتری دادم و پس از او به وسیله دو نوه و دو سبط تو: حسن و حسین تو را گرامی داشته و برتری دادم، پس از سپری شدن دوران پدرش، حسن را معدن علم خود قرار دادم.

و حسین را نگهبان گنجینه وحی قرار دادم، او را به شهادت گرامی داشته فرجام کارش را به سعادت پایان دادم، او برترین شهدا و از همه شهیدان درجه اش برتر است، کلمه تامه خودم را با او قرار دادم و حجّت بالغه خودم را بدو سپردم، پاداش و کیفرم را به وسیله خاندان او انجام می‌دهم.

نخستین شخص از خاندان او، علی، سرور عابدان و زیور اولیای گذشته من است.

و پسرش شبیه جدّ پسندیده اش محمد^(۱) که شکافنده علم من و معدن حکمت من است.

ناباوران و تردیدکنندگان در مورد جعفر نابود می‌شوند، کسی که او را نپذیرفته و رد نماید در واقع همانند کسی است که مرا رد کرده است. این گفتار حقیقی و راستین من است که جایگاه جعفر را گرامی خواهم داشت، و یقیناً من او را در مورد دوستان، پیروان و یارانش خشنود خواهم ساخت.

پس از او، موسی را برگزیدم، او را در شرایطی برگزیدم که آشوبی

۱ - در کمال الدین آمده: همانام جدّ پسندیده اش.

کورکننده و تاریک جهان را فرا می‌گیرد، زیرا که رشتهٔ سنت
واجبم هرگز بریده نگشته و حجّتم پوشیده نخواهد ماند و دوستانم
هرگز به زحمت نخواهند افتاد.

آگاه باش! هر کس یکی از اینان را انکار کند، مانند کسی است که
نعمتم را انکار کرده است و کسی که یک آیه از کتابم را تغییر دهد،
بر من تهمت و افترا بسته است.

وای بر افترازنندگان منکر به هنگام سپری شدن دوران بندهام موسی
که دوست و برگزیدهٔ من است کسی که هشتمین نفر از آنان را
تکذیب نماید در واقع همهٔ اولیای مرا تکذیب کرده، که علی، ولی و
ناصر من است، کسی که زحمت‌های رسالت بر دوش او گذارده شده
و او را با تحمّل بار سنگین آن آزموده‌ام. او را دیو و عفریتی
خودخواه و متکبر خواهد کُشت و در شهری که ذوالقرنین، بندهٔ
شایسته آن را ساخته، در کنار بدترین آفریدگانم دفن خواهد شد.
این گفتار حقیقی من است که دیدگانش را به محمّد پسرش و
جانشین پس از او، روشن خواهم ساخت. او وارث علم و دانش
من، معدن حکمت من، جایگاه راز نهانی من و حجّت من بر
آفریدگانم است. بهشت را جایگاهش قرار داده و شفاعت او را در
بارهٔ هفتاد هزار نفر از افراد خانواده‌اش که همگی سزاوار آتش
جهنّم باشند، می‌پذیرم.

و سرانجام سعادت و نیک بختی را بر پسرش علی که ولی و ناصر

من و گواه من در میان آفریدگانم و امین بر وحی من است در دوران
او پایان می‌پذیرم.

و از او، حسن را بیرون می‌آورم که دعوت‌کننده به راه من و نگهبان
دانش من است.

آنگاه این دوران را با پسرش که رحمت برای جهانیان است به کمال
می‌رسانم، او دارای کمال موسی، جمال و سیمای عیسی و صبر و
شکیبایی ایوب است.

به زودی در دوران غیبت او، دوستانم خوار شده و سرهایشان
همانند سرهای ترک و دیلم به هدیه فرستاده شود، آنان کشته
می‌شوند و به آتش زده می‌شوند و همواره در حال ترس و رعب و
هراسناکند، زمین از خونشان رنگین و فریاد و آه و ناله در بین
همسرانشان گسترش یابد.

آنان (امامان علیهم‌السلام) دوستان راستین من هستند به وسیلهٔ آنان، هر
گونه آشوب کور و تیره را دفع می‌کنم و زلزله‌ها را به وسیلهٔ آنان
برطرف سازم و سختی‌ها و زنجیرها را توسط آنان برمی‌دارم، آنان
کسانی هستند که درود و رحمت پروردگارشان شامل حال آن‌ها و
آنان همان‌ره یافتگانند.

عبدالرحمان بن سالم گوید: ابو بصیر پس از نقل این حدیث
زیبا گفت: (ای عبدالرحمان!) اگر در همهٔ زندگی و عمر خویش
جز این حدیث، نشنیده باشی، همین حدیث برای تو کافی است،

پس (این سرّ الهی است) آن را از غیر اهلش مخفی دار. به راستی که شگفت‌انگیز است، قلم از بیان این حدیثی که بایستی با آب طلا نوشته شود از حرکت ناتوان است و فکر و اندیشه حیران، که ابو بصیر، آن صحابی باوفای اهل بیت علیهم‌السلام با کلامی دلنشین هر خواننده و شنونده را از ارزش آن آگاه ساخته است.

از طرفی، همین حدیث برای برتری مقام و منزلت حضرت زهرا علیها‌السلام کافی است، حدیثی که با عبارات رسا و با بیانی شیوا سیر و حرکت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را پس از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با سرفصل‌های زیبا برای بشریت معرفی نموده و راه کمال انسانی را رهنمون شده است.

آری، این سرّ الهی است، سرّی که در محضر رازدار رسالت و امامت، کوثر ولایت، حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام به ودیعت گذاشته شد و بجز اهلش نباید کسی از آن آگاه گردد.

به راستی ای خاندان عصمت و طهارت! بایستی بشریت خاضعانه در برابر اوج کمال شما سر تعظیم فرود آورد و عاجزانه اعتراف کند که جایگاه اصلی شما و منزلت و مقام والای شما در دوران شکوهمند آخرین حجّت الهی حضرت مهدی علیه‌السلام که با دست با کفایت یداللهی خویش عقول و خردهای جوامع بشری را به کمال می‌رساند، روشن‌تر خواهد شد.

ارمغان رحمت در حدیث لوح..... ۱۰۳

کلمه کلمه این حدیث شریف دارای اسرار الهی است که بایستی اندیشمندان و دانشمندان مخلص از پیروان اهل بیت علیهم السلام در آنها بیندیشند و از ذات اقدس الهی و ساحت پاک معصومین علیهم السلام درخواست نمایند تا راهی برای فهم بیشتر آنها بیابند.

اینک شما ای منتظران عزیز که به نص صریح امام سجاد علیه السلام برترین افراد هر زمان هستید - آنجا که می فرماید:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ، وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ
أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ، لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنْ
الْعُقُولِ وَالْإِفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ
الْمَشَاهِدَةِ.. (۱)

به راستی که مردمان زمان غیبت او که به امامت او معتقدند و منتظر ظهور او هستند؛ برترین مردمان اهل هر زمانی هستند، زیرا خدای متعال آنقدر به آنان عقل و فهم و شناخت عنایت فرموده که غیبت در پیش آنان همچون مشاهده است... -

با آن دید الهی به فرازهای زیبای این لوح آسمانی بنگرید و در مورد آن بیندیشید، ببینید چگونه دوران‌های امامان معصوم علیهم السلام را به تصویر کشیده است؟

بیاییم به فرازی که در رابطه با مولای غریبان حضرت

مهدی علیه السلام است، با جان و دل بیندیشیم.

چگونه سیرت و صورت آن منادی الهی را توصیف می‌نماید؟
چگونه او را با بهترین تمجیدی که جدّش را با آن تمجید نموده
ترسیم می‌نماید که «او رحمت برای جهانیان است»، همچنان که
جدّ بزرگوارش رحمت برای جهانیان بود؟

می‌خواهد بگوید: ای مردم دنیا! اینک که شما به دنبال محبت و
رحمت هستید، بدانید خداوند، همان رحمت را برای امروز شما
نیز ذخیره کرده است.

گویی با این اشاره، نقشه همه قلم‌ها و بیابان‌هایی را که در مقام
شناخت آن ارمغان رحمت، کشیده بودند و او را با شمشیر توصیف
کرده و مردم را از آمدنش می‌ترسانیدند تا خود باشند و دوران
غیبت او به درازا بکشد؛ همه را نقش بر آب می‌کند و می‌فرماید:
«او رحمت برای جهانیان است».

او آرام‌بخش دل ستم‌دیدگان و مِهْرِ فروزان، بر دل مهرورزان
است. نگاه مهر گستر و دست‌های پر عاطفه او ساحل امید
امیدواران است.

آنگاه تصویر دیگری از آن یوسف زهرا علیها السلام برای انسان‌هایی که
عاشق دیدار او هستند می‌کشد و می‌فرماید:

«او دارای کمال موسی، جمال و سیمای عیسی و چهره شکیبای
ایوب است».

و با این سخن، موسویان، عیسویان و پیروان انبیای الهی را

شیفته و واله سیمای او می نماید و در زیر پرچم عدالت گستر او می فرستد.

کوتاه سخن این که: هرگاه دوران شکوه مندی فرارسد و چشم ما به جمال دلربایش روشن گردد خواهیم فهمید که گل نرگس علیه السلام کیست؟

و ما منتظران، در حق او، چقدر کوتاهی کرده ایم که برای رسیدن به دورانش آن گونه که باید تلاش نکرده و تکاپو ننموده ایم و ...

و آنگاه که به زوایای زمان غیبتش می نگرد؛ دوستان او را با آن همه سختی ها، بلاها و نابسامانی ها معرفی می نماید.

و آنگاه خداوند متعال دوستان راستین خود را با آن اوصاف والا می ستاید و به گوشه ای از نیروی الهی آنان اشاره کرده و با رحمت و درود پروردگارشان، هدایتشان را امضا می فرماید.

این حدیث، به لوح حضرت زهرا علیها السلام معروف و مشهور است^(۱) و این آیه گوارای رحمت، تنها از حوض کوثر ولایت حضرت

۱ - پر واضح است که این حدیث آسمانی، با اسنادی متفاوت و با عباراتی نظیر هم در کتاب های دانشمندان اسلامی نقل گردیده. علامه مجلسی رحمته الله در کتاب نفیس «بحار الأنوار» عنوان مستقلی برای آن، تحت عنوان «خبر لوح» باز نموده و نقل های متفاوت آن را بیان فرموده است. رجوع شود به: بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۱۹۲، الكوثر فی أحوال فاطمة بنت النبی الأطهر علیها السلام: ج ۴ ص ۲۸۳ - ۳۰۰.

زهراء علیها السلام می جوشد که: ای منتظران دولت الزهراء علیها السلام! این فضیلت و برتری و این شربت شیرین کوثری، گوارای وجودتان باد!
اینک در راستای همین موضوع، عنوان دیگری را بر منتظران عصر طلایی ظهور و پویندگان راه نور، تقدیم می نماییم.

هدایتگران نور در حدیث نور

سیر حرکت هر پژوهنده کمال، طبق فرمایش مولا و راهنمای طریق آن، یا گوهر عقل و اندیشه است یا پذیرش از اولیای خدا. این دو عامل حیاتی، بهترین رهنمون برای درک و دریافت واقعیتها و اسرار نهان هستی است.

با کمی تأمل و اندیشه هر جستجوگر حقی می یابد که حیاتی ترین مسأله مهم جوامع بشری همان پیشوا و امام هدایتگر الهی است.

به راستی که اگر در همان روز انتقال رسالت به امامت، رشد فکری آن جامعه تازه از جاهلیت برگشته، درست کار می کرد و دست سقیفه سازان را می بست و زیر پرچم امیرمؤمنان علی علیه السلام جانشین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار می گرفت؛ امروز جوامع بشری قرون متمادی متحمل این همه سختی ها، ناملايمات، نابسامانیها و... نمی شد.

ولی چه می توان کرد که تقدیر الهی به گونه ای دیگر رقم خورد.

اکنون این اصل مسلم و این مسأله حیاتی را از محور آفرینش حضرت زهرا علیها السلام جویا می شویم.

سهل بن انصاری گوید: از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره امامان پرسیدم.

آن بانوی بزرگوار در پاسخ من فرمود:

كان رسول الله صلی الله علیه و آله يقول لعلي عليه السلام:

يا علي! أنت الإمام والخليفة بعدي، وأنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

فإذا مضيت فابنك الحسن عليه السلام أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

فإذا مضى الحسن عليه السلام، فالحسين عليه السلام أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

فإذا مضى الحسين عليه السلام، فابنه علي بن الحسين عليه السلام أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

فإذا مضى علي عليه السلام فابنه محمد عليه السلام أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

فإذا مضى محمد عليه السلام، فابنه جعفر عليه السلام أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

فإذا مضى جعفر عليه السلام، فابنه موسى عليه السلام أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

فإذا مضى موسى عليه السلام، فابنه علي عليه السلام أولى بالمؤمنين من أنفسهم.

فَإِذَا مَضَىٰ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ ، فَابْنَهُ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ .

فَإِذَا مَضَىٰ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَابْنَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ .

فَإِذَا مَضَىٰ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ ، فَابْنَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ .

فَإِذَا مَضَىٰ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ؛

يَفْتَحُ اللَّهُ بِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا ، فَهِيَ أُمَّةُ الْحَقِّ وَالسَّنَةِ الصَّادِقِ ، مَنْصُورٍ مِنْ نَصْرِهِمْ ، مَخْذُولٍ مِنْ خِذْلِهِمْ .^(۱)

رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام می فرمود :

یا علی ! تو امام و خلیفه پس از من خواهی بود و تو نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر بوده و بر آنان مقدم هستی ؛
پس از درگذشت تو ، پسر حسن علیه السلام ؛ نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

پس از حسن علیه السلام ، حسین علیه السلام ؛ نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

پس از حسین علیه السلام ، پسرش علی بن الحسین علیه السلام نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

پس از علی علیه السلام ، پسرش محمد علیه السلام نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

پس از محمد علیه السلام پسرش جعفر علیه السلام نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

پس از جعفر علیه السلام ، پسرش موسی علیه السلام نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

پس از موسی علیه السلام ، پسرش علی علیه السلام نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

پس از علی علیه السلام ، پسرش محمد علیه السلام نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

پس از محمد علیه السلام ، پسرش علی علیه السلام نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

پس از علی علیه السلام ، پسرش حسن علیه السلام نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است .

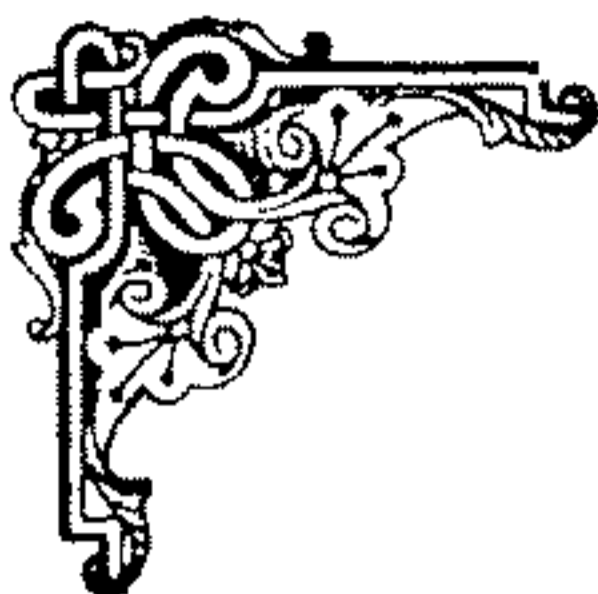
و پس از حسن علیه السلام ، قائم مهدی علیه السلام نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است . او کسی است که خداوند شرق و غرب زمین را به دست او می‌گشاید .

آنان امامان برحق و زبان‌های راستگویند . هر کس آنان را یاری نماید ، یاری می‌شود و هر کس تنهایشان گذارد ، خوار می‌گردد .

در این حدیث نورانی نیز خصوصیت ویژه‌ای برای حضرت

مهدی علیه السلام قایل شده و منتظران زمان او را به این واقعیت
تخلّف ناپذیر الهی متوجّه ساخته‌اند و با یک نیروی خاری العاده
بشری فتح و پیروزی او را به جهانیان گوشزد نموده‌اند.

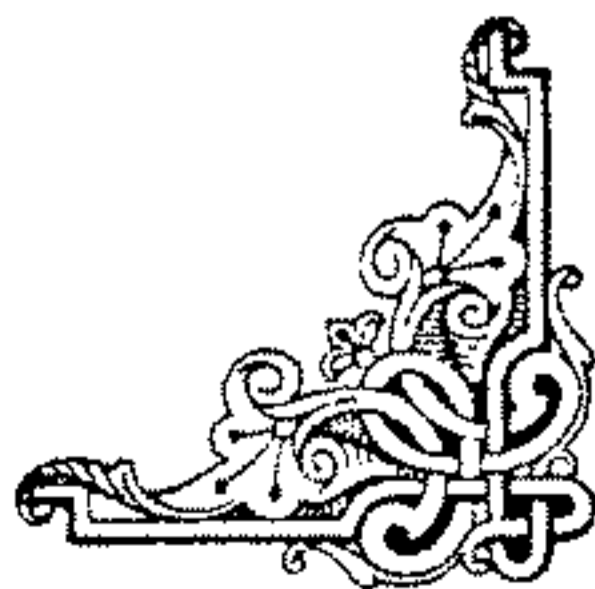
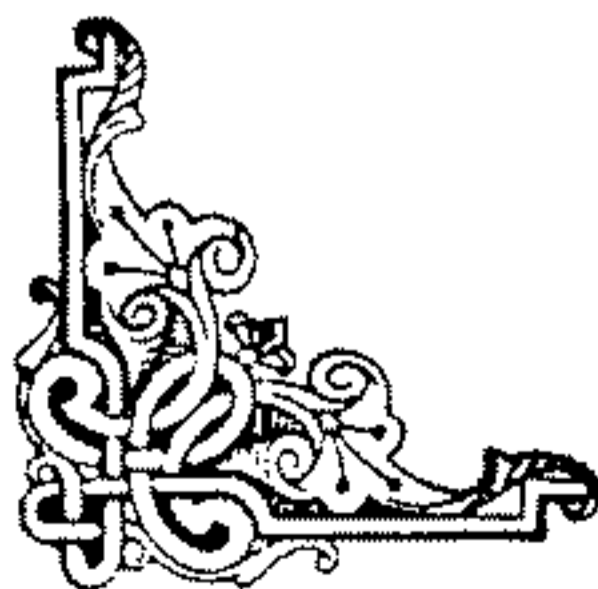
این نیز درسی دیگر از آن بانویی است که فرزندش حضرت
مهدی علیه السلام او را به عنوان الگو برای خویش برگزیده و بدین وسیله
یاران و منتظران خویش را متوجّه سرچشمه حیات نموده است.



بخش ۴

ارمغان رحمت، در اوج غروب

کوثر ولایت و مژده مبارک
مژده نور در اوج تنهایی
سخن از یار در محفل انس
گریه فراق و دلداری کوثر
شادی در حزن



اینک به شکرانهٔ این توفیق الهی در سیر راه معنوی و شناخت چهارده نور پاک علیهم‌السلام، با گام‌های معنوی به آخرین بخش و حساس‌ترین دوران به ظاهر کوتاه بانوی بزرگوار حضرت زهرا علیها‌السلام برمی‌گردیم، گرچه زمان و مکان رادر حوزهٔ دانش، فضایل و مصایب آنان راهی نیست، چرا که آنان نورند و نور را محدودیتی نیست؛

و با دیدی معنوی، آن دوران غمبار را زیر نظر گرفته و به جهت فراگرفتن سرمشق زندگی با دقت به بررسی زوایای آن می‌پردازیم، که ان‌شاء الله با عنایات خاصهٔ این دو بزرگوار توشه‌ای برای سیر کمالی خویش برداشته و از نزدیک شاهد دوران شکوفایی گل‌های شناخت و معرفت باشیم.

کوثر ولایت و مژدهٔ مبارک

همهٔ امامان معصوم علیهم‌السلام به وجود مادرشان حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام افتخار می‌کنند، حتی خود حضرت مهدی علیه‌السلام با تأسی به مادر عزیزش دوران غیبت را پشت سر می‌گذارد و این همان نور در نور است که: «کلهم نور واحد».

ولی مقام و عظمت حضرت مهدی علیه‌السلام چنان رقم خورده که با

مژده نام او، دل حبیبه خدا فاطمه زهرا علیها السلام آرام می‌گیرد، آنگاه که به او مژده داده می‌شود که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان توست. بدیهی است که در این رابطه، روایات زیادی داریم که حاکی از آن است که منجی عالم بشریت و یگانه آرزوی اولیای خدا حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام است. در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم که می‌فرماید:

المهدي عليه السلام رجل منا من ولد فاطمة عليها السلام. (۱)

مهدی علیه السلام شخصی از ما خاندان و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

در حدیث دیگری از امّ سلمه می‌خوانیم که می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

المهدي عليه السلام من عترتي من ولد فاطمه عليها السلام. (۲)

مهدی علیه السلام از خاندان من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

آنچه دل هر انسان منتظر را صفا می‌دهد و در دوران غیبت به مباحثات و امید دارد که به خود افتخار کند که در زمان آقا و مولایی زندگی می‌کند؛ این که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وجود نازنین او را به دختر گرامی خویش حضرت زهرا علیها السلام مژده می‌دهد. آنجا که امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

۱ - الكوثر في أحوال فاطمة عليها السلام بنت النبي الأطهر صلی الله علیه و آله: ج ۷ ص ۳۳۱، کتوز

العمّال: ج ۱۴ ص ۵۹۱ ح ۳۹۶۷۵.

۲ - فضائل الخمسة: ج ۳ ص ۳۳۱.

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِبْشِرِي يَا فَاطِمَةُ ! فَإِنَّ

المهدي ﷺ منك. (۱)

رسول خدا ﷺ به فاطمه علیها السلام فرمود: مژده باد تو را یا فاطمه! که همانا مهدی ﷺ از توست.

آری، او شخصیتی است که باید به وجود او مژده داد و جهانیان را با مژده ظهور و قدومش مسرور نمود. سخن از او، سخن از عشق است و صفا، مهر است و وفا، دل با یاد او آرام می‌گیرد و چهره با یاد او شاد است و خندان.

معاویة بن عمّار گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

خرج النبي ﷺ ذات يوم وهو مستبشر يضحك سروراً.

فقال له الناس: أضحك الله سنك يا رسول الله! وزادك سروراً.

فقال رسول الله ﷺ: إنه ليس يوم ولا ليلة إلا ولي فيها تحفة من الله.

ألا وإن ربّي أتحنني في يومي هذا بتحفة لم يتحنني بمثلها فيما مضى:

إنّ جبرئيل ﷺ أتاني فأقرّاني من ربّي السلام، وقال:

يا محمّد! إنّ الله جلّ وعزّ اختار من بني هاشم سبعة، لم يخلق

۱- كنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۰۵ ح ۳۴۲۰۹؛ وج ۱۴ ص ۵۸۴؛ الكوثر في أحوال فاطمة علیها السلام بنت النبي الأطهر ﷺ: ج ۷ ص ۳۳۱ ح ۳۹۶۵۳؛ فضائل الخمسة: ج ۳ ص ۳۳۱.

مثلهم فیمن مضى ولا یخلق مثلهم فیمن بقى :

أنت یا رسول الله ! سیّد النبیین ؛

وعلى بن أبى طالب وصیك سیّد الوصیین ؛

والحسن والحسین سبطاك سیّد الأسباط ؛

وحمزة عمّك سیّد الشهداء ؛

وجعفر، ابن عمّك الطیّار فی الجنّة یطیر مع الملائكة حیث یشاء؛

ومنكم القائم الذی یصلّی عیسی بن مریم علیها السلام خلفه ، إذا أهبطه

الله إلى الأرض من ذریّة علی وفاطمة ومن ولد

الحسین علیه السلام . (۱)

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله شاد و خندان بیرون آمد ، مردم گفتند : ای رسول

خدا! خداوند شما را شادمان گرداند و بر شادیتان بیفزاید ، علت

شادی شما چیست ؟

فرمود : شب و روزی نیست که خداوند متعال برای من ارمغانی

می فرستد ، همین امروز خداوند ارمغانی برای من فرستاد که تا کنون

هیچ ارمغانی مانند آن به من عطا ننموده بود : جبرئیل نزد من آمد و

سلام پروردگارم را به من رساند و گفت :

ای محمّد ! خداوند متعال از میان بنی هاشم هفت تن را برگزیده که

همانند آنها را نه در گذشته آفریده و نه در آینده خواهد آفرید :

ای رسول خدا! تو سرور پیامبران هستی ؛

علی بن ابی طالب علیه السلام وصی و جانشین تو سرور اوصیاست .

حسن و حسین علیهما السلام دو سبط و دو نواده تو، سروران اسباط و نوادگان انبیا هستند .

حمزه ، عموی تو سرور شهیدان است .

جعفر ، پسر عموی تو در بهشت با دو بال به هر جا که خواهد با فرشتگان پرواز می کند .

و از شما خاندان است قائم علیه السلام ، شخصیتی که حضرت عیسی بن مریم علیها السلام آن هنگام که خداوند او را بر زمین فرود آورد پشت سر او نماز می خواند . او از نسل علی و فاطمه علیهما السلام و از فرزندان حسین علیه السلام است .

آری ، وجود و هستی او ، قیام و ظهور او ، مهر و رحمت او ، خیر و برکت او ، همه و همه افتخار پیامبران و اولیای الهی است ، او تسکین بخش ، شادی آفرین و سرور دل های آنهاست .

چرا به وجود او افتخار نکنند ؟ چرا با نام دلربا و زیبای او که همانند مشک عطرآگینی که هر چه بیشتر پخش کنند محیط را بیشتر معطر و عطرآگین می سازد ، یادی ننموده و جهان را معطر نسازند ؟ این بار نیز جدّ بزرگوارش او را با توصیفی که جهانیان ، لحظه شمار آن لحظه حسّاس و دیدنی هستند وصف نمود و همه ملل مختلف جهان را آماده پیروی از آن وجود شریف کرد .

از این محفل شادی و سرور با کسب معرفتی دیگر مرخص شده و خود را با دلی سوزان و چشمی اشک ریزان به مجلس غم و اندوه و اوج تنهایی کوثر ولایت فاطمه زهرا علیها السلام می‌رسانیم تا با عواطف و احساسات قلبی پاک و خالصانه در مصایب فزون از حد آن حضرت علیها السلام شریک شده و با پدر بزرگوار، همسر بی‌همتا و فرزندان معصومش همدرد شویم و با مژده نور در محفل آکنده از غم و اندوه در اوج غربت و تنهایی او، شاهد لبخند رضایتبخش ریحانه بهشتی گردیم.

مژده نور در اوج تنهایی

رضای او رضای خداست، خشم و غضب او خشم و غضب خداست، رفتار او خدایی است، فکرش، گفتارش، زندگی و حیاتش، همه و همه از خدا بوده و تسلیم حکمت بالغه اوست. به راستی که جامعه آن دوران، قدر و منزلت او را نشناخت، اینک وقت آن رسیده که پس از هیجده بهار، با انبوهی از مصایب - مصایبی که از دست بنیان‌گذاران سقیفه و ستمگران متحمل شد - این ریحانه بهشتی به جایگاه اصلی خود بهشت برین بازگردد و جهان را تا ظهور فرزندش از فیض حضورش محروم نماید. و بدین گونه آن بانوی عصمت خود را آماده مصایب فقدان پدر بزرگوارش، آخرین پیامبر الهی نمود و مهیای تحمل این

بزرگترین مصیبت عالم هستی شد و برای شنیدن آخرین سخنان اشرف پیامبران حضرت محمد ﷺ با دلی غمبار و دیدگانی اشکبار در واپسین لحظات پدر گرامی خویش حاضر شد.

ما منتظران و دوستداران خاندان عصمت ﷺ نیز با دلی سوزان به همراه یار با وفای اهل بیت ﷺ حضرت سلمان ﷺ در آن محفل معنوی حاضر می شویم تا بتوانیم غبار غمی از دل مهربان بهترین محبوب خودمان، امام زمان ﷺ برداریم.

سلیم بن قیس هلالی می گوید: من از سلمان فارسی ﷺ شنیدم که می گفت:

پیامبر خدا ﷺ در بستر بیماری - که در اثر آن از دنیا رفت - افتاده بود، من به حضور حضرتش شرفیاب شده و در کنار بسترش نشسته بودم. حضرت زهرا ﷺ وارد شد، چون حال ضعف و ناتوانی پیامبر خدا ﷺ را دید بغض گلویش را گرفت و اشک بر گونه های شقایق گونه اش جاری شد.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: دخترم! چرا گریه می کنی؟

عرض کرد: ای رسول خدا! پس از تو بر خودم و بر فرزندانم از بی اعتنائی مردم و تزییع حقوقمان بیمناکم.

پیامبر خدا ﷺ در حالی که چشمان مبارکش از اشک پر شد، نازدانه خود را دلداری داد و فرمود:

یا فاطمة! أما علمت إنا أهل بيت اختار الله عزوجل لنا الآخرة
على الدنيا، وإنه حتم الفناء على جميع خلقه، وأن الله تبارك
وتعالى اطلع إلى الأرض اطلاعة فاخترني من خلقه، فجعلني
نبياً.

ثم اطلع إلى الأرض اطلاعة ثانية، فاختر منها زوجك، فأوحى
الله إلي أن أزوجك إياها، وأتخذة ولياً ووزيراً، وأن أجعله
خليفة في أمّتي، فأبوك خير أنبياء الله ورسله، وبعلك خير
الأوصياء، وأنت أول من يلحق بي من أهلي.

ثم اطلع إلى الأرض اطلاعة ثالثة، فاخترك وولدك، وأنت
سيّدة نساء أهل الجنّة، وابناك حسن وحسين سيّدا شباب أهل
الجنّة، وأبناء بعلك أوصيائي إلى يوم القيامة، كلّهم هادون
مهديون.

والأوصياء بعدي أخي عليّ، ثمّ حسن وحسين، ثمّ تسعة من
ولد الحسين في درجتي، وليس في الجنّة درجة أقرب إلى الله
عزّوجلّ من درجتي ودرجة أوصيائي وأبي إبراهيم.

أما تعلمين يا بنیة! أنّ من كرامة الله إياك أن زوّجك خير أمّتي،
وخير أهل بيتي: أقدمهم سلماً، وأعظمهم حلماً، وأكثرهم علماً.

ای فاطمه! مگر نمی دانی ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما
آخرت را بر دنیا ترجیح داده و به راستی فنا را بر همه خلقش
حتمی نموده است.

خداوند متعال توجهی بر زمین (و آفریدگان خود) نمود و مرا از میان آنان برگزید و به پیامبری انتخاب نمود.

سپس برای بار دوم توجهی بر زمین نمود و همسر تو را برگزید، و به من دستور داد تا تو را به ازدواج وی درآورم، و او را به عنوان ولی و سرپرست و وزیر انتخاب نموده و وصی و جانشین خود در اُمتم قرار دهم.

پس پدر تو، بهترین پیامبران و رسولان خداوند است، و همسر تو بهترین اوصیا و جانشینان است، و تو نخستین فرد از خاندان من هستی که به من ملحق می شوی.

آنگاه خداوند توجه سومی بر زمین کرد و تو و فرزندان تو را برگزید.

پس تو سرور بانوان بهشتی، و دو پسر حسن و حسین، دو آقای جوانان اهل بهشتند، و فرزندان همسرت - که همگی هدایتگر و هدایت شده‌اند - تا روز رستاخیز جانشینان من هستند.

اوصیا و جانشینان پس از من، برادرم علی است، سپس حسن و حسین، سپس نه نفر از فرزندان حسین، که همگی در بهشت در مرتبه من خواهند بود. و در بهشت درجه و منزلی از درجه و منزل من و جانشینانم و پدرم ابراهیم علیه السلام به خدا نزدیک تر نیست.

دخترم! آیا نمی دانی از جمله کرامت‌های خداوند متعال بر تو آن است که تو را به ازدواج بهترین اُمتم و بهترین اهل بیتم درآورده،

کسی که در پذیرش اسلام از همه پیشروتر، در حلم و بردباری از همه بالاتر، و در علم و دانش از همه بیشتر است.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با شنیدن سخنان نورانی و دلنشین پدر بزرگوارش، دل غمگینش تسکین پیدا کرده و شاد و خوشحال گشت.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به فضایل امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخت و فرمود:

يا بنية! إن لبعلك مناقب: إيمانه بالله ورسوله قبل كل أحد، لم يسبقه إلى ذلك أحد من أمّتي، وعلمه بكتاب الله عزّوجلّ وسنتي، وليس أحدٌ من أمّتي يعلم جميع علمي غير عليّ عليه السلام، إن الله عزّوجلّ علّمني علماً لا يعلمه غيري، وعلم ملائكته ورسله علماً، فكلّما علّمه ملائكته ورسله فأنا أعلم به، وأمرني الله عزّوجلّ أن أعلمه إيّاه، ففعلت، فليس أحدٌ من أمّتي يعلم جميع علمي وفهمي وحكمي غيره.

وإنك يا بنية! زوجته، وابناه سبطاي حسن وحسين، وهما سبطا أمّتي، وأمره بالمعروف، ونهيه عن المنكر، فإنّ الله عزّوجلّ آتاه الحكمة وفصل الخطاب.

يا بنية! إنا أهل بيت أعطانا الله عزّوجلّ ستّ خصال لم يعطها أحداً من الأوّلين كان قبلكم، ولم يعطها أحداً من الآخرين غيرنا:

نبینا سیّد الأنبياء والمرسلین وهو أبوك؛

ووصینا سیّد الأوصیاء وهو بعلک؛

وشهیدنا سیّد الشهداء وهو حمزة بن عبدالمطلب، وهو عمّ
أبيک.

دخترم! هسمر تو مناقبی دارد:

ایمان او به خدا و رسولش پیش از هر کسی است و احدی از اُمّت در
این مورد بر او پیشی نگرفته است.

علم و دانش او به کتاب خدا و سنتّم که احدی از اُمّت من بجز
همسرت همه علم مرا فرا نگرفته است. همانا خداوند علمی را به
من آموخته که غیر از من به کسی نیاموخته، و علمی هم به
فرشتگان و پیامبرانش آموخته و هر چه بر فرشتگان و پیامبرانش
آموخته من بر آن داناتر و آگاه‌ترم و خداوند به من امر کرده که آن
را به علی عليه السلام بیاموزم و من این کار را انجام دادم. پس هیچ کس از
اُمّت همه علم، فهم و حکمت مرا جز او نمی‌داند.

همانا تو ای دخترم! هسمر او هستی، و دو پسرش حسن و حسین
نوده‌های من بوده و آن‌ها دو سبط اُمّت هستند.

و امر به معروف او.

و نهی از منکر او.

و همانا خداوند متعال به او حکمت و حلّ و فصل بین حقّ و باطل
را عنایت فرموده است.

دخترم! ما خاندانی هستیم که خداوند هفت خصلت به ما عطا کرده که پیش از آن به احدی از پیشینیان عطا نفرموده و به احدی از آخرین بجز ما، عطا نخواهد کرد.

پیامبر ما، سرور پیامبران و او پدر توست.

و جانشین ما، بهترین جانشینان، و او همسر توست.

و شهید ما، سرور شهیدان، و او حمزه عموی پدر توست.

در این هنگام، حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: ای رسول خدا! آیا او سرور شهیدانی است که در رکاب تو کشته شده‌اند؟
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

لا، بل سیّد شهداء الأوّلین و الآخِرین ما خلا الأنبیاء
والأوصیاء؛ وجعفر بن أبی طالب ذوالجناحین الطیّار فی الجنّة
مع الملائکة؛

وإبنک حسن و حسین سبطا أمّتی و سیّدا شباب أهل الجنّة؛
ومنا - والذي نفسي بيده - مهديّ هذه الأمة الذي يملأ الأرض
قسطاً وعدلاً، كما ملئت وظلماً وجوراً.

نه، بلکه او سرور شهیدان از پیشینیان و آخرین - بجز پیامبران و اوصیا - است.

و جعفر بن ابی طالب که دارای دو بال است و با آنها در بهشت به همراه فرشتگان پرواز می‌کند.

و دو پسر حسن و حسین دو سبط اُمّتم و دو سرور جوانان اهل بهشتند.

سوگند به آن که جانم به دست اوست! مهدی این اُمت از ما خاندان است که خداوند به وسیله او، زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان گونه که از ستم و جور پر شده باشد.

وقتی سخن بدینجا رسید حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: ای رسول خدا! کدام یک از اینان که نام بردی برتراند؟
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

عليّ بعدي أفضل أمتي، وحمزة وجعفر أفضل أهل بيتي بعد عليّ عليه السلام، وبعذك وبعد ابنيّ وسبطي حسن وحسين، وبعد الأوصياء من ولد ابني هذا - وأشار إلى الحسين عليه السلام - ومنهم المهديّ عليه السلام، إنا أهل البيت إختار الله عزّوجلّ لنا الآخرة على الدنيا.

علی عليه السلام پس از من، برترین شخصیت اُمت است. حمزه و جعفر، افضل اُمت من، بعد از علی، تو و دو پسر و نوام حسن و حسین و جانشینان از فرزندان این پسر - که با دست مبارکش اشاره به امام حسین عليه السلام کرد - هستند و مهدی عليه السلام از جمله آنان است. همانا ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا برگزیده است.

آنگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نگاهی به چهره دخترش فاطمه عليها السلام، همسر مظلومش علی عليه السلام و دو فرزند معصومش کرد و خطاب به سلمان رضی الله عنه فرمود:

یا سلمان! أشهد الله أنني سلم لمن سالمهم، وحرب لمن حاربهم، أما إنهم معي في الجنة.

ای سلمان! خدا را گواہ می‌گیرم که من با کسانی که با اینان بجنگند در جنگ و ستیزم و با کسانی که با اینان در صلح باشند در صلح و صفا هستم. آگاہ باشید! که اینان در بهشت همراه من هستند.

آنگاه رو به اول مظلوم عالم، امیر مؤمنان علی علیه السلام کرد و فرمود:

يا أخي! أنت ستبقى بعدي، وستلقى من قريش شدة من تظاهرهم عليك وظلمهم لك، فإن وجدت عليهم أعواناً، فقاتل من خالفك بمن وافقك، وإن لم تجد أعواناً فاصبر، وكف يدك، ولا تلق بها إلى التهلكة، فإنك مني بمنزلة هارون من موسى، ولك بهارون أسوة حسنة، إذ استضعفه قومه و كادوا يقتلونه، فاصبر لظلم قريش إياك، وتظاهرهم عليك، فإنك بمنزلة هارون من موسى ومن اتبعه، وهم بمنزلة العجل ومن اتبعه.

یا علی! إن الله تبارك وتعالى قد قضى الفرقة والاختلاف على هذه الأمة، ولو شاء الله لجمعهم على الهدى حتى لا يختلف اثنان من هذه الأمة، ولا ينازع في شيء من أمره، ولا يجحد المفضول ذا الفضل فضله، ولو شاء لعجل النعمة والتغيير حتى يكذب الظالم، ويعلم الحق أين مصيره؟

ولكنه جعل الدنيا دار الأعمال، وجعل الآخرة دار القرار، ليجزي الذين أساءوا بما عملوا ويجزي الذين أحسنوا بالحسنى.

برادرم! تو به زودی پس از من، تنها و بی‌یاور خواهی ماند و از قریش و متحدان آنها بر علیه تو سختی خواهد رسید و به تو ظلم خواهند کرد. اگر علیه آنان یارانی یافتی با مخالفان خود به وسیله موافقات جنگ کن، و اگر یارانی نیافتی صبر کن و دست نگهدار و با دست خویش خود را در هلاکت مینداز. چرا که تو، نسبت به من، به منزله هارون نسبت به موسی هستی، و تو از هارون اسوه و الگوی نیکوی خواهی داشت، زیرا که قومش او را ضعیف شمرد و نزدیک بود او را بکشند.

پس در برابر ستم قریش و همدستی آنان بر علیه تو صبر پیشه کن، چرا که تو به من، به منزله هارون از موسی و پیروان او هستی، و آنان به منزله گوساله (سامری) و پیروان او هستند.

یا علی! همانا خداوند متعال (در مشیت خویش) پراکندگی و اختلاف را بر این اُمت امضا نموده، و اگر می‌خواست آنها را چنان بر هدایت جمع می‌کرد که حتی دو نفر از این اُمت اختلاف نداشته و در هیچ چیز از امر او منازعه نکنند و هرگز کسی که مفضول بود فضیلت و برتری صاحب فضیلت را منکر نشود.

و اگر بخواهد در نعمت و دگرگونی شتاب می‌کند تا ستمگر تکذیب شده و همه بدانند که مسیر و حرکت حق به کدام جهت است؟

ولیکن خداوند دنیا را دار اعمال و رفتار قرار داد و آخرت را دار قرار و آرامش، تا کسانی که به واسطه اعمالشان معصیت کرده‌اند کیفر دیده و آنان که کارهای نیکو انجام داده‌اند پاداش دریافت کنند.

وقتی مولای مظلوممان علی علیه السلام این سخنان را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنید، عرض نمود:

الحمد لله شكراً علی نعمائه و صبراً علی بلائه. (۱)

سپاس و حمد برای خداوند بر نعمت‌هایش و صبر و بردباری بر ابتلا و امتحانش.

صراحت گفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حسّاس‌ترین لحظات زندگی خویش در یک محفل کاملاً الهی چنان گویاست که هر شنونده و خواننده را از هر گونه توضیح و تشریحی بی‌نیاز می‌سازد، آنچه در این میان حائز اهمیت است؛ اخلاص دل، احساس حضور در آن محفل و اندیشه و تأمل در سخنان آن بزرگواران است. یقیناً اگر یک نگاه دیگری در آن محفل نورانی بنماییم در شناخت خاندان رسالت و امامت و دوستان و دشمنان آنان دید دیگری پیدا خواهیم کرد و حرکت و تحوّلی در زندگی خویش خواهیم داشت.

آنچه در این محفل اُنس بیشتر جلب توجه می‌کند یاد و نام مولایمان حضرت مهدی علیه السلام است که دو مرتبه از او نام برده شده و در آن محفلی که دل‌های خمسه طیبه در اندوهی از غم و اندوه فرو رفته بود با نام و یاد او آرام می‌گیرد.

۱ - بحار الأنوار: ج ۲۸ ص ۵۲ ح ۲۱، عوالم العلوم: ج ۱۱ ص ۳۷۹.

سخن از یار در محفل انس

آری، زمان حسّاسی بود، واپسین لحظات زندگی پیامبری که با ارتحال او، دفتر سفارت و پیامبری بسته می‌شد و پس از او پیامبری از جانب حق تعالی نمی‌آمد. به همین جهت، آگاهان و عارفان از یاران آن حضرت، در آن لحظات حسّاس در کنار بستر آن حضرت بودند تا خود را در معرض پرتو سخنان پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله قرار داده و آخرین کلمات هدایتگرانه آخرین سفیر الهی را به آیندگان به ارمغان آورند.

بدیهی است که در این صحنه حسّاس و مهمّ دخت گرامی آن حضرت که حبیبه خداست می‌خواهد با پدر بزرگوارش وداع می‌نماید، در این محفل انس که اغیار راهی به آن ندارند، تنها یاران وفادار آن حضرت حضور بهم رسانیده و آن را گزارش داده‌اند.

روشن است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این محفل حسّاس به حیاتی‌ترین، مهم‌ترین و سازنده‌ترین موارد هدایت اشاره فرموده و با دختر عزیزش فاطمه زهرا علیها السلام به گفت و گو نشسته‌اند.

از آنجایی که گزارشگران این لحظات حسّاس افراد خاصّ و دارای ویژگی‌های خاصّی هستند؛ در عین حال با اشتراک موضوعات اصلی، موارد گوناگون دیگری نیز بیان داشته‌اند.

آنچه از نظر منتظران دوران شکوهمند آل محمد علیهم السلام گذشت،

گزارشی بود از حضرت سلمان رضی الله عنه، آن یار باوفای خاندان عصمت و طهارت که مدال «منا اهل البيت» را در مسابقه عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام از آن خود کرد.

اینک گزارشی داریم از جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگواری که موفق به تشریف حضور هفت معصوم گردید، کسی که حامل پیام سلام رسول خدا صلی الله علیه و آله به فرزندش امام محمد باقر علیه السلام بود.

جابر بن عبدالله انصاری گوید:

من در خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات زندگی خویش در بستر بیماری بود، دخت عزیزش فاطمه علیها السلام کنار بستر پدر بزرگوارش، بالای سر حضرتش نشسته و به حال پدرش گریه می کرد، ناگاه صدای ناله اش بلند شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهی به دختر مظلومه اش کرد و فرمود:

حبيبتی فاطمة! ما الذي يبكيك؟

عزیزم فاطمه! چرا گریه می کنی؟!

حضرت زهرا علیها السلام عرضه داشت:

أخشى الضيعة من بعدك؛

پس از تو از ضایع شدن حقیقتان می ترسم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

يا حبيبتى ! لا تبكين ، فنحن أهل بيت قد أعطانا الله سبع خصال
لم يعطها أحداً قبلنا ، ولا يعطها أحداً بعدنا :
منا خاتم النبيين وأحبّ المخلوقين إلى الله عزّوجلّ ، وهو أنا
أبوك ؛ ووصيتنا خير الأوصياء وأحبّهم إلى الله ، وهو بعلك ؛
وشهيدنا خير الشهداء وأحبّهم إلى الله ، وهو عمّك .
ومنا من له جناحان في الجنّة ، يطير بهما مع الملائكة ، وهو
ابن عمّك ؛

ومنا سبطا هذه الأمة ، وهما ابناك الحسن والحسين ، سوف
يخرج الله من صلب الحسين تسعة من الأئمة أمناء معصومون ؛
ومنا مهديّ هذه الأمة ، إذا صارت الدنيا هرجاء ومرجاء ،
وتظاهرت الفتن ، وتقطّعت السبل ، وأغار بعضهم على بعض ،
فلا كبير يرحم صغيراً ، ولا صغير يوقّر كبيراً ، فبيعت الله عزّوجلّ
عند ذلك مهديّنا التاسع من صلب الحسين ، يفتح حصون
الضلالة [وقلاعها] وقلوباً غفلاء ، يقوم بالدين في آخر
الزمان ، كما قمت به في أوّل الزمان ، ويملاً الأرض عدلاً كما
ملئت جوراً .

يا فاطمة ! لا تحزني ولا تبكي ، فإنّ الله أرحم منّي بك ، وأرأف
عليك منّي ، وذلك لمكانك منّي ، وموضعك من قلبي ،
وزوّجك الله زوجاً هو أشرف أهل بيتك حسباً ، وأكرمهم منصباً ،
وأرحمهم بالرعيّة ، وأعدلهم بالسويّة ، وأبصرهم بالقضيّة .

وقد سألت ربِّي عزَّوجلَّ أنْ تكونِي أوَّل من يلحقني من أهل بيتي، ألا إنَّك بضعة منِّي، فمن آذاك فقد آذاني.

ای حبیبۀ من! گریه مکن، ما خاندانی هستیم که خداوند متعال هفت خصلت بر ما ارزانی داشته که پیش از ما بر کسی عطا نفرموده و پس از ما به کسی عطا نخواهد فرمود:

خاتم پیامبران و محبوبترین مخلوق خداوند از ماست و آن منم، پدر تو؛

وصی ما بهترین اوصیا و محبوبترین آنان به سوی خداست و او همسر توست؛

شهید ما بهترین شهیدان و محبوبترین آنان به سوی خداست و او عموی توست؛

از ما خاندان است شخصیتی که دارای دو بال است و در بهشت با فرشتگان پرواز می‌کند و او پسر عموی توست؛

از ما خاندان است دو سبط این اُمت که آنان دو فرزند تو حسن و حسین علیهما السلام هستند، و در آینده نزدیک خداوند از نسل فرزندان حسین، نه امام امین و معصوم خلق خواهد فرمود.

و مهدی این اُمت از ما خاندان است، آنگاه که دنیا را هرج و مرج فراگیرد و آشوب‌ها آشکار گردد، راه‌ها بسته شده و برخی، بعضی دیگر را به تاراج برند، نه بزرگی بر کوچکی رحم نماید و نه کوچکی احترام بزرگتر را رعایت کند.

در آن هنگام خداوند متعال نهمین هدایتگر از نسل (امام) حسین علیه السلام را برمی‌انگیزاند، او دژها و قلعه‌های گمراهی و دل‌های بسته شده را فتح می‌کند، او برای احیای دین در آخر زمان قیام می‌کند همچنان که من در اوّل زمان قیام کردم و زمین را از عدل و داد پر می‌کند چنانچه از جور و ستم پر شده بود.

ای فاطمه! محزون مباش و گریه مکن! چرا که خداوند نسبت به تو از من مهربانتر و رؤوف‌تر است، و این به جهت مکانت تو در نزد من و جایگاه تو در دل من است.

خداوند تو را به ازدواج همسری درآورد که او دارای شریف‌ترین و اصیل‌ترین نژاد است و گرامی‌ترین منصب را دارد و مهربانترین شخص نسبت به رعایا و عادلترین آنان در تسویه و بصیرترین آنان در قضاوت است.

حقیقتاً من از پروردگار متعال خواستم که تو نخستین فردی باشی از اهل بیتم که به من ملحق شوی.

آگاه باش! به راستی تو پاره‌ای از تن من هستی، هر که تو را بیازارد مرا آزرده است.

این مجلس به پایان رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت فرمود، دشمنان اهل بیت علیهم السلام و سقیفه‌نشینان در پی یک اقدام هماهنگ به خانه آن حضرت هجوم آورده و وحشیانه‌ترین ستم را در حق حبیبه خدا دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله به ثمر رساندند و

در پی همین جنایات هولناک، آن حضرت در بستر بیماری افتاد. جابر در ادامه گزارش خود می‌گوید: وقتی پیامبر خدا ﷺ از دنیا رفت، روزی آن دو نفر (باگستاخی تمام) به ملاقات حضرت زهرا ﷺ آمدند!!

فاطمه زهرا ﷺ به آنان فرمود:

أصدقاني هل سمعتم من رسول الله ﷺ : « فاطمة بضعة مني ،
فمن آذاها فقد آذاني ؟ »

سخن مرا تصدیق می‌کنید؟ آیا از پیامبر خدا ﷺ شنیده‌اید که فرمود: « فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده است؟! »

گفتند: آری، سوگند به خدا! ما این سخن را از پیامبر خدا شنیدیم.

در این هنگام، آن بانوی ستم‌دیده دست‌های خود را که از ستم آنان ورم کرده بود به سوی آسمان بلند کرد و عرضه داشت:

اللهم إني أشهدك أنهما قد آذيانني وغصبا حقّي ؛

خداوندا! من تو را شاهد می‌گیرم که آن دو نفر مرا آزرده‌اند و حق مرا غصب نمودند.

جابر گوید: آنگاه حضرت زهرا ﷺ رو از آن دو نفر برگرداند و پس از آن، سخنی با آنان نگفت و آن بانوی بانوان، پس از پدر بزرگوارش هفتاد و پنج روز در این دنیا زندگی کرد تا این که

خداوند او را به پدر بزرگوارش ملحق نمود.^(۱)

رسول خدا ﷺ در آن شرایط خاص با ترسیمی از سختی‌های دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام و اشاره به برخی از علایم ظهور آن حضرت و مژده ظهور نور، دختر گرامی خویش را دلداری می‌دهد و با این سخنان، آیندگان را متوجه به یک امر مهم و حیاتی می‌سازد.

راستی با این همه تأکیدات، آیا بر بشریت اتمام حجت نشده است؟

آیا نبایستی جوامع اسلامی به این امر مهم و حیاتی بیشتر اهمیت می‌دادند؟

اصولاً مسأله امامت، مهمترین مسأله‌ای است که همه احکام و موضوعات دیگر زیر مجموعه آن هستند. هم اکنون نیز منتظران و معتقدان حضرت مهدی علیه السلام با پیروی صحیح از آن بزرگوار بهتر می‌توانند در مسیر کمال انسانی حرکت کرده و به فضایل والای اخلاقی، عبادی، اجتماعی، عرفانی و... نایل گردند، چرا که رمز موفقیت در این موارد و شاه کلید آن، در دست قطب دایره امکان، صاحب زمان حضرت مهدی علیه السلام است و بس.

اینک به همراه منتظر عاشق دولت الزهراء علیها السلام به خدمت صحابی بزرگوار دیگری می‌رویم تا از محضر پر فیضش خوشه‌ها چیده و

۱ - بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۳۰۷ ح ۱۴۶.

بر معرفت خود افزوده تا بتوانیم در یاری اهل بیت علیهم السلام و مولای
غریبمان امام زمان علیه السلام قدمی برداریم.

همه دلباختگان عصمت و طهارت با نام زیبای آن صحابی آشنا
هستند، او بنا به فرمایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زیر این آسمان کبود
راستگوترین فرد است، او یار باوفای جان و جانشین به حق رسول
خدا صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علی علیه السلام است، کسی که در راه عشق به امام
زمانش علی علیه السلام متحمل مصایب زیادی از سقیفه نشینان شده و از
دیار خود رانده گشته است.

آری، او ابوذر غفاری است، کسی که در همه لحظات عمرش
بی پروا از امام زمانش دفاع می کرد و فضایل اهل بیت علیهم السلام را به
گوش همه جهانیان می رساند.

ابوذر گوید: من در محضر با صفای رسول خدا صلی الله علیه و آله حضور
داشتم، حضرت در آخرین لحظات زندگی خویش در بستر
بیماری افتاده بود، همان بیماری که با آن از دنیا رفت، رسول
خدا صلی الله علیه و آله رو به من کرد و فرمود:

ای ابوذر! دخترم فاطمه علیها السلام را صدا کن.

من برخاستم و به حضور دختر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله شتافتم و
عرضه داشتم: ای سرور بانوان! پدر بزرگوارتان را پاسخ دهید!
حبیبه خدا، فاطمه زهرا علیها السلام برخاست و چادر بر سر کرد و به
محضر پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، وقتی پدر عزیزش را با آن
حالت بیماری دید خود را به رویش انداخت و گریست.

رسول خدا ﷺ نیز به گریه دختر نازدانه اش گریست و او را به سینه خود چسبانید، آنگاه فرمود:

يا فاطمة! لا تبكي فداك أبوك؛ فأنت أول من تلحقين بي
مظلومة مغصوبة، وسوف تظهر بعدي حسيكة النفاق، ويسمل
جلباب الدين، أنت أول من يرد عليّ الحوض.

ای فاطمه! گریه مکن، پدرت قربانت گردد! تو نخستین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد در حالی که مورد ستم واقع شده و حق تو غصب گردیده است. پس از من به زودی کینه و عداوت و نفاق آشکار خواهد شد، و لباس دین کهنه و فرسوده خواهد گشت، نخستین کسی که در کنار حوض (کوثر) نزد من خواهد آمد، تو هستی.

او حبیبۀ خدا فاطمة زهرا عليها السلام است، فراق رسول خدا ﷺ بر او گران بود. به همین جهت پرسید: پدر جان! (در آن دنیا) در کجا تو را دیدار خواهم نمود؟

رسول خدا ﷺ فرمود: در کنار حوض، آنجا که من شیعیان و دوستان تو را از آب آن سیراب می‌کنم و دشمنان و کینه‌ورزان تو را از آن می‌رانم.

فاطمه زهرا عليها السلام گفت: ای رسول خدا! اگر در کنار حوض ملاقات نکنم در کجا به دیدارت شرفیاب خواهم شد؟
فرمود: در کنار میزان.

گفت: پدر جان! اگر در کنار میزان موفق به دیدارت نگردم، کجا؟
فرمود: مرا در کنار صراط دیدار خواهی نمود که من می‌گویم:
(خدایا!) شیعیان علی علیه السلام را از سقوط حفظ کن، حفظ کن.

ابوذر گوید: دل شقایق‌گونه فاطمه زهرا علیها السلام با این گفت و گوی پر
مهر و محبت آرام گرفت. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به من کرد و
فرمود:

يا أباذر! إنها بضعة مني، فمن آذاها فقد آذاني، ألا إنها سيّدة
نساء العالمين، وبعلمها سيّد الوصيّين، وابنيها الحسن
والحسين سيّدا شباب أهل الجنّة، وإنّهما إمامان قاما أو قعدا،
وأبوهما خير منهما، وسوف يخرج من صلب الحسين تسعة من
الأئمّة قوامون بالقسط، ومنا مهديّ هذه الأُمّة.

ای ابوذر! به راستی که او پاره تن من است، هر که او را بیازارد مرا
آزرده است.

آگاه باش! که او سرور بانوان جهانیان است، همسرش سرور اوصیا
و دو فرزندش حسن و حسین سروران جوانان اهل بهشت هستند،
آنان پیشوایان مردمند چه قیام کنند چه سکوت اختیار نمایند،
پدرشان بهتر از آنهاست، و در آینده نه چندان دور، نه امام از
نسل حسین علیه السلام متولد خواهد شد و نهدی این اُمت از ما خاندان است.

عرض کردم: ای رسول خدا! تعداد پیشوایان پس از شما چند نفرند؟

رسول خدا ﷺ فرمود:

« عدد نقباء بني اسرائيل؛^(۱)»

به تعداد مهتران و نقیبان بنی اسرائیل.

او پیامبر خداست، از آینده خبر می‌دهد، مصایب دختر عزیزش را در جلو دیدگانش می‌بیند، ابوذر را مورد خطاب قرار می‌دهد تا به دیگران برساند که «فاطمه رضی الله عنها پاره تن اوست» مبادا کسی او را بیازارد؟

او می‌داند که به زودی عده‌ای منافق به دروغ، سنگ محبت رسول خدا ﷺ را به سینه خواهند زد و برای ادامه رسالت او در سقیفه، شورای کذایی تشکیل خواهند داد و در راستای این جنایت تاریخی، خانه دختر رسول خدا ﷺ را با ادعای خلافت او! به آتش خواهند کشید و جگر گوشه او را، به خاطر حمایت از جانشین به حق رسول خدا ﷺ میان در و دیوار خواهند گذاشت؟

آری، او می‌داند، چرا که پیامبر خداست و علم خدایی دارد؟ به همین جهت در این محفل انس با سفارش به ابوذر، منافقان کور دل را تا همیشه تاریخ رسوا می‌سازد و می‌فرماید:

«ای اباذر! (این بانوی بزرگواری که در این محفل در کنار بستر من نشسته تنها، دختر من نیست؛ بلکه) او پاره تن من است هر که او را بیازارد در واقع مرا آزرده است.»

۱ - بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۲۸۸ ح ۱۱۰.

...تا آنجا که به اباذر می فرماید:

« مهدی این اُمت نیز از ما خاندان است ».

و این حاکی از عظمت امام زمان علیه السلام است و اشاره به این که اگر اُمت در مورد یازده امام و پیشوا در زمان حضورشان کوتاهی کردند حدّالامکان آنگاه که خداوند او را در پشت پرده غیب برد، به خود آمده و دست بکار شده و در جستجوی مهدی این اُمت باشند تا از این همه بدبختی ها، نابسامانی ها و گرفتاری ها نجات پیدا کنند...

گریه فراق و دلداری کوثر

به راستی که لحظات حسّاس زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سخت ترین زمان بر اهل بیت علیهم السلام بود. خدا می داند که خاندان رسالت در آن لحظات چه حالی داشتند.

این بار به محضر یار باوفای رسول خدا صلی الله علیه و آله عمّار می شتابیم تا موقعیت این محفل حسّاس را از او جويا شویم، او که خود از دلباختگان امیر مؤمنان علی علیه السلام بود و وفاداری خود را با شهادت در رکاب مولای خویش در جنگ صفین ثابت کرد.

کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله کشته شدن او را در این جنگ، محک و میزان بطلان قاتلانش قرار داده و با کشته شدن او حامیان سقیفه نشینان، زادگان آزاد شدگان و فرزندان ابوسفیان در تاریخ رسوا شدند.

عمار گوید: در آن هنگام که رسول خدا ﷺ در آخرین لحظات زندگی خویش بسر می برد، من در محضرش بودم، آن حضرت ﷺ برادر و جانشین خود امیر مؤمنان علی ﷺ را به کنار بستر خویش خواند و مدّت زیادی اسراری را به آن حضرت بازگو نمود. آنگاه فرمود:

يا عليّ! أنت وصيّی و وارثی، قد أعطاك الله علمي و فهمي،
فإذا متّ ظهرت لك ضغائن في صدور قوم، و غصبت عليّ
حقّك .

ای علی! تو وصی و جانشین منی، تو وارث منی. به حقیقت، خداوند دانش و فهم مرا به تو عطا فرموده، هنگامی که من از دنیا رفتم کینه و دشمنی هایی که در دل این گروه نسبت به توست آشکار خواهد گشت و حقّ تو را غصب خواهند نمود.

وقتی دختر عزیزش حضرت زهرا ﷺ این سخنان را در آن لحظات آخرین از پدر بزرگوارش شنید گریست، امام حسن و امام حسین ﷺ نیز از گریه مادر، گریان شدند. پیامبر خدا ﷺ که تحمل ناراحتی دخترش فاطمه ﷺ و فرزندان او را نداشت رو به دخت گرامی خویش نمود و فرمود:

يا سيّدة النسوان! ممّ بكاؤك؟

ای سرور بانوان! چرا گریه می کنی؟

عرض کرد:

يا أبت! أخشى الضيعة بعدك.

پدر جان! پس از تو از ضایع شدن و مورد ستم قرار گرفتن، می ترسم.
رسول خدا ﷺ می فرمود:

إبشري يا فاطمة! فإنك أول من تلحقني من أهل بيتي، فلا تبكي ولا تحزني فإنك سيّدة نساء أهل الجنّة، وأباك سيّد الأنبياء، وابن عمّك خير الأوصياء، وابنك سيّد شباب أهل الجنّة، ومن صلب الحسين يخرج الله الأئمة التسعة مطهّرون معصومون، ومنا مهديّ هذه الأمّة، الخبر. (۱)

مژده باد بر تو ای فاطمه! زیرا که تو نخستین فرد از اهل بیت هستی که به من ملحق خواهی شد، پس گریه نکن و غمگین مباش که تو سرور بانوان اهل بهشت هستی، پدرت سرور پیامبران و پسر عمویت بهترین اوصیا و دو فرزندت سروران جوانان اهل بهشت هستند.

و خداوند از نسل حسین عليه السلام نه امام پاک و معصوم متولد خواهد نمود. و مهدی این امت از ما خاندان است ...

باز هم دلداری سرور بانوان حضرت زهرا عليها السلام و مژده ظهور حضرت مهدی عليه السلام.

خدایا! ما معترفیم که حق این هدایتگران معصوم علیهم السلام را که برای هدایت ما آمدند ادا نکرده‌ایم، اینک یاریمان کن تا با شناخت و معرفتشان در پی جبران کوتاهی‌های خود باشیم.

شادی در حزن

یاد او در همه لحظات دل را صفا می‌دهد و منتظر قدمش را به حرکت وامی‌دارد، چرا که ما به دنبال گمشده خود هستیم، به سوی کمال حرکت می‌کنیم، نیازمند بارقه‌هایی هستیم که در دلمان جرقه زند و ما را رهنمون شود.

چنین محافلی ما را دگرگون می‌سازد و با بکار بستن سخنان حکیمانه پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله گام‌هایمان استوار گشته و به سوی کمال انسانی حرکت می‌کنیم.

اینک گزارش دیگری را از سلمان فارسی رضی الله عنه می‌شنویم تا مطالب تازه‌ای را از آن موقعیت حساس یاد بگیریم.

سلمان رضی الله عنه گوید:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری بود، همان بیماری که به رحلت حضرتش منجر گردید، من به خدمتش شرفیاب شدم، در برابر حضرتش زانوی ادب بر زمین زده و از مسایلی پرسیدم، وقتی خواستم از محضرش مرخص شوم، رسول خدا صلی الله علیه و آله پیامبر مهر و محبت به من فرمود:

یا سلمان! بنشین که به زودی خداوند متعال جریانی را به تو نشان خواهد داد، جریانی که از بهترین امور و جریانات است. من از فرمایش مولایم اطاعت نموده و در حضورش نشستم، در این هنگام شخصیت‌هایی از خاندان پیامبر و افرادی از صحابه نیز وارد شدند، در میان آنان دختر گرامش فاطمه علیها السلام نیز به چشم می‌خورد، آن بانوی بزرگوار وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را با آن ضعف و ناتوانی دید، بغض گلویش را گرفت و اشک از دیدگانش بر عارض نیلگونش جاری شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دیده به چهره غمگین دخترش باز کرد و فرمود:

ما یبکیک یا بنیة! أقر الله عینک ولا أبکاها؟

دخترم! چرا گریه می‌کنی؟ خداوند چشمت را روشن گرداند و نگریاند؟

عرض کرد:

وکیف لا ابکی وأنا اری ما بک من الضعف؟!

چگونه گریه نکنم، در حالی که من ناتوانی و بیماری تو را شاهدم؟!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

یا فاطمة! توکلی علی الله، واصبری کما صبر آباؤک من الأنبیاء وأمهاتک من أزواجهم، ألا أبشرك یا فاطمة؟

ای فاطمه! بر خداوند توکل کن و صبر و بردباری پیشه ساز چنان

که پدرانت از پیامبران و مادرانت از همسران آنان صبر و بردباری
پیشه نمودند، ای فاطمه! می‌خواهی برای تو بشارت دهم؟!
عرض کرد:

بلی، یا نبی الله! - یا اُبه! -

آری، ای پیامبر خدا! - ای پدر جان! -

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

أما علمت أن الله تبارك وتعالى اختار أباك فجعله نبياً، وبعثه إلي
كافة الخلق رسولاً، ثم اختار علياً فأمرني فزوَّجتك إِيَّاه
واتَّخذته بأمر ربِّي وزيراً ووصياً؟

یا فاطمة! إنَّ علياً أعظم المسلمين على المسلمين بعدي حقاً،
وأقدمهم سلماً، وأعلمهم علماً، وأحلمهم حلماً، وأثبتهم في
الميزان قدراً.

آیا می‌دانی که خداوند متعال پدر تو را برگزید و او را پیامبر قرار
داد و به عنوان رسول برای همهٔ آفریدگان برانگیخت. آنگاه
علی عليه السلام را برگزید و به من دستور داد تو را به ازدواج او درآورم و
او را طبق فرمان پروردگارم وزیر و جانشین خود قرار دادم!؟

یا فاطمه! همانا پس از من، علی عليه السلام بزرگترین حق را بر عهدهٔ
مسلمانان دارد، او با سابقه‌ترین آنان در اسلام، دانشمندترین آنان
در علم و دانش، صبورترین آنان در حلم و استوارترین آنان در
میزان و در ارزش و قدر منزلت است.

در این هنگام چهره نورانی فاطمه زهرا علیها السلام باز شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به آن بانوی بزرگوار کرد و فرمود:

هل سررتك يا فاطمة؟!

آیا خوشنودت نمودم یا فاطمه؟!

عرض کرد:

نعم، یا أبة!

آری، ای پدر جان!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أفلا أزيدك في بعلك وابن عمك من مزيد الخير وفواضله؟!

می‌خواهی بیش از این از فضایل و مناقب همسر و پسر عمویت

بگویم؟!

عرض کرد:

بلی، یا نبی الله!

آری، ای پیامبر خدا!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إنّ عليّاً أوّل من آمن بالله عزّوجلّ ورسوله من هذه الأمّة، هو

و خديجة أمّك، وأوّل من وازرني على ما جئت به.

يا فاطمة! إنَّ عليًّا أخي وصفيِّي وأبو ولدي، إنَّ عليًّا أُعطي
خصالاً من الخير لم يعطها أحد قبله ولا يعطها بعده، فأحسني
عزاک، واعلمي أنَّ أباک لاحقٌ بالله عزَّوجلَّ.

به راستی که نخستین فردی که از این اُمت بر خداوند و رسول او
ایمان آورد؛ علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام مادر تو بود، او نخستین
شخصی بود که مرا در آنچه از جانب خداوند آورده بودم، یاری نمود.
ای فاطمه! همانا علی علیه السلام برادر و برگزیده من است، او پدر دو
فرزندم است، همانا خصایصی از خیر برای علی علیه السلام ارزانی شده که
پیش از آن به کسی عطا نشده و پس از او بر احدی عطا نخواهد
شد، پس عزایت را نیکو گردان و بدان که پدرت به خداوند متعال
لاحق خواهد شد.

وقتی فاطمه زهرا علیها السلام این سخنان را از پدر بزرگوارش رسول
خدا صلی الله علیه و آله شنید عرض نمود:

يا أبة! قد سررتني واحزنتني.

پدر جان! با این سخنان هم مرا خوشحال نمودی هم غمگین.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

كذلك يا بنيّة! أمور الدنيا يشوب سرورها حزنها، وصفوها
كدرها، أفلا أزيديك يا بنيّة؟

همچنین است دخترم! خوشحالی و حزن، صفا و تیرگی در امور دنیا به هم آمیخته است. دخترم! می خواهی باز هم بیشتر بگویم؟

عرض کرد:

بلی، یا رسول الله!

آری، ای رسول خدا!

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ، فَجَعَلَهُمْ قَسْمِينَ، فَجَعَلَنِي وَعَلِيًّا فِي خَيْرِهِمَا قَسْمًا، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ﴾ (۱).

ثُمَّ جَعَلَ الْقَسْمِينَ قَبَائِلَ: فَجَعَلْنَا فِي خَيْرِهَا قَبِيلَةَ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (۲).

ثُمَّ جَعَلَ الْقَبَائِلَ بِيوتًا، فَجَعَلْنَا فِي خَيْرِهَا بَيْتًا فِي قَوْلِهِ سُبْحَانَهُ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (۳).

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَاخْتَارَ عَلِيًّا وَالْحَسَنَ

۱ - سورة واقعه: آية ۲۷.

۲ - سورة حجرات: آية ۱۳.

۳ - سورة احزاب: آية ۳۳.

والحسین واختارك .

فأنا سيّد ولد آدم، وعلي سيّد العرب، وأنت سيّدة النساء،
والحسن والحسين سيّدا شباب أهل الجنة .
ومن ذريّتك المهدي، يملأ الله عزّوجلّ به الأرض عدلاً، كما
ملئت عن قبله جوراً. (۱)

همانا خداوند متعال آفریدگان را آفرید، و آنها را دو بخش کرد،
آنگاه من و علی علیه السلام را در بهترین بخش آن قرار داد و تفسیر
فرمایش خدای متعال که می فرماید :

﴿ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴾ (۲) « اصحاب
یمین ، چه اصحاب یمینی ؟ ! » همین است .

آنگاه آن دو بخش را به قبیله هایی تقسیم نموده و ما را در بهترین و
برترین آنان قرار داده، و این است معنای فرمایش خداوند متعال
که می فرماید : ﴿ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴾ (۳) ؛ « و شما را تیره ها و قبیله ها قرار
دادیم تا یکدیگر را بشناسید ؛ به راستی که گرامی ترین شما نزد
خداوند ، پرهیزکارترین شماست . »

سپس آن قبیله ها را به خانه هایی تقسیم کرد و ما را در بهترین و
برترین خانه ها قرار داد، آنجا که می فرماید : ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
لِيُذْهِبَ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

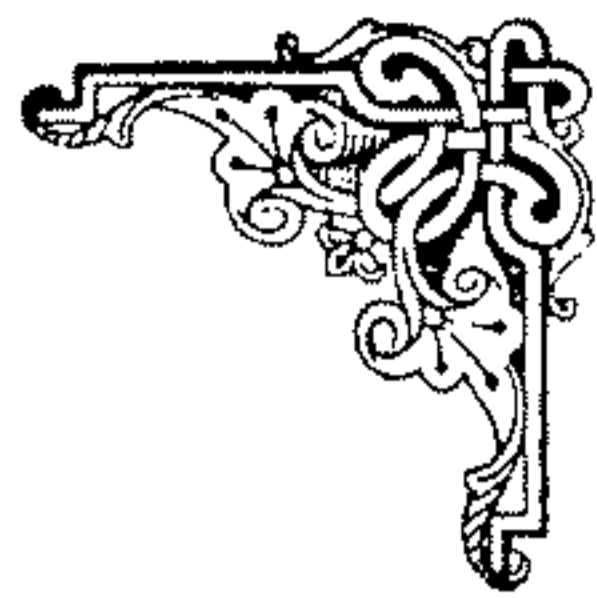
۱ - بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۶۶ ح ۱۰۰ .

۲ - سورة واقعه: آیه ۲۷ .

۳ - سورة حجرات: آیه ۱۳ .

تَطْهِيراً ﴿۱﴾؛ « خداوند چنین اراده فرموده که هر پلیدی و آلودگی را از شما اهل بیت بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند ».
 آنگاه خداوند متعال از خاندانم، من، علی، حسن و حسین و تو را برگزید.
 من سرور فرزندان آدم، علی علیه السلام سرور عرب، تو سرور بانوان، و
 حسن و حسین دو آقا و سرور جوانان بهشتی هستیم.
 و مهدی علیه السلام از فرزندان توست که خداوند متعال توسط او زمین را
 از عدل و داد پر خواهد کرد، همان‌گونه که پیش از آن، از جور و
 ستم پر شده بود.

اینک این مجالس مهم را پشت سر گذاشته و با تأمل و دقت در
 آن، و با گذری تاریخی پرسش‌هایی را مطرح می‌کنیم:
 چرا سفارش‌های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عملی نشد؟ چه دوران‌های
 سختی برای خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گذشت؟ چه ستم‌هایی بر آنان
 روا داشتند؟ اجر و پاداش رسالت چگونه پرداخته شد؟ چرا
 فرزندان او را به شهادت رساندند؟ و هزاران پرسش دیگر...
 نخستین کاری که پس از شناخت آنان از ما ساخته است، این که
 دست به دعا برمی‌داریم و بر طرف شدن این همه ستم‌ها و جنایات
 را از خدای خود خواهیم و منتقم خون آن ستم‌دیدگان تاریخ را می‌طلبیم
 و به این امید که آن روز - که روز فرجام سخت ستمگران آل محمد صلی الله علیه و آله
 است - فرا رسیده و ما شاهد چگونگی انتقام آن دست الهی باشیم؛
 زمان آینده را در حال مجسم کرده و آن دوران را بررسی می‌نماییم.



بخش ۵

ارمغان رحمت و انتقام کوثر و لایت

نیرنگ ستمگران

فرجام دشمنان

نخستین پرونده

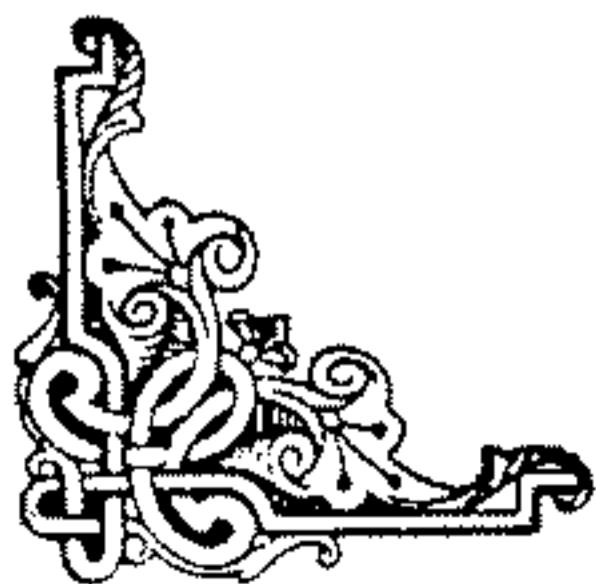
فرجام سخت

کوثر ولایت و ناله‌های آتشین

کوثر ولایت در آتش

ارمغان رحمت و نفاق ستیزی

ارمغان رحمت و فرجام شجره خبیثه



نیرنگ ستمگران

در مسیر حرکت به سوی کمال و تعالی وجود خار و خاشاک امری عادی است، آفتاب زیبای درخشان دشمنانی از خفاشان کور دل دارد. ستمگران و جبّاران همواره در برابر دادگران و راهنمایان ایستاده و با ترفندها و حيله‌هایی جلو هدایت آنان را گرفته‌اند.

آنگاه که جبّاران و ستمگران نتوانستند در لباس دشمنی کاری از پیش ببرند لباس دوست پوشیده و منافقانه در مسیر حرکت کمال انسانی قرار گرفته و مردم را از تابش آفتاب هدایت محروم نمودند. ... روزهای آخر زندگی پیامبر خدا ﷺ، آن انسان هدایتگر و آن رحمت گسترده الهی برای جهانیان در حالی طی می‌شود که منافقان کور دل در طرح و نقشه از بین بردن ارمغان رحمت آن حضرت برای جهانیان هستند.

آنان با تمام قوا در پی تکمیل قراردادهای شوم خود برای تحریف مسیر رسالت بودند، عارفان از پیروان خاندان عصمت و طهارت متوجه این امر بوده و با صبر و بردباری این ایّام سخت و طاقت‌فرسا را طی می‌کردند.

پیشوای ششم، امام صادق علیه السلام در ضمن تفسیر آیاتی از کلام خداوند متعال از این امر پرده برداشته و منافقان را رسوا و مفتضح

نموده و مظلومیت پیامبر خدا، علی مرتضی و فاطمه زهرا علیهم السلام را بیان می‌فرماید.

ابوبصیر در ضمن حدیثی گوید: از مولایم امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ «آنان همواره حيله و نیرنگ می‌کنند» ^(۱) سؤال کردم؟

حضرت در پاسخ فرمود:

کادوا رسول الله صلى الله عليه وآله ، وكادوا علياً عليه السلام ، وكادوا فاطمة عليها السلام .
وقال الله : يا محمد ! ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا * وَأَكِيدُ كَيْدًا *
فَمَهْلٌ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا﴾ ^(۲) لوقت بعث القائم علیه السلام ،
فينتقم لي من الجبارين والطواغيت من قريش و بني أمية
وسائر الناس. ^(۳)

آنان به پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نیرنگ زدند، به امیر مؤمنان علی علیه السلام نیرنگ زدند و به فاطمه زهرا علیها السلام نیرنگ زدند.

خداوند متعال می‌فرماید: ای محمد! «آنان همواره حيله و نیرنگ می‌کنند و من هم در مقابلشان مکر و کید خواهم کرد، پس حال که چنین است اندک زمانی، بر آن کافران مهلت بده»، این مهلت تا ظهور قائم علیه السلام است. من به وسیله او، از ستمگران و جباران و طاغوت‌های قریش و بنی‌امیه و سایر مردم انتقام می‌گیرم.

۱ - سورة طارق: آية ۱۵ .

۲ - سورة طارق: آية ۱۵ - ۱۷ .

۳ - بحار الأنوار: ج ۲۳ ص ۳۶۸ ح ۴۰ .

آنچه از این کلام نورانی استفاده می‌شود دو نکته مهم است:

۱ - نیرنگ و دشمنی دشمنان.

۲ - انتقام الهی.

بدیهی است بر خلاف آنچه معروف است که دشمنان و منافقان دشمنی سرسختی با امیر مؤمنان علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام داشتند، از این حدیث نورانی استفاده می‌شود که دشمنی سرسخت منافقان لبه تیزش در وهله اول به طرف ساحت قدسی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده و آنان در موارد عدیده مستقیماً در پی از بین بردن اصل رسالت بودند؛ ولی چون موقعیت برای آنان فراهم نشد منتظر شدند تا این نقشه شوم را در هنگام انتقال رسالت به امامت اجرا نمایند.

در این زمینه، شواهد تاریخی معتبر زیادی داریم که منتظران عزیز را به مطالعه عمیق آن دعوت می‌نمایم.

امام صادق علیه السلام در یک سخن صریح می‌فرمایند: «آنان به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیرنگ زدند».

نکته دوم که دل همه انبیا، اولیا و منتظران دولت الزهراء علیها السلام را شفا می‌دهد، اصل انتقام الهی است؛ مسأله مهمی که هر مظلوم ستمدیده با یاد آن، دلش آرام می‌گردد.

فرجام دشمنان

آری، این امر مهم انتقام و این مدال افتخار به حضرت مهدی علیه السلام عنایت شده و نام نامی آن حضرت به این عنوان زیبا معروف گشته است، مأموریت مهمی که آرزوی همه انبیا، اولیا و جانشینان آنان بوده، امر مقدسی که خداوند متعال در قرآن می فرماید:

﴿ وَمَنْ قُتِلَ مُظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ ﴾ (۱)

« و هر کس که مظلومانه کشته شود ما برای ولی او سلطه و (حق قصاص و انتقام) قرار دادیم، پس در قتل اسراف نکند.»

این آیه شریفه گویای این است که خونخواهی از ستمدیدگان و مظلومان امری الهی است و کدامین خون بالاتر از خون انبیا، اولیا و مظلومان است؟

و آنگاه که از تفسیر این آیه شریفه از امام صادق علیه السلام می پرسند، در پاسخ می فرماید:

ذلك قائم آل محمد عليه السلام يخرج فيقتل بدم الحسين بن علي عليه السلام ... (۲)

۱ - سوره اسراء: آیه ۳۲.

۲ - مکیال المکارم: ج ۲ ص ۴۵۸.

منظور از سلطان در این آیه ، قائم آل محمد علیهم السلام است که آنگاه که قیام نماید به خونخواهی امام حسین بن علی علیه السلام دشمنانش را می‌کشد و انتقام می‌گیرد .

به راستی که حضرت مهدی علیه السلام انتقام خون پیامبران و فرزندان آنان را می‌گیرد ، و او منتقم از جانب خدا ، رسول او و امامان معصوم علیهم السلام است .

امام صادق علیه السلام در حدیث زیبایی می‌فرماید :

إذا قام قائمنا انتقم لله ولرسوله ولنا أجمعين .^(۱)

هنگامی که قائم ما علیه السلام قیام کند برای خدا ، رسولش و همه ما انتقام خواهد گرفت .

انتقام ، این نظام زیبایی که خداوند مهربان به وسیله آن ، همه جباران و ستمگران را تهدید نموده و به ستمدیدگان و مظلومان امید داده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث زیبایی به این امر مهم اشاره نموده و می‌فرماید :

لَمَّا أُسْرِي بِي أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ - وَسَاقَ الْحَدِيثَ - ...
إِلَى أَنْ قَالَ :

۱ - بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۶ ح ۱۷۷ و ص ۳۱۷ ح ۱۳ .

فرفعت رأسي فإذا أنا بأنوار عليّ وفاطمة والحسن والحسين ،
وعليّ بن الحسين ، ومحمّد بن عليّ ، وجعفر بن محمّد ،
وموسى بن جعفر ، وعليّ بن موسى ، ومحمّد بن عليّ ، وعليّ
بن محمّد ، والحسن بن عليّ ، والحجّة بن الحسن القائم في
وسطهم ، كأنه كوكب دريّ .

قلت : يا ربّ ! من هؤلاء ؟

قال : هؤلاء الأئمّة ، وهذا القائم الذي يحلّ حلالي ، ويحرّم
حرامي ، وبه أنتقم من أعدائي ، وهو راحة لأوليائي ، وهو الذي
يشفي قلوب شيعتك من الظالمين والجاحدين والكافرين .

فيخرج اللات والعزّى طريّين ، فيحرقهما ، فلفتنة الناس بهما
يومئذ أشدّ من فتنة العجل والسامري .^(۱)

در شب معراج خداوند به من وحی فرمود که : سرت را بلند کن .
وقتی سر برآوردم ، در این موقع انوار علی ، فاطمه ، حسن ، حسین ،
علی بن الحسین ، محمّد بن علی ، جعفر بن محمّد ، موسی بن جعفر ،
علی بن موسی ، محمّد بن علی ، علی بن محمّد ، حسن بن علی علیه السلام ،
وحجّت بن الحسن علیه السلام که همچون ستاره‌ای درخشان در میان آنان
ایستاده بود ، دیدم .

عرض کردم : پروردگارا ! اینان چه کسانی هستند ؟

فرمود : اینان پیشوایان و امامان هستند ، و این که قائم است حلال

۱ - کمال الدین : ج ۱ ص ۲۴۰ ح ۲ ؛ بحار الأنوار : ج ۵۲ ص ۳۷۹ ح ۱۸۵ .

مرا حلال، و حرام مرا حرام می‌گرداند، و به وسیله او از دشمنان انتقام می‌گیرم، او مایه آسایش اولیای من است و اوست که دل‌های شیعیان مرا با انتقام از ستمکاران، منکران و کافران شفا و بهبود می‌بخشد.

اولات و عزا را تر و تازه از قبرشان بیرون می‌آورد و به آتش می‌کشد، به راستی که فتنه و گمراهی که توسط آن دو، در آن روز بر مردم ایجاد می‌شود از فتنه گوساله و سامری بیشتر است.

چه نیکو سروده:

چو آید آن نگار عالم آرا

تجلی می‌دهد وجه خدا را

کشد از قبر بیرون دومی را

بسوزاند تن آن بی‌حیا را

به آه و ناله شب‌های مولا

بسوز سینه مجروح زهرا

خدایا! جز وصال بی‌زوالش

ندارم از تو من چیزی تمنا

از آن روزی که سیلی خورده زهرا

سیه شد روزگار اهل معنی

شنیدم ز عارفی حکم فرج را

کند زهرای سیلی خورده امضا

نخستین پرونده

نخستین پرونده ستمی که پس از رسول خدا ﷺ رقم خورد؛ پرونده‌ای بود که خفاشان و فرعون صفتان منافق برای حبیب رسول خدا ﷺ فاطمه زهرا علیها السلام رقم زدند، آنان با این ستم خویش، رفتار همه ستمگران را به فراموشی سپردند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام همسر و همتای این حجت خدا، فاطمه زهرا علیها السلام در مظلومیت همسرش می فرماید:

إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمْ تَزَلْ مَظْلُومَةً، مِنْ حَقِّهَا مَمْنُوعَةٌ، وَعَنْ مِيرَاثِهَا مَدْفُوعَةٌ، لَمْ تَحْفَظْ فِيهَا وَصِيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَلَا رَعِيَ فِيهَا حَقَّهُ وَلَا حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَفَى بِاللَّهِ حَاكِمًا وَمَنْ الظَّالِمِينَ مُنْتَقِمًا. (۱)

فاطمه علیها السلام، دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم همواره مظلوم بود، و از حق خود و ارث پدر محروم گردید، در مورد او سفارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم عملی نشد، و حق پیامبر و حق خدای بزرگ نیز نسبت به او مراعات نشد، و خداوند به عنوان داور و انتقام گیرنده از ستمگران کافی است.

آری، ستمی که در حق آن بانوی باعظمت و دخت پیامبر

۱ - امالی شیخ طوسی : ۱۵۶ ضمن ح ۲۵۸.

رحمت سَلَامٌ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روا داشتند در حق احدی از انسان‌ها نشد، ستم‌هایی که آنگاه قلم به تحریر آن‌ها به حرکت آید اشک از دیدگان هر انسان معتقد با احساس را جاری می‌نماید و از صمیم دل بر ستمگران او لعنت نموده و از آنان متنفر شده و از خداوند انتقام او را می‌خواهد.

چه مصایب بزرگی که خود آن بانوی ستم‌دیده به آن اشاره کرده و می‌فرماید:

صَبَّتْ عَلَى مَصَائِبِ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لِيَالِيَا

مصیبت‌ها چنان از اطراف بر من سرازیر شد که اگر بر روزها می‌ریخت شب می‌گشتند.

مصایبی که پس از آن، سرچشمه همه مصایب شد و راه را برای همه ستمگران باز کرد، تا با پیروی از سلف ناخلف و دیو صفت خود، همچنان به خاندان مظلوم آن حضرت ظلم نموده و بر این امر شنیع اصرار ورزند.

ستمی که منجر به شهادت همسر او امیر مؤمنان علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و امامان از فرزندان آن حضرت گشت و آخرین آن‌ها را خدای منان برای انتقام از این سرکشان در پشت پرده غیبت نگه داشت.

به راستی آن روزی که پرونده همه ستمگران بر چیده می‌شود روز دیدنی و با شکوهی است، فرجامی که همه پرونده‌های ستم

در آن روز جمع می‌گردند.

آنگاه که زمین برای نورافشانی آخرین حجت خدا، امام زمان علیه السلام آماده گردد، پایگاه‌های ظلم و ستم توسط یاران سلحشور آن حضرت سقوط کرده و همه کشورهای جهان یکی پس از دیگری فتح می‌گردد، نخستین اقدام آن حضرت، هنگام ورود به شهر فاطمه زهرا علیها السلام - شهری که در آن مادرش زهرا علیها السلام مورد ستم قرار گرفت و پس از تحمل رنج‌ها آن بانوی با عظمت را در خود پنهان نمود - انتقام از دشمنان حضرت زهرا علیها السلام است.

در حدیثی از پیشوای ششم، امام صادق علیه السلام به این امر مهم اشاره شده که بشیر نبال گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید:

هل تدري أول ما يبدأ به القائم علیه السلام ؟

آیا می‌دانی نخستین کاری که حضرت قائم علیه السلام آن را انجام می‌دهد، چیست؟

عرض کردم: نه.

فرمود: يخرج هذين رطبين غضين، فيحرقهما ويذريهما في الريح.. (۱)

بدن آن دو نفر را تر و تازه از زمین بیرون ساخته و به آتش می‌کشد و خاکستر آن دو را به باد می‌دهد.

۱ - بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۸۶ ح ۲۰۰.

فرجام سخت

ستمگران فرجام سختی در پیش دارند، گرچه خداوند متعال چند روزی به آنان مهلت داده؛ ولی روزی که این مهلت پایان یابد روزگار سخت آنان فرا خواهد رسید.

انسان‌های آگاه و اندیشمند با کمی تأمل به اسرار نهفته فرجام کار آنان پی خواهند برد و این امر را ضروری و بدیهی خواهند شمرد و اگر کمی در آن بیندیشند هیچ تردیدی در کیفیت فرجام و انتقام نخواهند کرد.

آری، روز فرجام سخت ستمگران، روز دیدنی و بیاد ماندنی است، همه انسان‌هایی که در انتظار عدل و داد جهانی هستند در واقع، در عین حال که منتظر جهانی سبز و خرم - که با صفای عدل و داد عطرآگین شده - هستند، منتظر فرجام سخت و ذلت و خواری ستمگران نیز می‌باشند.

در آن روز، ستمگران به سزای اعمال و رفتارهای زشت خویش خواهند رسید و تاوان ستم و سرکشی خود را خواهند داد و همه مظلومان و ستم‌دیدگان عالم نیز حق خود را از بیدادگران خواهند گرفت و شاهد انتقام عدل الهی از ستمکاران و جباران خواهند بود و دل‌های غمدیده خود را با دیدن آن منظره‌های انتقام، شفا داده و مرهم خواهند گذاشت.

منتظرانِ ظهورِ امام زمان علیه السلام! ضمن درخواست فرا رسیدن آن

روزگار شکوهمند، از خداوند جبّار، با هم به فرازهایی از گفت و گوی مفضل، صحابی بزرگوار امام صادق علیه السلام، با آن حضرت گوش جان بسپاریم، تا با آن دوران بیشتر آشنا شده و برای رسیدن آن، تلاش نماییم.

مفضل، همان صحابی معروفی است که حدیث مفضل و معروف او، در خداشناسی که از امام صادق علیه السلام پرسیده، و به «توحید مفضل» معروف و مشهور است. در این حدیث نیز مفضل، در مورد حضرت مهدی علیه السلام و چگونگی ظهور آن حضرت، اقدامات و روش حکومتی آن حضرت و ده‌ها پرسش دیگر را در این رابطه، از محضر سرچشمه علم و دانش امام صادق علیه السلام می‌نماید و حضرت پاسخ می‌دهد.

مفضل گوید: از مولایم امام صادق علیه السلام در مورد چگونگی ظهور حضرت مهدی علیه السلام پرسیدم؟

... آنگاه که مولایم سیر حرکتی حضرت مهدی علیه السلام را در آغاز ظهورش توضیح داده، فرمود:

... فإذا وردها (المدينة) كان فيها مقام عجيب، يظهر فيه سرور المؤمنين وخزي الكافرين.

آنگاه که وارد مدینه شود مقامی بس شگفت‌انگیز خواهد داشت که باعث شادمانی مؤمنان و رسوایی کافران خواهد شد.

عرض کردم: ای آقای من! آن مقام شگفت‌انگیز چگونه خواهد

بود؟

امام صادق علیه السلام فرمود:

یرد إلی قبر جدّه، فیقول: یا معشر الخلائق! هذا قبر جدّی
رسول الله صلی الله علیه و آله؟

فیقولون: نعم، یا مهدی آل محمد!

فیقول: ومن معه فی القبر؟

فیقولون: صاحباه وضحیّاه؛ أبوبکر وعمر...

کنار قبر جدّ بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله می آید و صدا می زند: ای
مردم! آیا این قبر جدّ من است؟

مردم می گویند: آری، ای مهدی آل محمد!

می پرسد: چه کسانی در اینجا با او مدفون هستند؟

می گویند: دو نفر از یاران و همجواری او.

و این در حالی است که او از هرکس آن دو نفر را بهتر می شناسد، در
حالی که مردم با تمام وجود گوش می دهند، می پرسد: آنها
کیانند؟ چطور شد که در میان تمام مردم فقط این دو نفر با جدّ
من، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اینجا دفن شدند، شاید افراد دیگری مدفون
باشند؟

مردم می گویند: ای مهدی آل محمد! کسی جز این دو نفر در اینجا
مدفون نیست، آنان به این جهت در اینجا دفن شدند که خلیفه
پیامبر خدا و پدر زن او هستند!!

حضرت مهدی علیه السلام برای سؤمین مرتبه سؤال را تکرار می‌کند...
(تا آنجا که) آن حضرت بیرون آوردن آنها را سه روز به تأخیر
می‌اندازد، این خبر در میان مردم پخش می‌شود.

پس از سه روز، حضرت مهدی علیه السلام به آنجا آمده و روی قبرهای
آنها را برمی‌دارد و به نقبا و یاران ارشد خود می‌فرماید: قبرهای
اینان را بشکافید و آنها را جستجو کنید.

آنان طبق دستور مولایشان با دست‌های خود آنها را جستجو کرده
و آنها را تر و تازه بیرون می‌آورند.

حضرت دستور می‌دهد که کفن‌های آنها را بیرون آورده بر درخت
پوسیده و خشکی بر دار کشند، در این هنگام (به جهت آزمایش
مردم) فوری درخت سرسبز و پر شاخ و برگ و خرم می‌شود!

دوستان آن‌ها با مشاهده این وضع شگفت‌انگیز می‌گویند:
سوگند به خدا! این شرافت حقیقی است که این‌ها دارند، ما هم به
دوستی اینان رستگار شدیم!!

هر کس محبت اندکی از آنها در دل داشته باشد، می‌آید و آن
منظره را می‌نگرد و با دیدن آن، فریفته می‌گردد.

در این هنگام، منادی حضرت مهدی علیه السلام صدا می‌زند: هر کس دو
صحابه پیامبر و همجوار او را دوست می‌دارد در یک سمت
بایستد.

مردم دو گروه می‌شوند:

گروهی دوست آنها .

و گروه دیگری دشمن آنها .

حضرت مهدی علیه السلام به دوستان آن دو نفر دستور می دهد که از آنها
بیزاری جویند .

آنها می گویند : ای مهدی آل پیامبر ! ما پیش از آن که بدانیم اینان
در نزد خدا چنین مقامی دارند !! از آنها بیزاری نجستیم ، اکنون
که فضل و مقام آنها برای ما آشکار شده ، چگونه با دیدن بدن تر و
تازه آنها و سبز شدن درخت پوسیده ، از آنان بیزاری بجوئیم ؟!
بلکه به خدا سوگند ! ما از تو و کسانی که عقیده به تو دارند و
آنهايي که به اینان ایمان ندارند و آنها را از قبر بیرون آورده و بر
دار زدند ، بیزاری می جوئیم !!!

در این هنگام ، حضرت مهدی علیه السلام به امر خداوند دستور می دهد
باد سیاهی بر آنها می وزد و آنان را مانند ریشه های پوسیده
درخت خرما از میان می برد .

آنگاه دستور می دهد آنها را از بالای دار پایین آورده ، و به امر
خداوند زنده می گرداند و دستور می دهد همه مردم جمع شوند .
آنگاه اعمال آنها را در هر دوره ای شرح می دهد ...

شاعری به گوشه ای از این صحنه اشاره کرده و می گوید :

ای آن که بر صحیفه حق پشت و پا زدی

بر هم بساط شادی آل عبا زدی

روزی که دادگاه عدالت بپا شود

آگه شوی که تیر جفا را خطا زدی

می پرسد از تو مهدی علیه السلام ما با چه جرأتی

آتش به درب خانه شیر خدا زدی

در کوچه‌ای که رهگذر خاص و عام بود

با تازیانه مادر ما را چرا زدی؟

دستت بریده باد که با بودن حسن علیه السلام

سیلی به روی مادر ما از جفا زدی

امام صادق علیه السلام در توصیف آن منظره دیدنی، سخن زیبای خود

را چنین ادامه می دهد:

... وإشعال النار علی باب أمير المؤمنين، وفاطمة والحسن

والحسین علیه السلام لإحراقهم بها، وضرب يد الصديقة الكبرى

فاطمة علیه السلام بالسوط، ورفس بطنها وإسقاطها محسناً، وسمّ

الحسن علیه السلام، وقتل الحسين علیه السلام ...

... ثمّ يصلبهما علی الشجرة، ويأمر ناراً تخرج من الأرض

فتحرقهما والشجرة، ثمّ يأمر ريحاً فتتسلفهما في اليمّ نسفاً.

... (از جمله جنایات آنان) آتش زدن در خانه امیر مؤمنان، فاطمه زهرا، حسن و

حسین علیه السلام و تازیانه زدن به بازوی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام و لگد به سینه وی زدن ، سقط شدن محسن علیه السلام فرزند او ، سم دادن به امام حسن علیه السلام ، کشتن امام حسین علیه السلام و اطفال و عموزادگان و یاوران آن حضرت ، اسارت فرزندان پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله ریختن خون آل محمد علیهم السلام ، و هر خونی که به ناحق ریخته شده ، و هر زنی که مورد تجاوز قرار گرفته ، و هر خیانت و اعمال زشت و گناه و ظلم و ستم که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا زمان قیام قائم علیه السلام از بنی آدم سرزده ، همه و همه را به گردن اولی و دومی انداخته و بر آنها ثابت می نماید و ملزم می گرداند ، آنها نیز اعتراف می کنند .
 آنگاه دستور می دهد : هر کس حاضر است و از آنها ظلمی دیده قصاص کند .

حاضران هم قصاص می کنند . سپس آنها را دوباره بر همان درخت به دار می کشد ، و دستور می دهد آتشی از زمین بیرون آمده آنها را با درخت می سوزاند ، آنگاه به باد دستور می دهد تا خاکسترشان را به آب دریا بریزد .

مفضل گوید : عرض کردم : آقای من ! آیا این کیفر آخر آنهاست ؟

امام صادق علیه السلام فرمود :

هیئات یا مفضل ! والله ، لیردّنّ ولیحضرنّ السیّد الأكبر محمد

رسول الله ﷺ والصدیق الأكبر أمير المؤمنين وفاطمة
والحسن والحسين والأئمة علیهم السلام .

نه! هرگز! ای مفضل! سوگند به خدا! فردای قیامت هر مؤمن و
کافری به صحرای محشر می آیند و آقای بزرگوار رسول خدا ﷺ و
صدیق اکبر امیر مؤمنان، فاطمه، حسن و حسین و پیشوایان
معصوم علیهم السلام نیز حاضر می شوند و همه آنها از این دو نفر قصاص
می کنند. تا جایی که آن دو نفر را در هر شبانه روز هزار بار
می کشند و باز به امر خداوند به صورت نخست برمی گردند تا
دوباره عذاب شده و به کیفر اعمالشان برسند.

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود:

با ظهور حضرتش کسانی که دعوت پیامبر خدا ﷺ را تکذیب کردند
و درباره پیامبری او شک و تردید نمودند و اعتنا به گفتار وی نکردند و
کسانی که گفتند: او ساحر، کاهن و دیوانه است و از روی هوای نفس
سخن می گوید و کسانی که با وی جنگ کردند همه را حاضر می کنند تا
از روی حق و عدالت انتقام اعمالی را که از بعثت آن حضرت تا موقع
ظهور مهدی علیه السلام با هر امامی و در هر وقتی از اوقات مرتکب شده اند
از آنها بگیرد. و این است تأویل حتمی آیه شریفه:

﴿ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ

وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُفَعِّنَ لَهُمْ فِي
الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا
يَحْذَرُونَ ﴿۱۱﴾

« و ما خواستیم بر آن کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند ، منت نهاده و آنان را پیشوایان مردم قرار داده و وارثان زمین کنیم . و در زمین توانایی و قدرتشان داده و به فرعون و هامان و لشکریانشان که از جانب آنان (بنی اسرائیل) بیم داشتند ، نشان دهیم.»

مفضل عرض کرد: مولای من! فرعون و هامان در آن وقت کیستند؟

فرمود: اوّلی و دوّمی است .

عرض کرد: مولای من! آیا پیامبر خدا ﷺ و علی مرتضیٰ ﷺ با قائم ﷺ خواهند بود؟

فرمود: آری ، سوگند به خدا! پیامبر خدا ﷺ و علی مرتضیٰ ﷺ ناگزیر می باید قدم روی زمین بگذارند .

حضرت در ادامه سخنان خویش فرمود:

ای مفضل! گویا می بینم که ما امامان در آن هنگام در برابر پیامبر خدا ﷺ اجتماع کرده و به آن حضرت شکایت می کنیم که اُمّت

بعد از وی چه به روز ما آوردند، و می‌گوییم: اُمت ما را تکذیب کردند، بی‌اعتنایی و نفرین و لعنت و تهدید به قتل نمودند، حاکمان آن‌ها ما را از وطن دور نموده و به مرکز فرمان‌روایی خود بردند و جمعی از ما را با زهر ستم و حبس کشتند.

در این هنگام پیامبر خدا ﷺ سخت گریه می‌کند و می‌فرماید: ای فرزندان من! هر چه به شما رسید بیشتر به جد شما رسید.

کوثر ولایت و ناله‌های آتشین

امام صادق علیه السلام چگونه دادخواهی مادر مظلومشان حضرت زهرا علیها السلام را در آن روز، چنین بیان می‌فرماید:

ثمّ تبتدىء فاطمة علیها السلام وتشكو ما نالها من أبي بكر وعمر، وأخذ فذك منها، ومشیها إليه في مجمع من المهاجرين والأنصار، وخطابها له في أمر فذك، وماردّ علیها.

وقول عمر: هاتي صحيفتك التي ذكرت أنّ أباك كتبها لك، وإخراجها الصحيفة وأخذة إياها منها، ونشره لها على رؤوس الأشهاد من قريش والمهاجرين والأنصار، وسائر العرب، وتفله فيها وتمزيقه إياها؛

وبكائها ورجوعها إلى قبر أبيها رسول الله صلی الله علیه و آله باكیة حزينة تمشي على الرمضاء قد أقلقتها، واستغاثتها بالله وبأبيها رسول الله صلی الله علیه و آله، وتمثلها بقول رقيقة بنت صيفي:

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ يَكْبَرَ الْخَطْبُ
 إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَابِلَهَا وَاخْتَلَّ أَهْلُكَ فَاشْهَدْهُمْ فَقَدْ لَعَبُوا
 ... و قوله (یعنی عمر): كفي يا فاطمة! فليس محمد حاضراً،
 ولا الملائكة آتية بالأمر والنهي والزجر من عند الله، وما عليّ
 إلا كأحد المسلمين، فاخترني إن شئت خروجه لبيعة أبي بكر أو
 إحراقكم جميعاً.

... فقال لها عمر: دعي عنك يا فاطمة! حمقات النساء فلم يكن
 الله ليجمع لكم النبوة والخلافة، وأخذت النار في خشب الباب.
 ... وهجوم عمر وقنفذ وخالد بن الوليد لعنهم الله، وشفقة خذّها
 حتّى بدأ قرطاهها تحت خمارها، وهي تجهر بالبكاء وتقول:
 وا أبتاه! وا رسول الله! ابنتك فاطمة تكذب وتضرب ويقتل
 جنين في بطنها.^(۱)

آنگاه فاطمه زهراء علیها السلام می‌آید و از ظلم اوّلی و دوّمی و غصب
 و فدک؛ ملک خود توسط آن‌ها، و رفتن به میان مهاجرین و انصار
 و ایراد خطبه‌اش در خصوص غصب فدک، و جوابی که او داد و
 گفت که: پیامبران ارث نمی‌گذارند.

و استدلال زهرا علیها السلام به گفته حضرت زکریّا و یحیی علیهم السلام و داستان
 داوود و سلیمان علیهم السلام.

و این که عمر به او گفت: آن نامه‌ای را که پدرت برای تو نوشت به

من نشان بده و او درآورد و نشان داد و او آن را گرفته پیش روی
 قریش و مهاجران و انصار و سایرین به آن آب دهان انداخت و پاره
 کرد!!!

و گریستن حضرت زهرا علیها السلام و برگشتن به طرف قبر پدرش رسول
 خدا صلی الله علیه و آله در حالی که می گریست و محزون بود و با نگرانی به روی
 زمین قدم بر می داشت و به خداوند و پدرش پیامبر صلی الله علیه و آله پناه آورده
 و به اشعار رقیقه دختر صیفی تمثّل جست و شکوه کرد و ...

کوثر ولایت در آتش

آنگاه امام صادق علیه السلام به هجوم و حشیانه منافقین به خانه مولای
 متقیان امیر مؤمنان علی علیه السلام و جنایاتی که مرتکب شدند اشاره کرده
 و می فرماید:

سپس داستان ابوبکر را نقل می کند که چگونه خالد بن ولید، قنفذ،
 عمر بن الخطاب و گروهی از رجاله ها را فرستاد تا امیر مؤمنان
 علی علیه السلام را از خانه خود برای بیعت گرفتن در سقیفه بنی ساعده ببرند.
 امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله مشغول جمع آوری
 قرآن گردید، قرض حضرتش را - که هشتاد هزار درهم بود - با
 فروش دارایی خود، همه را پرداخت.

هم چنین نقل می کند که: چگونه عمر گفت: یا علی! بیرون بیا و
 در آنچه مسلمانان شرکت کرده اند تو نیز شرکت کن و گرنه گردنت

را می‌زنیم!!

فضه گفت: امیرمؤمنان علی علیه السلام مشغول کاری است که اگر انصاف داشته باشید، خواهید دانست که او از آمدن معذور است. ولی آن‌ها گوش نداده و هیزم آوردند تا درب خانه‌ای را که امیرمؤمنان، فاطمه، حسن، حسین، زینب، اُمّ کلثوم علیها السلام و فضه - رحمها الله - در آن بودند، آتش بزنند.

و سرانجام، آن در را آتش زدند.

حضرت فاطمه علیها السلام پشت در آمد و از همانجا صدا زد: ای عمر! وای بر تو! چگونه بر خدا و پیامبر جسارت و گستاخی نمودی؟ با این کار می‌خواهی نسل پیامبر را از روی زمین برداری و او را از میان ببری و نور خدا را خاموش نمایی، با این که خدا نمی‌گذارد که نورش خاموش گردد؟!

عمر گفت: ای فاطمه! بس کن! اکنون نه محمد حاضر است و نه فرشتگان از جانب خدا برای امر و نهی و ترساندن می‌آیند!! علی هم مانند یک نفر از مسلمانان است، اگر می‌خواهی بگو بیرون بیاید و با ابوبکر بیعت کند و گرنه همه شما را آتش می‌زنم!!

فاطمه علیها السلام در حالی که می‌گریست گفت: پروردگارا! شکایت فقدان پیامبر و رسول برگزیده‌ات و ارتداد امتت و پایمال شدن حقی که تو در کتاب خود برای ما قرار داده‌ای، به تو می‌کنم.

عمر گفت: ای فاطمه! این حرف‌های زنانه را رها کن. خدا نبوت و خلافت را یکجا برای شما جمع نمی‌کند!

سپس هیزم را آتش زد، قنفذ ملعون دستش را داخل نمود تا در را بگشاید، عمر با تازیانه به بازوی فاطمه علیها السلام زد به گونه‌ای که بازویش همچون بازو بند سیاهی ورم کرد، آنگاه چنان با پای خود به در نیم سوخته زد که به شکم دختر پیامبر خورد و او که حامله بود محسن ششماهه خود را سقط کرد.

عمر، قنفذ و خالد بن ولید به درون خانه هجوم آوردند. و چنان سیلی به صورت حبیبۀ خدا زد که گوشواره‌هایش از زیر مقنعه دیده شد!!! آن بانوی ستمدیده، فاطمه زهرا علیها السلام با صدای بلند گریه می‌کرد و می‌گفت: ای پدر! ای پیامبر خدا! دخترت را دروغگو می‌دانند او را می‌زنند! و بچه‌اش را کشتند!!

سپس امیرمؤمنان علی علیه السلام در حالی که چشمش از شدت خشم سرخ شده بود از داخل خانه بیرون آمد و عبایش را در آورد و روی فاطمه علیها السلام که روی زمین افتاده و غش کرده بود، انداخت.

آنگاه به همسر وفادارش فرمود:

ای دختر پیامبر خدا! می‌دانی که خداوند پدر بزرگوارت را برای هدایت جهانیان برانگیخت. مبادا مقنعه خود را از سر برداری و نفرین کنی!

ای فاطمه! به خدا سوگند! اگر چنین کنی یک نفر در روی زمین نمی‌ماند که بگوید محمد، موسی، عیسی، ابراهیم، نوح، آدم، پیامبر خدا هستند. با نفرین تو خداوند همه جنبنندگان روی زمین

و پرندگان آسمان را نابود می‌کند.

آنگاه شیر خدا، علی مرتضی علیه السلام رو به عمر کرد و فرمود:

ای پسر خطاب! وای بر تو از این کار که امروز نمودی و از فرجام آن! از خانه من بیرون برو پیش از آن که شمشیرم را از غلاف بیرون آورده و اُمت جفا جوی را بکشم.

عمر با خالد بن ولید، قنفذ و عبدالرحمان بن ابی از خانه بیرون رفتند. در این هنگام، امیرمؤمنان علی علیه السلام فضّه را صدا زد و فرمود: ای فضّه! بانوی خود زهرا علیها السلام را دریاب که دچار درد زاییدن شده.

چون فضّه بکار آن مخدره پرداخت. بچه‌ای که پیش از ولادت نام او را محسن گذارده بودند سقط گردید!

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: این کودک به نزد جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رود و به او شکایت می‌کند.

و بدینسان در آن لحظات انتقام، یکبار دیگر مصایب بزرگ آن بانوی بزرگوار در میان جهانیان بازگو می‌شود و جهانیان با ابعاد و زوایای این ستم بزرگ و مصیبت جانکاه آشنا شده و نفرین و لعن خویش را بر ستمکاران نموده و به حقانیت خاندان عصمت و طهارت اعتراف می‌نمایند.

آری، اگر امروز یاوه سرایان و ناآگاهان، در مورد مصایب آن بانوی بزرگ شبهه افکنی می‌نمایند و شهادتش را توجیه می‌کنند؛ تنها به جهت پشت پرده بودن فرزند عزیزش و منتقم خویش حضرت مهدی علیه السلام است.

با دعا برای فرا رسیدن آن روز پر شکوه به فراز دیگری از اقدامات تازه آن دوران توجه نمایید.

ارمغان رحمت و نفاق ستیزی

... فطرت دیرینه بشری بر بیزاری و تبرّی از دشمن بنا نهاده شد، انسان در مسیر کمال خود، همواره برای رسیدن به آن از دشمنان طریق تعالی بیزاری جسته و همواره در صدد نابودی دشمنان این راه مقدّس است.

طبیعی است که دشمنان سرسخت این طریق مقدّس نیز برای سدّ راه انسان و جلوگیری او از تعالی، از هیچ اقدامی کوتاهی نمی‌کنند.

تبرّی و بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و منافقانی که جلو تابش آفتاب را گرفته و در پی آزار انسان‌های پاک فطرت هستند، و نیز شناخت آنان؛ مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش را در رسیدن به کمال ولایت و محبّت ایفا می‌کند.

دوستان اهل بیت علیهم‌السلام در طول تاریخ به ویژه در دوران تاریک غیبت با تبرّی و بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام آزمایش شده و به درجات والایی صعود کرده‌اند.

این سنّت الهی در دوران ظهور شکوهمند منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه‌السلام نیز عملی می‌شود تا برتری و درجات یاران آن حضرت مشخص گردد.

این مرحله از آزمایش، در حدیثی از امام صادق علیه السلام به گونه زیبایی ترسیم شده است. اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إذا قدم القائم عليه السلام وثب أن يكسر الحائط الذي على القبر،
فیبعث الله تعالى ريحاً شديدة، وصواعق ورعوداً حتى يقول
الناس: إنما ذا لذا.

فیتفرّق أصحابه عنه حتى لا يبقى معه أحد.

فیاخذ المعول بیده، فیکون أوّل من یضرب بالمعول، ثمّ یرجع
إلیه أصحابه إذا رأوه یضرب المعول بیده، فیکون ذلك الیوم
فضل بعضهم علی بعض بقدر سبقهم إلیه، فیهدمون الحائط.

ثمّ یرجعهما غضّین رطبین، فیلعنهما، ویتبرأ منهما،
ویصلبهما، ثمّ ینزلهما ویحرّقهما، ثمّ ینذرهما فی الرّیح. (۱)

هنگامی که حضرت قائم علیه السلام وارد شهر مدینه می‌گردد، برمی‌خیزد
تا دیواری را که بر قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بناشده تخریب نماید. در
این هنگام خداوند متعال توفان و رعد و برق شدیدی می‌فرستد، تا
این که مردم می‌گویند: این علائم به خاطر این تخریب است.

یاران حضرت (به جهت سختی امتحان) پراکنده می‌شوند و
کسی باقی نمی‌ماند.

حضرت خود کلنگ به دست مبارک گرفته و نخستین کسی است که با

کلنگ ضربه می‌زند سپس اصحابش که می‌بینند آن حضرت با دست خود کلنگ می‌زند به سوی او برمی‌گردند، در این روز مقدم بودن بعضی بر بعضی دیگر به قدر سبقت آنان در بازگشت به سوی حضرت است، پس و دیوار را منهدم می‌نمایند.

آنگاه بدن آن دو نفر را تر و تازه بیرون آورده و مورد لعن قرار داده و از آن‌ها دوری می‌جویند و به دار آویزان می‌نمایند، آنگاه آن دو را پایین آورده و آتش زده و خاکسترشان را به باد می‌دهند.

ارمغان رحمت و فرجام شجرهٔ خبیثه

بار دیگر اگر چشم از این جهان مادی بپوشانیم و با لطف و عنایت خداوند متعال چشم دل باز کرده و در تاریخ سیر کنیم و در آن تأملی بنماییم، دو قطب در برابر هم خواهیم یافت که یکی سرچشمهٔ همهٔ خوبی‌ها است و دیگری سرچشمهٔ همهٔ بدی‌ها.

و دو خط را در برابر هم خواهیم دید که یکی به سوی بهشت سبز و خرم منتهی می‌شود و دیگری به سوی جهنم سوزان، و افراد هر راه مشخص و معلوم است.

آنگاه که آن دو شجرهٔ خبیثه در برابر شجرهٔ طیبه قرار گرفتند و به پندار خود او را از بین بردند، غافل از آن که او نور خداست و نور خدایی هرگز خاموش نمی‌گردد.

اینک نوبت یکی دیگر از آن شجره خبیثه است که رو در رو در

طول زندگی خویش، حبیبه خدا، فاطمه زهرا علیها السلام را مورد آزار قرار داده است، کسی که راه آن دو شجره ملعونه را هموار نموده و راه را برای ستم‌های خاندان بنی امیه و بنی عباس گشود.

اکنون جهان از آن کسی است که می‌خواهد آن را از هر گونه ظلم و ستم آباد نماید، ویرانی‌های آن را اصلاح و به جهانی نوین تبدیل کند. او با این اقدام بی‌نظیری که تا کنون جهان، از زمان خلقت خویش در خود ندیده، ریشه همه مفسد و ستم‌ها را می‌خشکاند تا گل‌های شقایق بهتر رشد کرده و جهان را سبز و خرم نمایند.

آری، یوسف زهرا علیها السلام می‌خواهد به همه ستم‌ها پایان بخشد و ریشه آنها را خشکاند، حمیراء باید زنده شده و در برابر دیدگان همه ستم‌دیدگان به سزای دنیوی خویش برسد.

عبدالرحیم قصیر گوید: مولایم امام باقر علیه السلام به من فرمود:

أما لو قام قائمنا لقد ردّت إليه الحمیراء حتّی یجلدها الحدّ،
وحتّی ینتقم لابنة محمّد صلی الله علیه و آله فاطمة علیها السلام منها.

آگاه باش که هرگاه قائم ما قیام نماید حمیراء برای او زنده شده و برگردانده خواهد شد تا بر او حدّ جاری ساخته و انتقام دختر محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام را از او بگیرد.

عرض کردم: قربانت کردم، چرا بر او حد جاری می‌شود؟

فرمود:

لفریتها علی أمّ ابراهیم.

به جهت افتراپی که بر مادر ابراهیم فرزند پیامبر زد.

عرض کردم: پس چرا خداوند حدّ او را تا زمان قائم علیه السلام به تأخیر انداخت.

فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَحْمَةً، وَبَعَثَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَام نِقْمَةً. (۱)

خداوند متعال محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را رحمت فرستاده و قائم عَلَيْهِ السَّلَام را نقت . خداوند را سپاس می‌گوییم که عنایتی دیگر فرمود تا با تأملی دوباره، توانستیم معرفت و شناخت خودمان را در فرازهای حسّاس زندگی چهارده نور پاک به ویژه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام بیافزاییم.

اکنون نوبت آن رسیده که این اندوخته‌های نورانی دانش را سر لوحه برنامه‌های زندگی خودمان قرار داده و آنها را بکار ببندیم، تا بتوانیم با آخرین فرزند حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام ارتباط برقرار نموده و در مسیر کمال انسانی حرکت کنیم.

۱ - بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۲۴۲، وج ۵۲ ص ۳۱۴ ح ۹، وج ۵۳ ص ۹۰، ح ۹۳.

بخش ۶

کوثر و ولایت الگوی منتظران

فاطمه زهرا علیها السلام ؛ الگوی امام زمان علیه السلام
کوثر ولایت و برترین سرمشق
آشنایی با امام زمان علیه السلام و شناخت آن
بزرگوار
انتظار فرج و ظهور امام زمان علیه السلام
دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام

فاطمه زهرا علیها السلام؛ الگوی امام زمان علیه السلام

... به راستی که زندگی بانوی جهانیان، حضرت زهرا علیها السلام قابل تأسی است، او حوریه‌ای است که محور آفرینش به گرد وجودش می‌چرخد، زندگی پربار آن حضرت در عین حال که کوتاه بود الگوی همه جهانیان است.

چه زیبا سروده:

عمر تو بالاتر از ارض و سماست

هیجده سالت اگر خوانم خطاست

گرچه در این گردش لیل و نهار

زیستی با خاکیان هیجده بهار

اولین نور آخرین روشنگری

هم ازل را هم ابد را مادری

آری، او شخصیتی است که فرزندش حضرت مهدی علیه السلام او را الگوی خود قرار داده و بدین وسیله در این دوران غیبت به همه سختی‌ها و مشکلات آن صبر نموده است.

آنجا که می‌فرماید:

... وفي ابنة رسول الله ﷺ لي أسوة حسنة. (۱)

و در دختر پیامبر خدا ﷺ برای من الگوی نیکویی است.

شاید نخستین جهت الگو از آن حضرت، صبر و بردباری حضرت زهرا علیها السلام است. او در این عالم خاکی متحمل سختی‌های زیادی شد و صبر کرد تا رسالت پدر بزرگوارش به ثمر بنشیند. او خود را فدا کرد تا رسالت به امامت منتقل گردد. چنان صبر نمود که دشمنان خدا و منافقان را به عجز درآورد و با صبر خویش همه نقشه‌های آنان را نقش بر آب نمود.

او با صبر خویش به جهانیان درس آموخت که چگونه از امام زمانشان حمایت کنند و از او پیروی نمایند.

او با صبر خویش ترفندهای دشمنان را خنثی کرده و جهان را برای حکومت الهی فرزندش حضرت مهدی علیه السلام آماده ساخت. آری، صبر، بهترین وسیله برای پیشبرد حقیقت است و پیروان آن حضرت، با صبر خویش گل‌واژه انتظار را معنی کرده‌اند.

کوثر ولایت و برترین سرمشق

اینک وقت آن رسیده که همه منتظران ظهور شکوهمند حضرت مهدی علیه السلام حضرت زهرا علیها السلام را سرمشق زندگی دوران غیبت نموده

۱ - بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۸۰.

و در این راه کوشا باشند.

اکنون که با لطف خدای متعال توانستیم از زندگی پر بار صدّیقه طاهره حضرت زهرا علیها السلام سرمشق گرفته و با یک نگاه نو با مسئولیت خطیر خویش آشنا شدیم خوب است برای تحقّق دولة الزهراء علیها السلام اشاره‌ای به وظایف منتظران آن دوران با شکوه بنماییم. بدیهی است که برای حرکت در این مسیر نیازمند راه کاری هستیم که بتواند ما را رهنمون شده و به سر منزل مقصود برساند. البتّه در این زمینه منتظران از دانشمندان شیعه و مهرورزان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام با بهره‌گیری از سخنان نورانی معصومین علیهم السلام برخی از وظایف و تکالیف مردم را در این دوران حسّاس به رشته تحریر درآورده‌اند؛ ولی در عین حال با توجه به طولانی شدن دوران غیبت و محرومیت مردم از امام زمانشان معلوم می‌شود که در این رابطه کوتاهی زیادی شده است.

دانشمند محترم نویسنده کتاب ارزشمند و نفیس «صحیفه مهدیه» در این زمینه می‌نویسد:

«متأسّفانه تاکنون جامعه ما از همه وظیفه‌های خود در عصر غیبت آگاه نیست و کتاب‌های ارزنده‌ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر چند وظیفه از وظیفه‌های زمان تاریک غیبت می‌باشد نه همه آنها.

و چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه با حال تباه خود آشنا

می شدند. عصر ظلمت این گونه طولانی نمی شد.

به هر حال، همه مردم بالأخص کسانی که دارای وظیفه بیان این گونه مسایل بوده‌اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده‌اند، باید سخت غمگین و شرمسار باشند.

آیا سزاوار است امیر عالم هستی که عالم به همه نیازمندی‌های ما در نظم این منظومه و همه منظومه‌ها و کهشکشان‌هاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم؟

آیا سزاوار است سلول‌های مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن نور خدا همچنان در پرده ظلمت قرار داشته باشند؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هر یک جام جهان نمایی به نام قلب با خود همراه داشته باشند، و از عظمت آن بی خبر باشند؟

آیا در چه زمان، قلب‌ها به حیات اصلی خویش راه می‌یابند، و با معنای واقعی زندگی عالی انسان آشنا می‌شوند؟

آیا در چه دورانی، انسان‌ها به عظمت قلب و وجود جام جهان‌نما در وجود خویشتن آگاه می‌شوند؟

آیا در کدامین زمان تمامی سلول‌های مغزی انسان‌ها به کار می‌افتد، و جامعه بشریت با گسترش دانش‌های بی‌کران نهانی پیشرفت می‌نماید؟

آیا در کدامین روزگار انسان‌ها بر اثر آشنا شدن با نور خدا تیرگی‌ها، تاریکی‌ها، زورگویی‌ها و تزویرها را کنار نهاده و با

حکومت الهی به عدالت جهانی می‌رسند؟

آیا... و آیا...

آیا این‌ها همه، جز در حکومت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

میسر است؟

پس چرا شکوه آن زمان را احساس نمی‌کنیم؟

و چرا از تیرگی این زمان شکوه نمی‌نماییم؟

چرا از وضع جهان در آینده آگاهی نداریم؟

و چرا به وظیفه‌های دوران غیبت عمل نمی‌نماییم؟»^(۱)

اینک ما نیز با سرمشق قرار دادن کوثر ولایت حضرت زهرا علیها السلام

در زندگی دوران غیبت به برخی از وظایف منتظران اشاره

می‌نماییم تا با بکار بستن آن‌ها بتوانند گام‌هایی برای تحقق ظهور

حضرت مهدی علیه السلام را بردارند، و به زودی زود شاهد آن دوران

بوده و در رکاب همایونی آن حضرت علیه السلام انتقام مادرش حضرت

زهرا علیها السلام را بگیرند و مرهمی بر دردهای آن بانوی بزرگوار بنهند.

۱- آشنایی با امام زمان علیه السلام و شناخت آن بزرگوار

منتظران و پیروان اهل بیت علیهم السلام بایستی در دوران غیبت با امام

زمانشان آشنا شده و این نخستین پایه صعود به قلّه‌های کمال را در

حدّ توانشان افزایش دهند، و جامعه انسانی را با چنین شخصیتی

که با ظهورش جهان غرق در نور خواهد شد آشنا نمایند، هنگامی که جامعه انسانی کوچکترین آشنایی با آن وجود داشته باشد و بتواند روزنه‌ای برای رسیدن به سوی او ایجاد کند، دیگر دنبال سراب‌ها نخواهند رفت و به سوی سرچشمه آب حیات خواهند شتافت و زمینه ظهور آن نور الهی آماده خواهد شد.

۲- انتظار فرج و ظهور امام زمان علیه السلام

از مهم‌ترین وظایف مردم در دوران غیبت انتظار ظهور امام زمان علیه السلام است، انتظاری که همه امامان معصوم علیهم السلام در این رابطه سخن گفته و مردم را با آن آشنا نموده‌اند.

این انتظار واقعی، تنها عامل حرکت و عبور از مسیر پر پیچ و خم دوران تاریک غیبت و رسیدن به دوران شکوهمند ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، ارزش این انتظار آنگاه معلوم می‌شود که پای سخنان معصومین علیهم السلام بنشینیم و با حقیقت آن بیشتر آشنا شویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْتَظَرُ الْفَرَجِ. ^(۱)

بهترین اعمال به سوی خدای متعال، انتظار فرج است.

آری، انتظار فرج، برترین اعمال است و منتظران، با انتظار فرج و ظهور، محبوبترین اعمال را به سوی خدا انجام می دهند.
در سخن دیگر، امام صادق علیه السلام انتظار فرج را جزو آیین امامان شمرده و می فرماید:

من دین الأئمة: الورع، والعفة، والصلاح، وانتظار الفرج بالصبر. (۱)

از آیین امامان علیهم السلام است: تقوا، عفت، صالح و شایسته بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی.

روشن است که در این زمینه سخن بسیار است و ما در اینجا به صورت اختصار آوردیم، منتظران عزیز می توانند به منابع اصلی مراجعه نموده و با ابعاد این گل واژه بهتر آشنا شوند.

۳- دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام

از مهمترین و کارسازترین وظایف منتظران در دوران غیبت امام زمان علیه السلام دعاست، دعایی که سلاح انبیا و اولیا بوده و معصومین علیهم السلام با دعاهای نورانی خویش بهترین سرمشقها را برای پیروان خود داده اند و آنها را در حرکت به سوی دوران

۱- منتخب الاثر: ص ۴۹۸.

شکوه‌مند ظهور سرعت بخشیده‌اند^(۱).

و می‌توان گفت که: رمز ظهور امام زمان علیه السلام همان دعاست، و این برنامه عملی و وظیفه عمومی شیعیان و ستمدیدگان در زمان غیبت آن مولای مهربان است.

یاران اهل بیت علیهم السلام همواره وظایف دوران غیبت را از پیشوایان زمان خود می‌پرسیدند، یکی از یاران امام هادی علیه السلام در این زمینه به حضرتش عرض می‌کند: در زمان غیبت، شیعیان شما چه کاری انجام دهند؟

امام هادی علیه السلام فرمود:

علیکم بالدعاء وانتظار الفرج^(۲).

بر شما باد دعا و انتظار فرج.

بیاییم مردم را با این وظیفه مهم آشنا نموده و برای ظهور امام زمان دعا کنیم و دیگران را به این عمل مقدس وا داریم، تا با ظهور آن حضرت، همه ناراحتی‌ها، سختی‌ها و نابسامانی‌ها پایان یابد که:

۱ - خوشبختانه جامع‌ترین و ارزنده‌ترین کتاب در این زمینه که با کیفیت خاصی تألیف شده، کتاب نفیس «الصحيفة المباركة المهدية» می‌باشد که گزیده آن بنام «صحيفة مهدیه» و «منتخب صحيفة مهدیه» چاپ و در اختیار دوستداران امام زمان علیه السلام قرار گرفته است، مطالعه و قرائت این کتاب ارزنده به همه منتظران توصیه می‌شود.

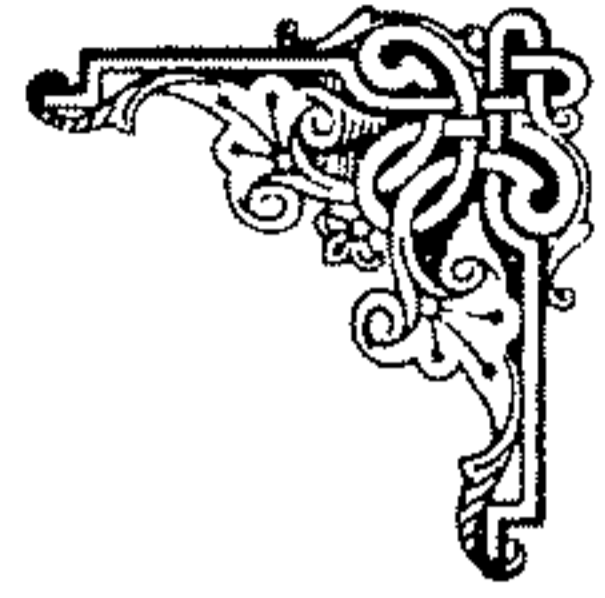
۲ - بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۳۳۶.

برآر دست دعا تا دعا کنیم بیاید
بیا به یوسف زهرا دعا کنیم بیاید
اگر دعا نکنی تو، اگر دعا نکنم من
کشد غمش به درازا دعا کنیم بیاید
بیا و حاجت خود را فدای حاجت او کن
به هر نیاز و تمنا دعا کنیم بیاید
خودش نموده سفارش دعا کنید برایم
فدای غربت مولا، دعا کنیم بیاید
به رنج‌های پیمبر به اشک غربت حیدر
به سوز سینه زهرا دعا کنیم بیاید
و این همان وظیفه مهمی است که خود امام زمان علیه السلام به آن اشاره
فرموده و منتظرانش را به این امر با اهمیت ارشاد فرموده، آنجا که
می‌فرماید:

اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج، فإنّ ذلك فرجكم. (۱)

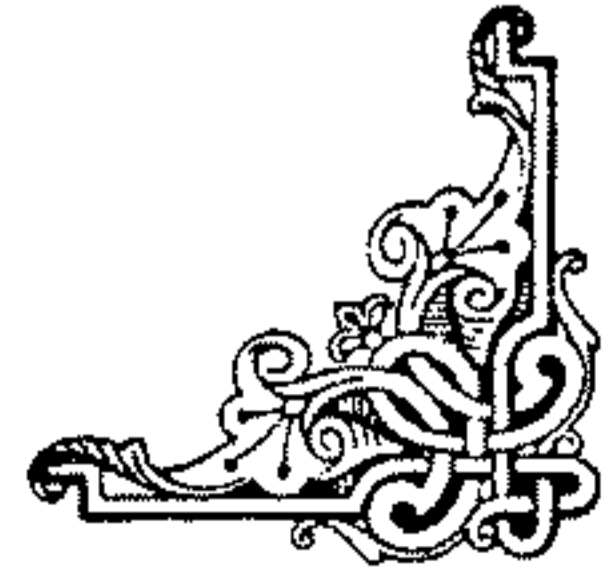
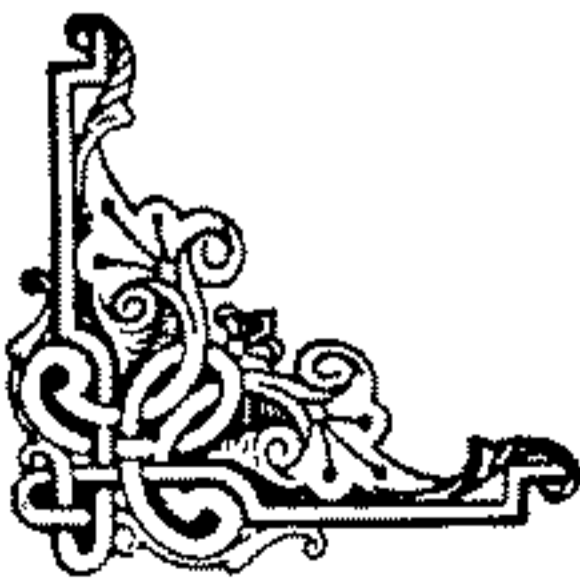
برای تعجیل در فرج و ظهور بسیار دعا کنید که همانا این کار برای
خودتان گشایش خواهد بود.

ما نیز با التماس به درگاه ربوبی و استعانت از محور عالم هستی
حضرت زهرا علیها السلام می‌خواهیم که خداوند متعال در امر فرج و ظهور
امام زمانمان تعجیل فرموده و جهان را با ظهورش منور گرداند.
آمین ربّ العالمین.



فهرست‌ها

فهرست آیات
فهرست روایات
منابع و مأخذ



فهرست آیات

| صفحه | آیه |
|---------------------|---|
| ۵۳ و ۵۱ | ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ...﴾ |
| ۱۴۹ ، ۱۴۸ ، ۵۷ ، ۵۶ | ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ |
| ۱۵۴ | ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ |
| ۴۱ | ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا...﴾ |
| ۳۴ | ﴿فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ...﴾ |
| ۱۴۸ و ۱۴۹ | ﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ﴾ |
| ۱۴۸ | ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ |
| ۳۴ | ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ...﴾ |
| ۱۵۶ | ﴿وَمَنْ قُتِلَ مُظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا﴾ |
| ۱۷۰ ، ۴۳ ، ۴۲ | ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ |

فهرست روايات

| صفحة | روايت |
|------|---|
| ١٤٢ | إبشري يا فاطمة! فإنك أول من تلحقني... |
| ١٥ | إبنتي فاطمة حوراء آدمية |
| ١٩٠ | أحب الاعمال إلى الله عز وجل انتظار الفرج |
| ١٥٧ | إذا قام قائمنا انتقم لله ولرسوله ولنا أجمعين |
| ١٧٩ | إذا قدم القائم وثب أن يكسر الحائط... |
| | أصدقاني هل سمعتما من رسول الله ﷺ: |
| ١٣٤ | «فاطمة بضعة مني...» |
| ١٧ | اعلم! يا ابا الحسن! إن الله تعالى خلق نوري... |
| ١٤٦ | أفلا أزيدك في بعلك وابن عمك من مزيد الخير... |
| ١٩٣ | أكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج... |

| صفحة | روايت |
|------|--|
| ٦٦ | ألا وإني وأهل بيتي كنا نوراً... |
| ١٣٤ | اللهم إني أشهدك أنهما قد أذيانني... |
| ٦٢ | اللهم عرّفني نفسك... |
| ٥٦ | اللهم هؤلاء أهل بيتي... |
| ١٤٥ | أما علمت أنّ الله تبارك وتعالى اختار أباك... |
| ١٨١ | أما لو قام قائمنا لقدر ردت إليه الحميراء... |
| ١٨٢ | إنّ الله تبارك وتعالى بعث محمداً ﷺ رحمة... |
| ٤٥ | إنّ الله تبارك وتعالى خلق أربعة عشر نوراً قبل خلق الخلق... |
| ٤٧ | إنّ الله تعالى خلق أربعة عشر نوراً من نور عظمته... |
| ١٤٨ | إنّ الله تعالى خلق الخلق فجعلهم قسمين... |
| | إنّ أهل زمان غيبته والقائلين بإمامته... |
| ١٠٣ | أفضل من أهل كلّ زمان... |
| | أنّ رسول الله ﷺ قال لفاطمة عليها السلام |
| ١١٥ | إبشري يا فاطمة! فإنّ المهدي منك |
| ١٤٦ | إنّ علياً أول من آمن بالله... |

| صفحه | روایت |
|------|--|
| ۱۶۰ | إِنَّ فاطمة بنت رسول الله ﷺ لم تزل مظلومة... |
| ۷۱ | إِنَّ فاطمة عليها السلام ضمنت لعلی علیها السلام عمل البيت... |
| ۴۲ | إِی وَالذی أرسل محمّداً! أنه بعهد منّي... |
| ۱۷۲ | ثمّ تبتدیء فاطمة عليها السلام وتشکو... |
| ۱۲۸ | الحمد لله شكراً علی نعمائه... |
| ۱۱۵ | خرج النبي ﷺ ذات يوم وهو مستبشر... |
| ۱۵۶ | ذلك قائم آل محمّد: يخرج فيقتل بدم... |
| ۵۱ | سمعت ليلة أُسري بي إلى السماء قال العزيز... |
| ۱۲۵ | علیّ بعدي أفضل أمّتي... |
| ۳۲ | علیّ خیر من أخلّفه فيکم... |
| ۱۹۲ | علیکم بالدعاء وانتظار الفرج |
| ۱۶۴ | فإذا وردها (المدينة) كان فيها مقام عجيب... |
| ۳۹ | قد عرفت إلى الحسين ، ثمّ سيّد العابدين... |
| ۱۵۴ | كادوا رسول الله ﷺ وكادوا علیاً عليها السلام... |
| ۱۰۷ | كان رسول الله ﷺ يقول لعلی علیها السلام... |

| صفحة | روايت |
|--------|--|
| ١٤٧ | كذلك يا بنيّة! أمور الدنيا يشوب سرورها حزنها... |
| ١٢٤ | لا، بل سيّد شهداء الأوّلين و الآخرين... |
| ٣٠ | لا لأمره تعقلونَ و لا من أوليائه تقلبون... |
| ١٥٧ | لما أسري بي أوحى إليّ ربّي جلّ جلاله... |
| ٣٣ | مثل الإمام مثل الكعبّة... |
| ٤٧، ٤٥ | محمد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين... |
| ١٩١ | من دين الأئمّة: الورع، والعفة... |
| ٦٣ | من مات ولم يعرف إمام زمانه... |
| ٦١ | المهدي أعلم الناس وأحلم الناس... |
| ١١٤ | المهدي <small>عليه السلام</small> رجل منا من ولد فاطمة <small>عليها السلام</small> ... |
| ١١٤ | المهدي من عترتي... |
| ٦٤ | نحن بنو عبدالمطلب، سادة أهل الجنّة... |
| ١٨ | نحن حُجّة الله على الخلق وفاطمة <small>عليها السلام</small> حُجّة علينا... |
| ٤٧ | نحن والله؛ الأوصياء الخلفاء... |
| ١٦ | نشدتكم بالله هل فيكم أحد زوجته سيّدة نساء أهل الجنّة... |

| صفحه | روایت |
|---------------|---|
| ۱۶ | نشدتکم بالله هل فيكم أحد له زوجة مثل زوجتي... |
| ۱۶۸ | وإشعال النار على باب أمير المؤمنين... |
| ۱۶۹ | والله ، ليردّن وليحضرنّ السيّد الأكبر... |
| ۱۷ | وأنا من ذلك النور أعلم ما كان وما يكون... |
| ۱۸۶ ، ۱۹ ، ۱۰ | وفي ابنة رسول الله ﷺ لي أسوة حسنة |
| ۶۰ | ولقد نبأني اللطيف الخبير أنه يخرج من صلب الحسين... |
| ۱۷ | وهي الصديقة الكبرى ، وعلى معرفتها دارت... |
| ۹۵ | هذا كتاب من الله العزيز الحكيم... |
| ۱۶۲ | هل تدري أول ما يبدأ به القائم عليه السلام... |
| ۱۵ | هم فاطمة وأبوها وبعلمها وبنوها... |
| ۹۳ | يا أبا الحسن ! وأنا أعلم ما كان وما يكون... |
| ۱۳۸ | يا أباذر ! إنها بضعة مني... |
| ۱۲۶ | يا أخي ! أنت ستبقى بعدي... |
| ۱۲۲ | يا بنيّه ! إن لبعلك مناقب... |
| ۱۳۱ | يا حبيبتي ! لا تبكين فنحن أهل بيت قد أعطانا الله... |

| صفحة | روايت |
|------|--|
| ١٢٦ | يا سلمان! أشهد الله أنني سلم لمن سالمهم... |
| ٤١ | يا سلمان! إنك مدرّكهم... |
| ٣٧ | يا سلمان! خلقتني الله من صفاء نوره... |
| ٣٩ | يا سلمان! من عرفهم حقّ معرفتهم واقتدى بهم... |
| ١٤١ | يا عليّ! أنت وصيّتي ووارثي... |
| ١٢٠ | يا فاطمة! أما علمت إنّنا أهل بيت اختار الله... |
| ١٤٤ | يا فاطمة! توكلّي على الله... |
| ١٣٧ | يا فاطمة! لا تبكي فداك أبوك... |
| ١٦٢ | يخرج هذين رطبين غضين ، فيحرقهما... |

منابع و مأخذ

- ۱ - قرآن کریم
- ۲ - الزام النواصب في إثبات الجحّة الغائب عليه السلام عالم بزرگوار، شیخ علی یزدی حائری، منشورات مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۷ هـ.
- ۳ - امالی شیخ طوسی: عالم جلیل القدر، شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، منشورات مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۴ هـ.
- ۴ - بحار الأنوار: دانشمند عالیقدر محمد باقر مجلسی رحمته الله، منشورات مکتبه اسلامیة، تهران.
- ۵ - تفسیر عیاشی: محدث جلیل القدر محمد بن مسعود عیاش سلمی سمرقندی، معروف به: عیاشی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، ۱۳۸۰ هـ.
- ۶ - جلوه های نور از غدیر تا ظهور: محمد حسین رحیمیان، مؤسسه انتشارات دارالثقلین، قم، ۱۳۷۹ هـ. ش.
- ۷ - صحیفه مهدیه؛ ترجمه المختار من الصحیفه المبارکه المهدیه: مؤلف: دانشمند محترم جناب آقای سید مرتضی مجتهدی؛ مترجم: محمد حسین رحیمیان، انتشارات الماس، ۱۳۸۰ هـ. ش.
- ۸ - عوالم العلوم: عالم بزرگوار، شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی، تحقیق و

نشر مؤسسه امام مهدی علیه السلام ، قم ، ۱۴۱۱ هـ .

۹ - عیون أخبار الرضا علیه السلام : عالم بزرگوار محمد بن علی بن بابویه قمی ، معروف به : شیخ صدوق رحمته الله ، منشورات اعلمی ، تهران .

۱۰ - فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه و آله و سلم : تألیف - محقق محترم آقای احمد رحمانی همدانی ، مؤسسه بدر .

۱۱ - فاطمة الزهراء علیها السلام شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : ترجمه آقای دکتر سید حسن افتخار زاده ، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر ، ۱۳۷۶ ش .

۱۲ - فاطمة الزهراء علیها السلام من المهد إلى اللحد : دانشمند محترم ، محقق عالی قدر آقای حاج سید محمد کاظم قزوینی رحمته الله .

۱۳ - فضائل الخمسة : عالم بزرگوار ، سید مرتضی حسینی فیروزآبادی ، تهران ، چاپ دوّم .

۱۴ - کتاب سلیم بن قیس : ابو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی ، متوفای ۷۶ هجری ، از یاران امیر مؤمنان علی ، امام حسن ، امام حسین ، و امام زین العابدین علیهم السلام ، تحقیق محقق محترم آقای محمد باقر انصاری زنجانی ، نشر الهادی ، قم ، ۱۴۱۵ هـ .

۱۵ - کمال الدین : عالم بزرگوار محمد بن علی بن بابویه قمی ، معروف به شیخ صدوق رحمته الله ، مؤسسه اعلمی ، بیروت ، ۱۴۱۲ هـ . ق .

۱۶ - کنز العمال : علاء الدین علی متقی هندی ، منشورات مؤسسه رسالت ، بیروت ، ۱۴۰۹ هـ .

۱۷ - الكوثر في أحوال فاطمة علیها السلام بنت النبي الأطهر صلی الله علیه و آله و سلم : عالم بزرگوار ،

منابع و مأخذ..... ۲۰۷

دانشمند محترم آقای سید محمد باقر موسوی، انتشارات حاذق، قم،
۱۴۲۰ هـ.

۱۸ - المجموع الرائق من أزهار الحدائق : محدث بزرگوار سید هبیت الله
موسوی، وزارت ارشاد، تهران.

۱۹ - مفاتیح الجنان : محدث خبیر حاج شیخ عباس قمی رحمۃ اللہ علیہ.

۲۰ - مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیہ السلام : دانشمند فرزانه : آیه الله
سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مؤسسه الامام المهدي علیہ السلام، قم.

۲۱ - منتخب الأثر : دانشمند محترم حضرت آیه الله آقای حاج شیخ لطف الله
صافی گلپایگانی، چاپ مکتبه داورى، قم.

فهرست کتابهای انتشارات دلیل ما درباره حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام

- چهل حدیث در شناخت امام زمان (عج)
خانه کودک
قطع رقعی، ۴۸ صفحه، قیمت ۲۵۰ تومان
- رمز ظهور نور
محمد حسین رحیمیان
قطع رقعی، ۷۲ صفحه، قیمت ۳۵۰ تومان
آنچه برای ظهور امام زمان علیه السلام باید انجام دهیم
- صدایت می‌زنم، سلامت می‌دهم، دعایت می‌کنم
محمد باقر انصاری
قطع رقعی، ۸۸ صفحه، قیمت ۴۰۰ تومان
کیفیت ارتباط با امام زمان علیه السلام با برداشتن از دعاها و زیارات مربوط به حضرت
- آفتاب در نگاه خورشید
دکتر مرتضی ظاهری
قطع رقعی، ۱۴۴ صفحه، قیمت ۴۰۰ تومان
جلوه‌های حضرت مهدی علیه السلام در کلام امام رضا علیه السلام
- اسرار فدک
محمد باقر انصاری، سید حسین رجائی
قطع وزیری، ۳۰۴ صفحه، قیمت ۱۴۰۰ تومان
ناگفته‌های فدک و تحلیل اعتقادی تاریخی ماجرا، به همراه متن کامل و مقابله شده خطابه فدک
- اما دخترم فاطمه ...!
ب. ام نرجس
قطع رقعی، ۱۲۸ صفحه، قیمت ۴۵۰ تومان
فضائل و مناقب حضرت زهرا علیها السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- این فاطمه علیها السلام است که سخن می‌گوید
محمد حسین غلامی
قطع جیبی، ۴۸ صفحه، قیمت ۲۰۰ تومان
چهل حدیث از حضرت زهرا علیها السلام
- بانوی بانوان
ابوالفضل موسوی گرمارودی
قطع رقعی، ۱۹۲ صفحه، قیمت ۶۰۰ تومان
زندگانی حضرت زهرا علیها السلام
- سیره و سیمای ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
علی کریمی
قطع وزیری، ۸۳۲ صفحه، قیمت ۳۵۰۰ تومان
ترسیم کاملی از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام
- شهادت حضرت فاطمه علیها السلام واقعیتهای انکار ناپذیر
علیرضا حسینی
قطع جیبی، ۴۰ صفحه، قیمت ۲۰۰ تومان
- پاسخ به شبهاتی که درباره شهادت حضرت زهرا علیها السلام مطرح شده است.
صدای فاطمی فدک
محمد باقر انصاری - سید حسین رجائی
قطع رقعی، ۸۴ صفحه، قیمت ۳۵۰ تومان
متن کامل خطابه فدک مقابله شده با ۲۰ نسخه
- عُمر مادرم
ف. ام محمد
قطع رقعی، ۱۱۲ صفحه، قیمت ۴۲۰ تومان
تسحیقی پیرامون تاریخ دقیق ولادت، ازدواج و شهادت حضرت زهرا علیها السلام
- فاطمه زهرا علیها السلام بانوی بهشت
محمد حسن مؤمنی
قطع رقعی، ۱۲۸ صفحه، قیمت ۶۰۰ تومان
ده مجلس در بیان مقامات و فضایل حضرت زهرا علیها السلام
- فدک معتبرترین سند تاریخ
علیرضا حسینی
قطع جیبی، ۵۲ صفحه، قیمت ۲۵۰ تومان
بررسی اسناد مسئله فدک
- قبر مادرم کجاست؟
اسماعیل انصاری
قطع رقعی، ۱۲۸ صفحه، قیمت ۵۰۰ تومان
ادبیات داستانی از لسان دختری در جستجوی قبر گمشده حضرت زهرا علیها السلام
- گزارش لحظه به لحظه از ماجرای فدک
محمد باقر انصاری
قطع رقعی، ۸۰ صفحه، قیمت ۳۵۰ تومان
جمع‌بندی دقیق داستان فدک
- گفتگوی دختران با سرور زنان جهان
غلامرضا حیدری ابهری
قطع جیبی، ۴۰ صفحه، قیمت ۲۰۰ تومان
گنگریر تحلیلی با حضرت زهرا علیها السلام بر اساس احادیث وارد از آن حضرت
- مادر خوبی داشتیم!
ز. ام مهدی
قطع رقعی، ۱۶۸ صفحه، قیمت ۷۰۰ تومان
یک دوره تاریخ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام برای نوجوانان
- مادر گلها فاطمه علیها السلام
اسماعیل انصاری
قطع رقعی، ۶۴ صفحه، قیمت ۳۰۰ تومان
دوره کامل و منحص از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام